

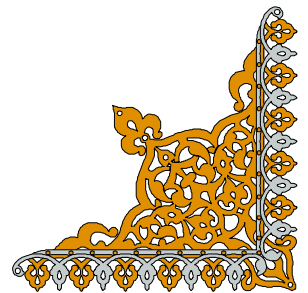
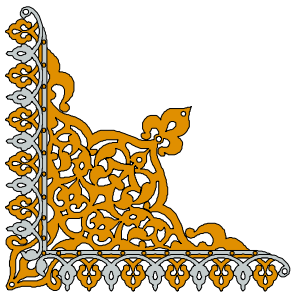
گزیده

حَلِيَّتِ الْمُتَّقِينَ

جلد ۲

داود صباغ

۱۳۹۱





باب پنجم : در بیان آداب مساواک کردن و : شانه کردن و ناخن و شارب گرفتن : و سر تراشیدن و

امثال آن

فصل اول : در بیان فضیلت مساواک کردن

فصل دوم : در فضیلت سر تراشیدن و آداب آن

فصل سوم : در آداب موی سر نگاهداشتن

فصل چهارم : در فضیلت شارب گرفتن یعنی موی لب بالا را تا ته گرفتن

فصل پنجم : در آداب ریش بلند کردن

فصل ششم : در بیان فضیلت موی سفید و حکم کندن آن

فصل هفتم : در فضیلت ناخن گرفتن

فصل نهم : در بیان آداب و اوقات ناخن گرفتن

فصل یازدهم : در فضیلت شانه کردن موی سر و ریش

باب ششم : در آداب بوی خوش کردن و گل بوئیدن و روغن مالیدن

فصل دوم : در فضیلت بوی خوش و آداب آن

فصل سوم : در کراهت رد کردن بوی خوش

فصل چهارم : در فضیلت مشک و عنبر و زعفران

فصل پنجم : در فضیلت غالیه

فصل ششم : در فضیلت و آداب روغن بریدن مالیدن

فصل هفتم : در فوائد روغن بنفشه

فصل هشتم : در فوائد روغن بان و روغن زنبق

فصل نهم : در فوائد سایر روغنها

فصل دهم : در فضیلت بخور و انواع و آداب آن

فصل یازدهم : در بیان فضیلت گلاب و گل سرخ و انواع گلها

فصل دوازدهم : در آداب گل بوئیدن

باب هفتم : در آداب حمام رفتن و سر و بدن شستن و دارو کشیدن و آداب بعضی از اغسال

فصل اول : در فضیلت حمام

فصل سوم : در بیان آنچه در حمام نباید کرد و آنچه تجویز شده است .

فصل چهارم : در فضیلت شستن سر و بدن و دفع بوهای بد از خود کردن

فصل پنجم : در فضیلت شستن سر با سدر و خطمی

فصل ششم : در فضیلت دارو کشیدن

فصل هفتم : در ازله کردن موی زیر بغل

فصل دهم : در اوقات نوره کشیدن و سایر آداب آن

فصل یازدهم : در فضیلت حنا مالیدن بعد از نوره

فصل دوازدهم : در آداب غسل جمعه و سایر اغسال

باب هشتم : در آداب خواب رفتن و بیدار شدن و بیت الخلا رفتن

فصل اول : در بیان اوقات خواب

فصل دوم : در وضو ساختن پیش از خواب

فصل سوم : در مکان خوابیدن و آداب پیش از خوابیدن

فصل چهارم : در سایر آداب خوابیدن

فصل ششم : در دفع ترسیدن در خواب و خواب پریشان دیدن و محتمل شدن

فصل هفتم : در دعاها برای دفع بیداری و برای بیدار شدن در آخر شب

فصل نهم : در سبب خواب راست و دروغ و تعبیر خواب

فصل یازدهم : در آداب بیت الخلاء

فصل دوازدهم : در بیان احوال و اوضاع و مکانهایی که نهی از آنها وارد شده است

باب نهم : در آداب حجامت کردن و تنقیه و بعضی از ادویه و معالجه بعضی از امراض و ذکر بعضی از ادعیه و احراز

فصل اول : در ثواب بیماری و صبر کردن بر آن و بیان شدت ابتلای مؤمنان

فصل دوم : در فضیلت و آداب حجامت

فصل سوم : در بیان انواع تداوی که از ائمه (علیه السلام) وارد شده است و بیان جواز رجوع

باطباء

فصل چهارم : در معالجه انواع تب

فصل پنجم : در ادعیه جامعه و ادویه مرکبه نافع

فصل ششم : در معالجه دردسر و شقیقه و زکام و صرع و اختلال دماغ و تصرف جن

فصل هفتم : در معالجه سایر امراض و درد سر و گلو

فصل هشتم : در معالجه خنازیر و قروح و جروح و ثالول و ثبوت و خوره و پیسی و بهق و

امثال اینها

فصل نهم : در معالجه امراض اندرونی و قولنج و بادها و آزار معده و سرفه

فصل دهم : در معالجه اوجاع مفاصل و فالج و بواسیر و امراض مثانه و سایر امراض

فصل یازدهم : در بیان قلیلی از تعویذات برای دفع سحر و سموم گزندگان و سایر بلاها

فصل دوازدهم : در فوائد تربت شریف حضرت امام حسین (ع) و خواص بعضی از ادویه

مفرد

## باب پنجم : در بیان آداب مسواک کردن و : شانه کردن و ناخن و شارب گرفتن : و سر تراشیدن و امثال آن

### فصل اول : در بیان فضیلت مسواک کردن

در احادیث معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مسواک کردن از سنت پیغمبرانست و حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که پیوسته جبرئیل مرا امر بمسواک میفرمود تا آنکه ترسیدم دندانهایم سائیده شود یا بر یزد و در روایت دیگر فرمود که جبرئیل آنقدر مرا امر بمسواک کرد که گمان کردم که بر امت من واجب خواهد کرد.

حضرت صادق علیه السلام فرمود که در مسواک دوازده خصلت است : از سنت پیغمبرانست و پاک کننده دهانست و جلا دهنده چشم است و موجب خوشنودی پروردگار است و بلغم را دفع میکند و حافظه را زیاد میکند و دندانها را سفید میکند و حسنا را مضاعف میگرداند و پوست انداختن و پوسیدن دندانرا میبرد و بن دندانرا محکم میکند و اشتها را زیاد میکند و ملائکه بآن خشنود میشوند.

در حدیث دیگر فرمود که آب ریختن چشم را برطرف میکند و نور چشم را زیاد میکند و حضرت رسول فرمود که چرا من دندانهای شما را زرد می بینم چرا مسواک نمیکنید.

در حدیث دیگر منقول است که به حضرت امیر المؤمنین علیه السلام وصیت فرمود که بر تو باد بمسواک کردن برای هر نمازی .

بسند معتبر از حضرت امام موسی و امام رضا صلوات الله علیهما منقول است که سنتهای حنیفه حضرت ابراهیم ده است پنج در سر و پنج در بدن اما آنها که در سر است پس مسواک کردن و شارب گرفتن و موی سر را دو حصه کردن که جای مسح گشوده شود و مضمضه کردن یعنی آب در دهن کردن و گردانیدن و ریختن و استنشاق کردن یعنی آب در بینی کردن و بالا کشیدن و اما آن پنج که در بدن است پس ختنه کردن و پشت زهار را تراشیدن و موی زیر بغلها را کندن و استتجا کردن و ناخن گرفتن .

در روایت دیگر منقول است که آن پنج که در سر است موی شارب گرفتن و ریش را بلند

گذاشتن و موی سر را تراشیدن و مسواک کردن و خلال کردن و آن پنج که در بدن است موهای بدن را از آله کردن و ختنه کردن و ناخن گرفتن و غسل جنابت کردن و استنجا بآب کردن .

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که اگر نه این بود که برامت من دشوار بود هر آینه واجب میگردانیدم بر ایشان که در وقت هر نماز مسواک بکنند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون بنماز شب برخیزی مسواک بکن که ملکی می آید و دهان خود را بردهان تو میگذارد و هر چه از قرآن و دعا و ذکر که میخوانی با آسمان میبرد پس باید که دهان تو خوشبو باشد.

علی بن جعفر از برادر خود حضرت امام موسی علیه السلام سؤال کرد که آیا میتواند کسیکه بنماز شب برخیزد با انگشت مسواک کند و او تواند که مسواک بهم رساند حضرت فرمود که اگر ترسد که صبح طالع شود باکی نیست .

در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام دو سال پیش از فوت تریک مسواک کردند بسبب آنکه دندانهای آنحضرت بسیار ضعیف شده بود .  
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که سه چیز است که حافظه را زیاد میکند و دردهای بدن را میبرد کندر خوانیدن و مسواک کردن و قرآن خواندن .  
در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که از سنت پیغمبرانست بوی خوش کردن و با زنان نزدیکی کردن و مسواک کردن و خضاب بحنا کردن .

از حضرت امام محمد باقر منقول است که خانه کعبه بخدا شکایت کرد از نفسهای بدبوی کافران ، حقتعالی باو وحی فرمود که ای کعبه قرار گیر که بعوض ایشان جماعتی را بسوی تو خواهم فرستاد که دهانهای خود را بچوب درختان پاک کنند پس چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مبعوث شد جبرئیل مسواک و خلال از برای آنحضرت آورد .

در حدیث معتبر منقول است که شخصی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سؤال کرد از مسواک کردن بعد از وضو حضرت فرمود که مسواک را پیش از وضو باید کرد و اگر کسی فراموش کند تا وضو بسازد بعد از وضو مسواک کند پس سه مرتبه مضمضه کند بعد از مسواک کردن .

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که اگر کسی با وضو مسواک کند و بنماز بایستد ملک میآید و دهان را بردهان او می گذارد و آنچه می گوید بخاطر نگاه میدارد و اگر مسواک نکند بکناری میایستد و قرائتش را میشنود .

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که دو رکعت نماز که با مسواک باشد بهتر است از هفتاد رکعت نماز که بی مسواک باشد.

در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که مسواک کردن در بیت الخلا مورث گند دهانست .

منقول است از حضرت امام محمد باقر که مسواک کردن در حمام دندانها را میریزد و فرمود که مسواک را ترك مکن در هر سه روز اگر چه بیک مالیدن باشد.

### فصل دوم : در فضیلت سر تراشیدن و آداب آن

از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که سه چیز است هر که لذتشان را یافت ترك نمی کند: مو را از بیخ گرفتن و جامه ار کوتاه کردن و وطی کنیزان کردن .

حضرت صادق علیه السلام فرمود که موی سر را از بیخ بگیر تا چرک نگیرد و جانوران در آن جا نکنند و گردنت گنده شود و دیده ات جلا یابد و بدنت راحت یابد .

حضرت صادق علیه السلام فرمود که من هر جمعه سر می تراشم .

در حدیث دیگر فرمود که موی پشت سر را تراشیدن غم را زایل میکند .

در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که چون موی سر بلند شود چشم را ضعیف می کند و نورش را کم می کند و مویش را ازاله کردن دیده را جلا میدهد .

در فقه الرضا علیه السلام مذکور است که چون خواهی که موی سر را بتراشی رو بقبله کن و ابتدا کن از پیش سر از جانب پیشانی و بتراش تا دو استخوان که از پهلوهای گوش بلند شده اند

و در حین شروع این دعا بخوان بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلِيٍّ مِلَّةَ رَسُولِ اللّٰهِ سُنَّتِهِ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنْ

الْمُشْرِكِينَ اللَّهُمَّ اعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا سَاطِعًا يَوْمَ الْقِيَمَةِ پس چون فارغ شوی بگو اللَّهُمَّ زَيِّنِي

بِالتَّقْوَى وَجَنِّبْنِي الرَّدْيَ وَجَنِّبْ شَعْرِي وَبَشْرِي الْمَعَاصِي وَجَمِيعَ مَا تَكْرَهُ مِنِّي فَإِنِّي لَأَمْلِكُ لِنَفْسِي

نَفْعًا وَلَا ضَرًّا .

در روایت دیگر منقول است که در وقت شروع این دعا بخواند بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلِيٍّ مِلَّةَ رَسُولِ

اللّٰهِ صَلَّي اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ اعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَمَةِ و چون فارغ شود بگوید اللَّهُمَّ

زَيِّنِي بِالتَّقْوَى وَجَنِّبْنِي الرَّدْيَ .



## فصل سوم : در آداب موی سر نگاهداشتن

بدانکه زنان را بی ضرورتی و عذری موی سر را تراشیدن حرام است و مردان را یکی از دو چیز سنت است یا آنکه موی سر را بتراشند و این بهتر است یا آنکه موی سر را بگذارند و تربیت کنند بآنکه بشویند و شانه کنند و موی سر را دو حصه کنند که در میان سرته مو ظاهر شود و چون در اول اسلام تراشیدن عیب عظیم بود در میان عرب پیغمبر و امام نباید کاری بکنند که در نظرها قبیح بنماید حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم موی سر را بقدر چهار انگشت می گذاشتند و در حج و عمره می تراشیدند.

در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که موی سر را بلند بگذارد نیکو رعایت و تربیتش بکنند یا آنکه از ته ببرند و بلند نگذارند و در چندین حدیث وارد شده است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم موی سر را دو حصه می کردند و میانش را میشکافتند فرمود که آنحضرت مو را بحدی بلند نمیگذاشتند که احتیاج باین بشود بلکه آنقدر می گذاشتند که به نرمه گوش میرسید و هیچ یک از پیغمبران موی سر نگاه نمیداشتند.

در حدیث دیگر فرمود که هر که موی سر را بلند بگذارد و میانش را نگشاید حق تعالی در قیامت پیاره از آتش بگشاید.

در حدیث وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود از آنکه زنی بحد بلوغ رسیده باشد بروش مردان جمیع موهای سر را در پیش سر یا در میان سر یا در اطراف سر گره بزند و نیاویزد.

در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود از کاکل گذاشتن و مو را در پیش سر گره زدن و نقش خضاب کردن و فرمود که زنان بنی اسرائیل هلاک شدند بسبب آنکه موی سر را در پیش سر گره میزدند و نقش خضاب میکردند و محتمل است که مراد از نقش خضاب آن باشد که متعارفست در میان زنان عرب که سوزن بدست و بدن میزنند و سرمه و غیر آن در آن میریزند که رنگش میماند و احتمال دارد که نقشهایی حنا را هم شامل باشد.

در حدیث دیگر منقول است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند از زنی که موی بالای پیشانی رامیبرد یا می کند و موهای رو را می کند برای زینت یا آنکه گیس خود را با گیس دیگری مییافد فرمود که باکی نیست .

در حدیث دیگر فرمود که اگر با پشم یاموی حیوانات یا موی همان زن بیافد باکی نیست اما با موی زن دیگر نبافند و موی زن دیگر را با موی خود پیوند نکنند و بدانکه اگر با موی حیوانی پیوند کرده باشند که گوشتش حرام باشد در حال نماز میباید با او نباشد که در آن نماز کردن جایز نیست مگر آنکه از پشم و موئی باشد که پیش مذکور شد که نماز در آن میتوان کرد.

### فصل چهارم : در فضیلت شارب گرفتن یعنی موی لب بالا را تا ته گرفتن

سنت مؤ کد است ، هر چند بیشتر از ته بگیرند بهتر است .

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که شارب خود را دراز مکنید که شیطان در آن جا میکند و پنهان می شود.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که شارب گرفتن رفع غم و وسواس میکند، و از سنت حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که سنت است ، گرفتن موی شارب تا آنکه برسد بدم لب بالا، و حضرت صادق شارب را آنقدر میگرفتند که بته مو میرسید.

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که ناخن و شارب گرفتن از جمعه تا جمعه دیگر امان میدهد از خوره .

در حدیث دیگر وارد شده است که شخصی بخدمت آنحضرت عرض کرد، که دعائی تعلیم من کن که باعث زیادتی روزی شود حضرت فرمود، که شارب و ناخن بگیر و باید که در روز جمعه باشد.

در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که : هر که ناخن و شارب در هر جمعه بگیرد، در وقت گرفتن بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلَى سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَهُ هر ریزه که از مو و ناخن او بریزد، حقتعالی ثواب يك بنده از فرزندان اسمعیل آزاد کردن باو عطا فرماید، بیمار نشود مگر ببيماري مرگ .

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که هر که در روز شنبه و پنجشنبه شارب و ناخن بگیرد، عافیت یابد و از درد دندان و درد چشم .

در حدیث دیگر فرمود، که : شارب را از ته بگیرید و ریش را بلند بگذارید، بیهودان و گبران خود را شبیه مگردانید، فرمود که از ما نیست هر که شارب خود را نگیرد.

## فصل پنجم : در آداب ریش بلند کردن

بدانکه سنت است ریش را میانه گذاشتن نه بسیار بلند و نه بسیار کوتاه و زیاده از قبضه گذاشتن مکروه است ، و احتمال حرمت نیز دارد، مشهور میان علما آنست که تراشیدن ریش حرام است ، اما بررو و دو طرف لب پائین را تراشیدن جایز است ، احوط آنست که اصلاح بسیار تند که شبیه بتراشیدن باشد نکنند.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که آنچه از ریش زیاده از يك قبضه است در آتش است .

در حدیث دیگر منقول است که دست بر ریش بگیر و آنچه زیاده از قبضه باشد ببر و از محمدبن مسلم منقول است که : گفت دیدم که مصلحي اصلاح ریش حضرت امام محمد باقر علیه السلام میکرد، حضرت باو فرمود که ریش را مدور کن .

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم بشخصی گذاشتند که ریش دراز داشت ، فرمودند که چه میشد اگر این مرد ریش خود را باصلاح میآورد چون این خبر باو رسید، ریش را میانه ساخت ، بخدمت آن حضرت آمد، حضرت فرمود که چنین کنید ریش را.

در حدیث معتبر منقول است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام پهلوهاي رو را تنگ میکردند، مویش را و زیر ذقن را هم می چیدند.

در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت ریش را تنگ میکردند و انبوه نمی گذاشتند، علي بن جعفر از حضرت امام موسی علیه السلام پرسید، که از روی ریش میتوان گرفت ، حضرت فرمود که از عارض یعنی از پهلوهاي رو بلي و از پیش رونه .

در حدیث دیگر منقول است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود، که در زمان پیش گروهی بودند که ریشرا میتراشیدند و شارب را می تابیدند، حقتعالی ایشان را مسخ کرد. از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که چون حقتعالی توبه حضرت آدم را قبول فرمود، سر بسجده گذاشت و چون سر برداشت رو باسماں کرد و گفت پروردگارا حسن وجمال مرا زیاده گردان پس بعد از آن ریش بسیار سیاهی بر رویش روئید، پیشتر ریش نداشت گفت پروردگارا این چیست ؟باو وحی رسید، که این زینت تو و زینت تو زینت مردان فرزندان تست تا روز قیامت .

## فصل ششم : در بیان فضیلت موی سفید و حکم کندن آن

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که پیش از زمان حضرت ابراهیم موی سفید در سر و رویش بهم نمی رسید، پس گاه بود که کسی بمجلسی میآمد پدر و فرزندان در آنجلس حاضر بودند میان پدر و فرزندان فرق نمیکرد، میپرسید که کدام یک پدر شماست چون زمان حضرت ابراهیم شد دعا کرد خداوند برای من موی سفیدی قرار ده که از فرزندان خود ممتاز شوم ، پس موی سر و ریشش سفید شد.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که اول کسیکه موی سفید در محاسن او بهم رسید حضرت ابراهیم علیه السلام بود، نظر کرد موی سفید در ریش خود دید گفت پروردگارا این چه چیز است ؟ خطاب با او رسید که این باعث وقار آدمی است ، گفت پروردگارا وقار مرا زیاده گردان .

از حضرت امام محمد باقر منقول است که چون حضرت ابراهیم علیه السلام موی سفید در محاسن خود دید گفت حمد و سپاس خداوندی را سزااست که مرا باین سن رسانید، دریک چشم زدن معصیت او نکردم .

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که موی سفید را نکنید، که آن نور مسلمانی است ، هر که موی سفید در ریش او پیدا شود در اسلام ، نوری باشد برای او در قیامت .  
از حضرت امام جعفر صادق منقول است که سه کسند که خداوند عالمیان در روز قیامت بایشان سخن نمیگوید، نظر رحمت بسوی ایشان نمی افکند، اعمال ایشان را نمی پسندد، برای ایشان عذاب الیم مهیا است : کسیکه موی سفید خود را بکند و کسیکه با دست خود بازی کند که او را منی بیاید یا با جایی بدن خود و کسیکه دیگران باو لواطه کنند، دور نیست که این حدیث محمول بر آن باشد که برای غرض فاسدی موی سفید را بکند زیرا که در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که باکی نیست موی سفید را بریدن و کندن ، اما بریدنش را دوست تر میدارم ، از کندن .

در حدیث دیگر هم وارد شده است از آنحضرت که کندن و بریدن هر دو باکی نیست .  
در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیرالمؤمنین تجویز بریدن موی سفید میفرمودند، اما کندنش را مکروه می دانست .

از حضرت امام رضا منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که موی سفید در پیش سر میمنت است و مبارک است ، در عارضها علامت سخاوت و جوانمردی است

، در جای زلف علامت شجاعتست ، و در پشت سر شوم است و ظاهراً مراد ابتدای سفید شدن است .

### فصل هشتم : در فضیلت ناخن گرفتن

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که ناخن گرفتن دردهای بزرگ را منع میکند، روزی را فراخ میکند.  
حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که : برای این امر کرده اند بناخن گرفتن که چون بلند شود شیطان در آن جا می کند، مورث فراموشی است . حضرت صادق فرمود که سنت مؤ کد است ناخن گرفتن .

در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم مردانرا میفرمود، که ناخن را از ته بگیرد و زنان را میفرمود که اندکی بلندتر بگذارید، که زینت شما است و در روایت دیگر وارد شده است ، که چند گاه وحی بر حضرت رسول خدا نازل نشد از سبب آن پرسیدند، فرمود که چگونه وحی باز نایستد و حال آنکه شما ناخن نمیگیرید و چرک انگشتانرا از آله نمی کنید.

### فصل نهم : در بیان آداب و اوقات ناخن گرفتن

منقول است که حضرت رسول نهی فرمود از گرفتن ناخن بدنجان .  
در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که ناخن گرفتن در روز جمعه ایمن مگرداند، از خوره و کوری و پیسی و اگر احتیاج بگرفتن نداشته باشی بسای تا از ریزها بریزد.

در چند حدیث دیگر فرمود که شارب و ناخن در هر جمعه بگیر و اگر نباشد از سوهان و غیر آن حک کن تا دیوانگی و خوره و پیسی بتو نرسد.  
در حدیث دیگر فرمود، که هر که در هر جمعه ناخن و شارب بگیرد پیوسته باطهارت باشد تا جمعه دیگر.

در حدیث دیگر فرمود که ناخن و شارب گرفتن و سر را باخظمی شستن در هر جمعه فقر را برطرف می کند و روزی را زیاد می کند.

در حدیث دیگر منقول است که بآنحضرت عرض کردند، که خبر ما رسیده است ، که تعقیب خواندان بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب نافع تر است برای زیادتی روزی از سفر کردن بشهرها، حضرت فرمود که میخواهی چیزی بتو تعلیم کنم که از این همه نافع تر باشد؟ گفتم

بلی فرمود که ناخن و شارب را در هر جمعه بگیر اگر چه بسائیدن باشد.  
در حدیث معتبر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام شخصی را دیدند که آزار چشم داشت ، فرمود که میخواهی بتو چیزی بیاموزم که اگر بجا آوری هرگز درد چشم نبینی ؟  
گفت بلی ، فرمودند که در هر پنجشنبه ناخن بگیر آنشخص چنین کرد هرگز درد چشم ندید.  
از حضرت امام محمد باقر نیز منقول است که هر که باین مداومت کند آزار چشم نبیند، هرگز.  
در حدیث معتبر وارد شده است که در ناخن گرفتن ابتدا بانگشت کوچک از دست چپ بکنید،  
پستابگیرد و بانگشت کوچک دست راست ختم کند.

در حدیث دیگر وارد شده است که هر که روز چهارشنبه ناخن بگیرد و ابتدا کند بانگشت کوچک دست راست و ختم کند بانگشت کوچک دست چپ ، او را امان دهد از درد چشم .  
در روایت دیگر وارد شده است که اگر روز پنجشنبه ابتدا کند بناخن انگشت کوچک دست راست و تا انگشت مهین بگیرد، پس ابتدا کند بانگشت کوچک دست چپ و تا انگشت مهین بگیرد، امان یابد از درد چشم ، دور نیست که اگر در روز چهارشنبه بگیرد ابتدا بانگشت دست چپ کردن بهتر است ، اگر در روز پنجشنبه گیرد ابتدا در هر دستی بانگشت کوچک آن دست کند، اگر در روز پنجشنبه گیرد ابتدا در هر دستی بانگشت کوچک آن دست کند، اگر در روز جمعه یا سایر روزها گیرد، ابتدا بانگشت کوچک دست چپ کند و ختم بانگشت کوچک دست راست بکند، اگر در هر وقت ابتدا بانگشت کوچک دست چپ بکند خوبست چنانچه علی بن بابویه گفته است .

در حدیث دیگر منقول است که هر که ناخنهاي خود را در روز پنجشنبه بگیرد، يك ناخن را برای روز جمعه بگذارد، خدا پریشانی از او زایل گرداند.  
از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که در روز سه شنبه ناخن بگیرد.  
در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که هر که ناخن های خود را در روز جمعه بگیرد حق تعالی دردها را از سرانگشتان او بیرون کند، دوا را در آنها داخل کند، کسی که در روز شنبه یا پنجشنبه ناخن و شارب بگیرد، از درد دندان و درد چشم عافیت یابد.

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که ناخن ها را در روز جمعه گرفتن هر دردی را برطرف میکند، در روز پنجشنبه گرفتن روزی را فراخ میکند.  
در حدیث دیگر منقول است که بحضرت امام موسی علیه السلام عرض کردند، که اصحاب ما می گویند که البته ناخن را در روز جمعه میباید گرفت فرمود اگر خواهی در روز جمعه بگیر

و اگر صبر نباید کرد تا روز جمعه شود چنانچه در حدیث دیگر وارد شده است ، که هر گاه بلند شود بگیرد.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در روز جمعه ناخن بگیرد، ریخته کردن بن ناخن ها از او بر طرف شود.

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر که پنجشنبه ناخن بگیرد، فرزندانست بسیار شود و درد چشم نبیند، اگر کسی خواهد ثواب پنجشنبه و جمعه هر دو را بیابد، در روز پنجشنبه بگیرد و یکی را برای جمعه بگذارد، یا همه را در پنجشنبه بگیرد و در روز جمعه سوهانی بر آن بمالد که ریزه چند بریزد، در وقت ناخن گرفتن بگوید **بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ** چنانچه در باب شارب گرفتن گذشت ، آنچه مشهور است که در ناخن گرفتن دست راست اول انگشت شهادت را می گیرد، بعد از آن انگشت کوچک را و بعد از آن انگشت مهین و بعد از آن انگشت میانه و بعد از آن انگشت دیگر و در دست چپ اول انگشت بعد از انگشت کوچک را بگیرد، پس انگشت میان پس انگشت مهین پس انگشت کوچک پس انگشت شهادت ، در اخبار اهل سنت وارد شده است و آنچه پیش ذکر کردیم از اخبار شیعه است و عمل بآن کردن اولی است .

### فصل یازدهم : در فضیلت شانه کردن موی سر و ریش

در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که جامه پاکیزه پوشیدن دشمن را منکوب میکند، روغن بر بدن مالیدن بدحالی و پریشانی را زایل میکند، سر را شانه کردن تب را میبرد و ریش را شانه کردن دندانها را محکم میکند.

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که سر را بسیار شانه کردن تب را دور می گرداند، روزی میآورد وقوت جماع را زیاد میکند.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که شانه کردن فقر را برطرف میکند، دردها را میبرد.

در حدیث دیگر فرمود که روزی را زیاد میکند، مو را نیکو میکند، حاجت را روا میکند، پشت را محکم میکند، بلغم را قطع میکند.

در روایت دیگر موجب بسیاری فرزند میشود.

در حدیث دیگر فرمود که شانه کردن عارض دندانها را محکم میکند، شانه کردن پائین ریش طاعون را از این کس دور می گرداند، شانه کردن زلف و سواس سینه را میبرد، شانه کردن

سر بلغم را قطع میکند.

## باب ششم : در آداب بوی خوش کردن : و گل بوئیدن و روغن مالیدن

### فصل دوم : در فضیلت بوی خوش و آداب آن

در احادیث معتبره وارد شده است که عطر و بوی خوش کردن از جمله اخلاق پسندیده پیغمبرانست .

از حضرت صادق منقول است که بوی خوش دلرا قوی میکند، قوت جماع را میافزاید. در حدیث صحیح از حضرت امام رضا منقول است که سزاوار نیست مرد را که ترك کند بوی خوش را در هر روز، اگر قادر نباشد یکروز نه يك روز و اگر قادر نباشد، در هر جمعه و اینرا البته ترك نکند.

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که بوی خوش بر شارب مالیدن از اخلاق پیغمبرانست .

گرامیداشتن ملائکه است که اعمال آدمی را مینویسند بسبب آنکه ایشانرا خوش میآید. از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر که در هر روز بوی خوش بر خود بمالد تا شب عقلش با او باشد، و فرمود که نماز کسیکه خوشبو باشد بهتر است از هفتاد نماز که بی بوی خوش باشد، فرمود که سه چیز است که خدا پیغمبرانرا داده بوی خوش و زنان و مساواک .

در حدیث دیگر فرمود که لازم است بر بالغی که در هر جمعه شارب و ناخن بگیرد و چیزی از بوی خوش بر خود بریزد و حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم چون روز جمعه میرسید بوی خوش نزد آنحضرت نبود، روپاک بعضی از زنان را میطلبید که بوی خوش داشت و تر میکرد و بر روی مبارک میمالید.



در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام جعفر صادق بر موضعی که سجده میفرمودند بعد از آن میشناختند آنموضع را از بوی خوش آنحضرت، حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم میفرمودند که جبرئیل مرا گفت که یکروز در میان خود را خوشبو کن، در روز جمعه البته ناچار است و ترك مکن، میفرمود که در روز جمعه البته خود را خوشبو کنید اگر چه از بوی خوش زنان باشد، روزی عثمان بن مظعون بخدمت آنجناب عرض کرد، که میخواهم بوی خوش و چیزی چند از لذتها ترك کنم، حضرت فرمود که ترك بوی خوش مکنید، که ملائکه بوی خوش مؤمن را میبویند، و در هر جمعه البته ترك مکن و فرمود که هر چه صرف نمائی در بوی خوش اسراف نیست.

در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم زر در بوی خوش زیاده از طعام صرف میکردند، فرمود که بوی خوش زنان باید که رنگش ظاهر و بویش مخفی باشد و بوی خوش مردان باید که بویش ظاهر و رنگش مخفی باشد.

از حضرت امام موسی منقول است که ناخن بگیرد در روز سه شنبه، و حمام بروید در روز چهارشنبه حجامت بکنید در روز پنجشنبه، و بهترین بوهای خوش خود را خوشبو کنید در روز جمعه.

از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چهار چیز است که دل را میگذشاید، غم را زایل میکند، بوی خوش کردن و عسل خوردن و سواری کردن و بسبزه نظر کردن. حضرت امیرالمؤمنین فرمود که باید زن مسلمان پیوسته برای شوهر، خود را خوشبو کند. از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که در حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم سه خصلت بود که در دیگری نبود، اول آنکه آنحضرت را سایه نبود دویم آنکه در هیچ راهی نمیگذشت مگر آنکه دو روز یا سه روز که کسی از آن راه میگذشت میدانست که آنجناب از آنراه عبور نموده اند از بوی خوشی که در آنراه مانده بود، سیم آنکه بهر سنگ و درختی که میگذشتند آنجناب را سجده میکردند.

از حضرت رسول منقول است که هر زنی که بوی خوش کند و از خانه بیرون آید پیوسته لعنت الهی بر او باشد تا بخانه برگردد.

### فصل سوم : در کراهت رد کردن بوی خوش

از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا کسی میتواند بوی خوش را که برای او بیاورند رد کند، و قبول نکند، فرمود که سزاوار نیست او را که رد کند، کرامت را.

در حدیث دیگر فرمود که بنزد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آوردند روغن خوشبوئی،

حضرت گرفتند و برخود مالیدند و در آنروز روغن مالیده بودند، بعد از آن فرمودند که هرگز بوی خوش را رد نمیکنم .

در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم رد نمیکردند بوی خوش و شیرینی را که برای آنجناب میآوردند.

از حسن بن جهم منقول است که گفت رفتم بخدمت حضرت رضا علیه السلام برای من ظرفی که در آن مشک بود آورد و فرمود که بردار بخود بمال قدری برداشتم مالیدم فرمود، که دیگر بردار و در گود پائین گردن خود بمال برداشتم و مالیدم پاره دیگر ماند فرمود که این را هم بدانجا بمال مالیدم ، بعد از آن فرمود که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام میفرمود که رد نمیکند، کرامت را مگر خر. گفتم کرامت کدامست ؟ فرمود، که بوی خوش و بالشیکه برای نشستن و تکیه کردن تواضع کنند و مانند آن .

#### فصل چهارم : در فضیلت مشک و عنبر و زعفران

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که بوی خوش مشکست و عنبر و زعفران و عود.

در حدیث معتبر دیگر منقول است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام مشک دانی از قلع داشتند، و هر وقت که اراده رخت پوشیدن میکردند، آنرا می طلبیدند و از مشک برخوردار میمالیدند.

در حدیث دیگر وارد شده است که شیشه از مشک داشتند در جانماز خود و هرگاه بنماز برمیخواستند برخود میمالیدند.

در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم آنقدر مشک بر خود میمالیدند که رنگ مشک از فرق مبارک ایشان ظاهر بود و در حدیث صحیح منقول است حضرت رسول مشک دانی داشتند، که هرگاه وضو میساختند با دست تر آنرا می گرفتند، و چون بیرون میآمدند از بوی خوش میدانستند، که آنحضرت میآیند.

در حدیث دیگر منقول است که جناب امام رضا حقه بیرون آوردند، از آبنوس و در آن خانه ها بود که در هر خانه بوی خوشی بود و یکی از آنها مشک بود.

در حدیث صحیح منقول است که علی بن جعفر از حضرت امام موسی سؤ ال کرد که آیا مشک را در روغنی که برخود میمالند، داخل میتوان کرد فرمود که من میکنم و باکی نیست .

در روایت دیگر منقول است که باکی نیست که مشک داخل طعام کنند.

در روایت دیگر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم خود را بمشک و عنبر خوشبو میکردند.

احادیث در مدح خلوق وارد شده است و آن بوی خوشی بوده است که از چندین چیز بعمل میآورده اند يك جزوش زعفران بوده است ، و در بعضی اخبار وارد شده است ، مداومت بر آن نکنند.

در روایت دیگر وارد شده است که شب تا صبح بر بدن نگذارند. و دور نیست که این نهي ها بر آن باشد که رنگش در بدن بسیار نماند.

### فصل پنجم : در فضیلت غالیه

بسنده موثق منقول است که اسحق بن عمار بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد، که من با تجار سودا میکنم و غالیه برخود میمالم برای آنکه مرا فقیر ندانند، حضرت فرمود که غالیه کم و بسیارش مساویست کسیکه اندک غالیه گاه گاه برخود بمالد کافیهست ، او را اسحق گفت که من بفرموده حضرت عمل کردم و سالی ده درهم غالیه میخرم و تمام سال باین خوشبو می شوم .

در حدیث دیگر منقول است که حضرت علی بن الحسین علیه السلام شبی از خانه بیرون آمدند، و جبه خز و عباي خز پوشیده بودند و ریش خود را بغالیه خوشبو کرده بودند، پرسیدند از آنجناب که در این شب باین هیئت برای چه بیرون آمده اید؟ فرمود که میخواهم عبادت کنم ، و حوران بهشت را از خدا خواستگاری کنم ، یعنی برای عبادت زینت و بوی خوش کردن سنت است .

در حدیث صحیح منقول است که امام رضا علیه السلام فرمود که روغنی برای آنجناب بعمل آوردند، که در آن مشک و عنبر داخل کرده بودند، و فرمود که در کاغذی آیه الكرسي و سوره **قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ وَقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ** و آیه چند از آیات حفظ نوشتند و در میان غلاف شیشه آن روغن گذاشتند، و پیوسته بر ریش خود میمالیدند.

در روایت دیگر منقول است که جناب امام رضا علیه السلام فرمود، که روغن را با مشک از برای آنجناب بعمل آوردند، و بهفتصد درهم برآمد و فضل بن سهل وزیر مأمون بحضرت نوشت ، که مردم شما را در این باب عیب میکنند، حضرت در جواب نوشتند که مگر نمیدانی که یوسف پیغمبر خدا بود و جامه دیبای طلا باف میپوشید و بر کرسیهای طلا می نشست و باینها از حکمتش چیزی کم نمیشد پس حضرت فرمود که غالیه ساختند بچهار هزار درهم .

## فصل ششم : در فضیلت و آداب روغن بربدن مالیدن

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که روغن مالیدن بشره را نرم میکند و دماغ را زیاد می کند و مجاری آبراه در بدن آسان میکند و خشونت جلد، یا بدخالی ، و تنگی روزیرا برطرف میکند و رو را نورانی میگرداند.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که روغن مالیدن توانگریرا ظاهر می کند. و در حدیث دیگر فرمود که فقر را زایل میکند.

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که در شب روغن مالیدن در عروق بدن جاری میشود، و بشره را سیراب میکند، و رو را سفید میکند. و در حدیث دیگر فرمود هر که بر مؤمنی روغن بمالد، حق تعالی برای او بعدد هر مؤمنی نوری بنویسد که در قیامت باو عطا فرماید.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون روغن را بر کف دست بریزی بگو **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الزَّيْنَ وَالزَّيْنَةَ وَالْمَحَبَّةَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّيْئِ وَالشَّنَانِ وَالْمَقْتِ** پس کف دست را بر بالای سر بگذارد و از آنجا ابتدا کند بروغن مالیدن .

در روایت دیگر وارد شده است که چون روغن را بر کف بریزی بگو **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الزَّيْنَةَ فِي الدُّنْيَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّيْئِ وَالشَّنَانِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ**.

در چند حدیث نهی وارد شده است از مداومت بروغن مالیدن در هر روز.

در روایتی وارد شده است که ماهی یکبار بمالند و در روایت دیگر هفته یکمرتبه یا دو مرتبه اما زانرا هر روز مالیدن بدنیست .

## فصل هفتم : در فوائد روغن بنفشه

در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که روغن بنفشه سید، و بهترین روغنهای شماس است . و در حدیث دیگر فرمود که فضیلت روغن بنفشه بر سایر روغنهای مثل فضیلت ما است بر سایر مردم . و در حدیث دیگر مثل فضیلت شیعیان ما است بر سایر خلق . و در روایت دیگر فرمود که نیکو روغنی است روغن بنفشه بسیار بمالید که درد را از سر و چشم میبرد. و در حدیث دیگر فرمود که از ناحیه شما چیزی نمیآید که ما بیشتر دوست داریم از روغن بنفشه .

در روایت دیگر از عقبه منقول است که شخصی از استر افتاده بود و دماغش آفت یافته بود، حضرت صادق علیه السلام فرمود روغن بنفشه در دماغش بچکانید چنان کردند شفا یافت ، بعد

از آن فرمود که ای عقبه روغن بنفشه در زمستان گرم است ، و در تابستان خنک است ، و برای شیعیان ما نرم است ، و برای دشمنان ما خشک است ، و اگر مردم فضیلت آنرا بدانند، هر آینه يك وقیه از آن قیمتش يك اشرفي میشود.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که روغن بنفشه ، در بینی بچکانید، که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که اگر مردم فوائد این روغن را بدانند، از آن بسیار بخورند، و در حدیث دیگر فرمود که گرمی تب را بشکنید بروغن بنفشه و در حدیث دیگر منقولست که درد سر را زایل میکند و دماغ را باصلاح می آورد.

### فصل هشتم : در فوائد روغن بان و روغن زنبق

بدانکه بان فستق هندی است ، که از آن روغن میگیرند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که نیکو روغنی است روغن بان .

در حدیث دیگر منقول است که شخصی بآنجناب شکایت کرد از ترکهاییکه در دست و پایش بهم رسیده بود، فرمود که پنبه را بگیر، و روغن بان بر آن بریز، و برناف خود بگذار، و یا روغن را در ناف بریز، آن شخص يك مرتبه چنین کرد، آن آزار از او زایل شد.

بسنده معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که هر که روغن بان بر خود بمالد، و در پیش روی شیطان بخوابد بقدرت الهی باو ضرر نتواند رسانید.

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که بر خود بمالید روغن بان ، که آن امان است از هر دردی ، و پیغمبر آنرا استعمال میفرمودند. و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که هیچ چیز برای بدن ، بهتر از روغن زنبق نیست .

در روایت دیگر منقول است که حضرت امام موسی و امام رضا علیهماالسلام ، در بینی میچکانیدند.

در روایت دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که در روغن زنبق منافع بسیار هست ، و در آن شفای از هفتاد درد هست .

از حضرت صادق علیه السلام نیز مرویستکه در روغن زنبق ، شفای هفتاد درد است ، و ظاهر آنست که مراد زنبق سفید باشد که آنرا رازقی میگویند.

در بسیاری از احادیث بلفظ رازقی وارد شده است ، که از کلام بعضی ظاهر میشود که زنبق ، یاسمن سفید است .

## فصل نهم : در فوائد سایر روغنها

منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: که یاعلی، روغن زیت بخور، و بر بدن بمال هر که روغن زیت بخورد، وبمالد، شیطان چهل صباح نزدیک از نیاید.

در بعضی اخبار وارد شده است که روغن گل خیری، روغن لطیفی است. در روایت دیگر وارد شده است که حضرت امام موسی علیه السلام روغن گل خیری بر خود میمالیدند.

در حدیث موثق منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم در وقتی که صداع ایشان را عارضی میشد، روغن کنجد در بینی می چکانیدند. در حدیث معتبر دیگر منقول است که آنجناب دوست می داشتند که روغن کنجد در بینی بچکانند.

## فصل دهم : در فضیلت بخور و انواع و آداب آن

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سزاوار است مرد را که هرگاه قادر باشد جامه های خود را به دود خوشبو بدارد.

از حضرت امام رضا علیه السلام مردم بوی بخور بسیار می شنیدند. مرازم روایت کرده است که با حضرت امام موسی علیه السلام بحمام رفته چون حضرت بیرون آمدند در زحکن عود سوز طلبیدند و خود را خوشبو کردند پس فرمود که مرازم را نیز خوشبو کنید.

در روایت دیگر وارد شده است که چون زنان حضرت امام موسی کاظم علیه السلام میخواستند که بخور کنند اول یک هسته خرما از خرما صیحانی که نوعی است که خرماهای مدینه میگرفتند و خرما و پوست را از آن دانه پاک میکردند، و در آتش میانداختند و چون اندکی دود میکرد بعد از آن بوی خوش را می انداختند و جامه را بر بخور میداشتند و میگفتند که این بیشتر باعث خوش بوئی میشود.

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که عود خالص بویش در بدن تا چهل روز میماند، و عودی که با بوهای خوش دیگر پرورده باشند بویش تا بیست روز میماند. در حدیث دیگر منقول است که جناب امام رضا علیه السلام با عود هندی خالص بخور میکردند

و بعد از آن گلاب و مشک بر خود می مالیدند.

در روایت دیگر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم بعود هفت نوع از شفاست .

در روایت دیگر منقول است که تحفه که برای مرد روزه دار آورند آن است که ریشش را روغن بمالند و جامه اش را ببخور بدارند، و تحفه زن روزه دار آنست که گیسش را شانه کنند و جامه اش ببخور بدارند.

سید بن طاوس علیه الرحمه روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم در وقت بخور کردن این دعا را میخواندند **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتِ اللَّهُمَّ طَيِّبْ عَرَقَنَا وَرَازِكْ رَوَائِحَنَا وَاحْسِ مُنْقَلَبَنَا وَاجْعَلِ التَّقْوَى زَادَنَا وَالْجَنَّةَ مَعَادَنَا وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ عَائِلَتِكَ إِيَّانَا وَكَرَامَتِكَ لَنَا إِنَّكَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ**.

گفته است که در روایت دیگر منقول است که در وقت بخور و بوی خوش کردن این دعا بخوانند **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اءَمِّنِي بِمَا رَزَقْتَنِي فَلَا تَسْلُبْنِي مَا خَوَّلْتَنِي وَاجْعَلْ ذَلِكَ رَحْمَةً وَلَا تَجْعَلْهُ وَبَالًا عَلَيَّ اللَّهُمَّ طَيِّبْ ذِكْرِي بَيْنَ خَلْقِكَ كَمَا طَيَّبْتَ بَشْرِي وَتَشَوَّيْ بِفَضْلِ نِعْمَتِكَ عِنْدِي** .

### فصل یازدهم : در بیان فضیلت گلاب و گل سرخ و انواع گلها

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که گلاب بر رو ریختن آب رو را زیاد میکند و پریشانی را بر طرف میکند.

در حدیث دیگر فرمود که هر که گلاب بر رو بمالد، در آنروز بدحالی و پریشانی باو نرسد، و چون گلاب را بر رو، و دستها مالد، حمد خدا بکند، و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در روز اول ماه مبارک رمضان يك كف گلاب بر رو بریزد، در آنروز ایمن گردد از خواری و پریشانی، و هر که در آنروز بر سرش يك كف گلاب بریزد، در آن سال از مرض سرسام و ذات الجنب ایمن گردد.

بسنده معتبر از حضرت امیرالمؤمنین منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم هر دو کف را از گل سرخ پر کرده بمن عطا فرمودند، چون نزدیک بمشام خود بردند، فرمودند که این بهترین گلهاي بهشت است بعد از گل مورد.

در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که چون مرا باآسمان بردند از عرق من قطره چند بر زمین ریخت، و گل سرخ از آن روئید پس از آن گل بدریا

افتاد، ماهی خواست که بردارد و دعضوض که کرمیست در میان آب و سر پهنی دارد و دم باریک درازی دارد، خواست که بردارد، در میان ایشان نزاع شد، پس حقتعالی ملکی را فرستاد، که در میان ایشان محاکمه کرد، و نصف را ب ماهی داد، و نصف را بدعضوض ، باین سبب پنج برگ سبزی که در زیر گل میباشد دو تا بشکل دم ماهی است ، که از هر طرف پری دارد و سه تا بشکل دم دعضوض است ، که باریکست و از هیچ طرف پری ندارد، و یک طرفش پری دارد و طرف دیگر ندارد، که نصفش بشکل دم ماهی و نصفش بشکل دم دعضوض است .

در روایت دیگر منقول است که چون آنحضرت را بمعراج بردند زمین از رفتن آنحضرت محزون شد، و باین سبب کبر در آن روئید، و چون برگشتند زمین شاد شد، و گل سرخ در آن روئید، پس کسی خواهد که بوی حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم را استشمام نماید گل سرخ را ببوید و در روایت دیگر، از طرق عامه ، از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم وارد شده است که گل سفید از عرق من روئیده در شب معراج ، و گل سرخ از عرق جبرئیل ، و گل زرد از عرق براق .

در روایتی وارد شده است که بوئیدن نرگس ، و روغنش را مالیدن ، فضائل بسیار دارد و چون حضرت ابراهیم را در آتش انداختند و حق تعالی آتش را برد و سلام گردانید، در میان آتش نرگس برای آنحضرت رویانید و از آنروز نرگس در میان مردم بهم رسید .  
از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که نیکو گلی است مرزنگوش و در زیر عرش میروید و آبش باعث شفای چشم است .  
در روایت دیگر منقول است که بسیار مرزنگوش را ببوئید که قوت شامه را میافزاید و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که گل بیست و یک نوع دارد و سید و بهترین همه ، گل مورد است .

### فصل دوازدهم : در آداب گل بوئیدن

در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هر گاه گلی بشما بدهند، ببوئید و بردیده های خود بگذارید، که آن از بهشت آمده است .  
در حدیث معتبر، از مالک جهنی ، روایت کرده است که گلی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام دادم ، گرفتند و بوئیدند و بر هر دو دیده گذاشتند، پس فرمودند که هر که گلی را بگیرد



و بیوید و بر دیده های بگذارد و بگوید **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ** هنوز بر زمین نگذاشته باشد، که گناهانش آمرزیده شود.

از حضرت امام علی نقی علیه السلام منقول است که هر که گلی را بیوید و بردیده ها گذاشته ، صلوات بر محمد و ائمه علیهم السلام بفرستد، حق تعالی برای او از حسنات بقدریکه بیابان عاج که در مابین مکه و شام و عراق کشیده شده است ، بنویسد و از گناهان او، بعدد ریگ بیابان محو نماید.

## باب هفتم : در آداب حمام رفتن و سر و بدن شستن و دارو کشیدن و آداب بعضی از اغسال

### فصل اول : در فضیلت حمام

منقول است که عمر گفت که بد خانه ایست حمام ، عورت را ظاهر می کند و پرده را می درد. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که نیکو خانه ایست حمام ، جهنم را بیاد میآورد و چرک را از بدن میبرد.

از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که حمام یک روز در میان ، گوشت بدنرا زیاد میکند و هر روز رفتن ، پیه گرده ها را می گدازد و بدنرا لاغر میکند.

از سلیمان جعفری منقول است که گفت بیمار شدم تا آنکه گوشتم همه تحلیل رفت ، بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام رفتم ، فرمود که میخواهی گوشت بدنت برگردد، گفتم : بلی ، فرمود که یک روز نه یک روز بحمام برو، که گوشت بدنت عود میکند و زینهار که هر روز مرو، که باعث مرض سل می شود.

در حدیث دیگر فرمود کسیکه خواهد فربه شود، یک روز بحمام برود و یک روز نرود، و کسی که گوشت زیاد داشته باشد و خواهد که لاغر شود، هر روز بحمام برود.

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که بهترین دواهای شما حقنه و حمامت کردن و دوا در بینی چکانیدن و حمام است .

در روایت دیگر وارد شده است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت داشته باشد، باید که زنش

را بحمام نفرستد و علما تا عویل کرده اند به دو وجه ، اول اینکه این در بلادیست که در آن بلاد باعتبار گرمی هوا احتیاج ندارند زنان بحمام رفتن ، دوم آنکه مراد آنست که زن خود را رخصت دهد که برای سیر کردن بحمامها رود.

### فصل سوم : در بیان آنچه در حمام نباید کرد و آنچه تجویز شده است .

منقول است از حضرت صادق علیه السلام که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام میفرمود که در حمام بر پشت خوابید که پیه گرده ها را می گدازد و آجر و سفال بر پای خود مسائید که مورث خوره است .

حضرت صادق علیه السلام فرمود که مرد با پسر خود بحمام نرود، که نظر کند بعورت او و فرمود که پدر و مادر را جایز نیست که نظر کنند بعورت فرزند خود و فرزند را جایز نیست که نظر کند بعورت پدر و مادر و فرمود که : حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم لعنت فرمود که کسی نظر بعورت کسی کند در حمام ، یا بی لنگ رود، که دیگران بعورت او نظر کنند.

در حدیث دیگر فرمود که بر پهلو مخواب در حمام که پیه گرده ها را می گدازد و لاغر میکند آدمی را، و در حمام شانه مکن ، که مو تنگ میشود و سر را به گل مشو، که غیرت را میبرد و سفال بر بدن ممال ، که مورث پیسی است و لنگ بر رو ممال ، که آبرو را میبرد و ابن بابویه علیه الرحمه گفته است که مراد گل مصر و سفال شام است .

در حدیث صحیح منقول است که از حضرت امام موسی علیه السلام پرسیدند، از قرآن خواندن در حمام و جماع کردن در حمام چو نیست ؟ فرمود که : باکی نیست .

در روایت حسن دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند که آیا حضرت امیرالمؤمنین نهی میفرمود از قرآن خواندن در حمام ؟ حضرت فرمود که : وقتی نهی میفرمود که کسی عریان باشد، اگر لنگ بسته باشد باکی نیست .

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که : باکی نیست مرد را که در حمام قرآن بخواند، اگر غرضش رضای خدا باشد نه خوش خوانی .

در حدیث صحیح دیگر منقول است که : روزی آنحضرت میخواستند بحمام روند، حمامی گفت که : اگر میخواهید حمام را برای شما خلوت کنم ، فرمود که : در کار نیست مؤمن کارش از این سبکتر میباشد که حمام را برای او قورق کنند.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که : هر که از حمام سفالی بردارد و بر بدن خود بمالد و

پیسی باو برسد، ملامت نکند مگر خود را و کسی که غسل کند از آبی که از غسل مردم جمع شده باشد در حمام و خوره باو برسد ملامت نکند مگر خود را.

در حدیث موثق از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: زینهار که در حمام بر پهلو خواب که پیه گرده ها را آب میکند، و بر پشت خواب که درد اندرون بهم میرسد و شانه مکن که مو را می ریزاند، و مسواک مکن که دندانها را می ریزاند و سر را بگل مشو که رو را سمج و بدنما میکند، و لنگ را بر سرو و رومال که آبرو را میبرد، و کف پا را بسفال مسای که باعث پیسی میشود و از آبی که در حوض های کوچک در حمام های سنیان جمع میشود از غسل مردم غسل مکن که در آن غساله یهودی و نصرانی و گبر و دشمن ما اهل بیت که از همه بدتر است جمع میشود و خدا خلقی از سگ نجستر خلق نکرده است و کسی که عداوت ما اهل بیت دارد از سگ نجستر است.

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: بول کردن در حمام، مورث فقر و پریشانی است.

در حدیث دیگر فرمود که: مرد با کنیزانش بحمام بروند اما باید که لنگ بسته باشند مانند خران برهنه نباشند که نظر بعورت یکدیگر کنند.

در روایتی وارد شده است که در حمام سلام نکنند و آن در صورتی است که لنگ نبسته باشند زیرا که در احادیث بسیار وارد شده است که ائمه در حمام سلام کرده اند بر مردم.

### فصل چهارم: در فضیلت شستن سر و بدن و دفع بوهای بد از خود کردن

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که: کافی است آب از برای خوشبو کردن بدن فرمود هر که جامه بپوشد باید که پاکیزه باشد.

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: شستن سر چرک را میبرد و آزار چشم را دفع میکند و شستن جامه، غم و اندوه را میبرد و پاکیزگی است برای نماز و فرمود که خود را پاکیزه کنید بآب از بوی بدی که مردم از آن متاعذی میشوند و در پی اصلاح بدن خود باشید، بدرسنتیکه خدا دشمن می دارد از بندگان آن کثیف گندیده را که پهلوئی هر که بنشیند از او متاعذی شود فرمود که آب را بوی خوش خود گردانید.

از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: حق تعالی غضب نکرد بر بنی اسرائیل مگر وقتی که ایشان را داخل مصر کدر و راضی نشد از ایشان مگر وقتی که ایشان را از مصر بیرون کرد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که: سر خود را بگل مصر

مشوئید، و از کوزه که در مصر میسازند آب مخورید، که خواری و مذلت میآورد و غیرت را میبرد.

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که : دوست نمی دارم که سر خود را گل مصر بشویم ، از ترس آنکه مرا ذلیل گرداند و غیرت مرا ببرد.  
از جابر جعفی منقول است که شکایت کرد بحضرت امام محمد باقر علیه السلام از آنکه گری در سرم هست و بسیار می ریزد و جامه مرا چرکین میکند، فرمود که : مورد را بکوب و آبش را بگیر و با سرکه که از شراب بعمل آورده باشند و بسیار تند باشد بر هم بزن ، آنقدر که کف کند، پس سر و ریش را بآن بقوت تمام بمال و بشوی ، پس بروغن شیر تازه سر و ریش را چرب کن ، که آن علت زایل میشود.

### فصل پنجم : در فضیلت شستن سر با سدر و خطمی

در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق منقول است که : ناخن و شارب گرفتن و سر را باخطمی شستن ، فقر و درویشی را زایل میکند و روزی را زیاد میکند.  
در حدیث موثق دیگر فرمود که : شستن سر با خطمی در هر جمعه ، امان می دهد از پیسی و دیوانگی .

در روایت دیگر فرمود که : هر که ناخن و شارب بگیرد و سر را با خطمی بشوید در روز جمعه ، ثواب کسی دارد که يك بنده آزاد کرده باشد.  
در حدیث دیگر فرمود که : شستن سر با خطمی ، دل را می گشاید و سودا و اندوه را بر طرف میکند.

در حدیث موثق از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که شستن سر با سدر روزی را زیاد می کند.

در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که : چون حق تعالی حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم را امر فرمود که اسلام را ظاهر گرداند و آنحضرت کمی مسلمانان و بسیاری کافران را دید بسیار غمگین شد، حق تعالی حضرت جبرئیل را با يك برگ سدر از درخت سدره المنتهی فرستاد، که سر را بآن بشوید، پس بآن شستن ، اندوه آنحضرت بر طرف شد.

در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که : شستن سر با خطمی امان می دهد از درد سر و بیزار میگرداند از پریشانی و سر را پاک می کند از گری .

در حدیث دیگر فرمود که : حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم سر خود را با برگ سدر می شستند و میفرمودند که : بشوئید سر خود را با برگ سدر، که هر ملك مقرب و هر پیغمبر مرسل ، آنرا بپاکی یاد کرده است و هر که سرش را بآن بشوید، حق تعالی و سوسه شیطان را هفتاد روز از او دور گرداند و هر که هفتاد روز و سوسه شیطان از او دور شود، معصیت خدانکند و هر که معصیت خدا نکند، داخل بهشت شود.

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که : شستن سر با خطمی چرک و جانوران سر را بر طرف میکند.

### فصل ششم : در فضیلت دارو کشیدن

در حدیث حسن از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که : دارو کشیدن پاک کننده بدن است .

در حدیث صحیح منقول است که : عبدالرحمن بن ابی عبدالله گفت : با حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بحمام رفتم ، فرمود که : دارو بکش ، گفتم : چند روزیست کشیده ام ، فرمود که : دیگر بکش که پاک کننده بدنست و براین مضمون چند حدیث وارد شده است .

در حدیث دیگر منقول است که : سختی تکلیف دارو کشیدن کردند، او گفت که : سه روز است که کشیده ام ، فرمود که : باز بکش ، که پاک می گرداند تو را .

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که : دارو کشیدن ، دفع دلگیری و پریشانی خاطر میکند و بدن را پاک میکند.

در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که : موی بدن چون بلند میشود، آب پشت را قطع میکند، یعنی فرزند بوجود نمی آید و بندها را سست میکند و ضعف و تنبلی می آورد و نوره کشیدن ، آب پشت را زیاد میکند و بدن را قوی میکند و پیه گرده ها را زیاد میکند و بدن را فربه میکند.

از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که : موهای بدن را از خور بیندازید، که نجس و کثیف است .

در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که : موی بدن چون بلند میشود، آب پشت را قطع میکند، یعنی فرزند بوجود نمی آید و بندها را سست میکند و ضعف و تنبلی می آورد و نوره کشیدن ، آب پشت را زیاد میکند و بدن را قوی میکند و پیه گرده ها را زیاد میکند و بدن را فربه میکند.

از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که : چهار چیز است که از اخلاق پیغمبرانست ، بوی خوش کردن و سر تراشیدن و نوره مالیدن و بسیار جماع کردن .  
از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که : موی شارب و پشت زهار و زیر بغل را بلند مگذارید که شیطان در آنجا جا می گیرد و پنهان میشود .

### فصل هفتم : در ازله کردن موی زیر بغل

در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که : دراز مکنید موی زیر بغل را، که شیطان در آنجا پنهان میشود .

در حدیث معتبر دیگر منقول است که : حضرت امام جعفر صادق علیه السلام زیر بغل را دارو می گذاشتند و میفرمودند که : کندن موی زیر بغل دوش ها را سست میکند .  
در حدیث دیگر منقول است که : دارو گذاشتن زیر بغل بهتر است از تراشیدن و تراشیدن بهتر است از کندن .

در حدیث دیگر وارد شده است که : بسیار بود که آنحضرت از برای ازاله موی زیر بغل بحمام می رفتند و همین موضع را دارو میکشیدند و بیرون می آمدند .

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که : موی زیر بغل را کندن ، گندبغل را برطرف میکند و پاک کننده است و سنت رسول صلی الله علیه وآله وسلم است .

### فصل دهم : در اوقات نوره کشیدن و سایر آداب آن

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که : یکمرتبه در تابستان دارو کشیدن ، بهتر است در فضیلت و نفع از ده مرتبه که در زمستان بکشند .

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مرویست که : احتراز کنید از نوره مالیدن در روز چهارشنبه ، که روز نحس مستمر است ، جهنم در روز چهارشنبه خلق شده است .

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که : پنج چیز است که مورث پیسی است نوره در روز جمعه و چهارشنبه مالیدن ، وضو و غسل بآبی کردن که در آفتاب گرم شده باشد، در حال جنابت چیزی خوردن ، زن را در حال حیض جماع کردن ، و در حال سیری چیزی خورد .

از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که : هر که در روز جمعه نوره بکشد و پیس شود، ملامت نکند مگر خود را و دور نیست که این دو حدیث ، محمول بر تقیه باشد، یا آنکه

یکی از طریق اهل سنت است. زیرا که حدیث گذشت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم در روز جمعه دارو میکشیدند.

در حدیث معتبر دیگر منقول است که: بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردند که مردم میگویند: که نوره کشیدن در روز جمعه مکروه است، حضرت فرمود: چنین نیست که تو گمان کرده چه چیز پاک کننده تر است از نوره کشیدن در روز جمعه.

در حدیث دیگر منقول است که: علی بن یقطین خواست که بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام بنویسد که: آیا مرد در حال جنابت دارو میتواند کشید و فراموش کرد، حضرت از باب اعجاز باو نوشتند که باکی نیست، نوره باعث زیادتی پاکیزگی جنب است. از حضرت صادق علیه السلام نیز پرسیدند، فرمود: باکی نیست.

در حدیث حسن منقول است که: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که کسیکه دارو کشد ایستاده بول میتواند کرد، فرمود که: باکی نیست.

در روایت دیگر منقول است که: کسیکه در وقت دارو کشیدن بنشیند، بیم آنستکه بعلت فتق مبتلا شود.

بشیر نبال با حضرت امام محمد باقر علیه السلام بحمام رفتند، حضرت لنگی بستند از ناف تا زانو و خدمتکار حمام را طلبیدند، آنچه بالا و پائین لنگ بود دارو مالید، بعد از آن او را بیرون کردند و از ناف تا زانو خود کشیدند و با بشیر گفتند که هر گاه دارو بکشی چنین کن.

در بعضی احادیث تجویز آن وارد شده است که: غیر عورتین را دیگری بمالد و به سند حسن منقول است که: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا جایز است که کسی آرد را با روغن زیت مخلوط کند و بعد از نوره بر بدن بمالد برای آنکه بوی نوره ببرد، فرمود که: باکی نیست.

در حدیث دیگر منقول است که: حضرت امام موسی علیه السلام چنین میکردند و در حدیث دیگر منقول است که: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند آرد را بعد از نوره بر بدن می توان مالید، فرمود که: باکی نیست، راوی گفت که: مردم میگویند که اسرافست، حضرت فرمود که: در چیزیکه اصلاح بدن کند اسراف نیست، من بسیار است که میفرمایم که آرد پخته را با روغن زیت مخلوط میکند و بر بدن میمالد، اسراف در چیزی می باشد که مال را تلف کند و ببدن ضرر برساند.

## فصل یازدهم : در فضیلت حنا مالیدن بعد از نوره

حسین بن موسی روایت میکند که : پدرم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام هر گاه اراده حمام میکردند میفرمودند که : حمام را بسیار گرم میکردند بمرتبه که داخل نمیتوانست شد، پس میفرمودند که : نمدها بر زمین حمام میانداختند و بعد از آن داخل میشدند، روزی از حمام بیرون آمدند، شخصی از آل زبیر بآنحضرت رسید و اثر حنا در دست حضرت دید، گفت : این رنگ چیست که در دست تست ؟ فرمود: رنگ حناس است ، پدرانم از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده اند که : هر که بحمام رود و دارو بکشد و بعد از دارو حنا از سرتا پا بمالد او را امان باشد از دیوانگی و خوره و پیسی و آکله تا نوره کشیدن دیگر.

در حدیث معتبر منقول است که : حکم بن عتیبه دید که حضرت صادق علیه السلام حنا برداشتند و بر ناخنهای خود گذاشتند، پس فرمودند که : ای حکم چه میگوئی در این باب ؟ گفت : چه توانم گفت : در کاری که شما بکنید، اما این کار را پیش ما جوانان میکنند حضرت فرمود که : ای حکم ، ناخنها بعد از نوره شبیه می شود بناخن مردگه ، ما رنگشانرا برمیگردانم بحنا. در حدیث دیگر منقول است که : حضرت امام محمدتقی علیه السلام از حمام بیرون آمد و از سر تا پای مبارکش مانند گل سرخ شده بود از حنا. حضرت صادق علیه السلام فرمود که : حنا مالیدن ، بوی بد را میبرد و آبرو را زیاد میکند و دهانرا خوشبو میکند و فرزندان را نیکو میکند. و هر که بعد از دارو سرتا پا حنا بمالد فقر و پریشانی از او بر طرف می شود.

## فصل دوازدهم : در آداب غسل جمعه و سایر اغسال

بدانکه غسلهای واجب ، بنابر مشهور میان علما، شش غسل است ، جنابت و حیض و استحاضه و نفاس و مس میت و غسل میت .

مستحب است که در وقت غسل جنابت این دعا را بخواند: **اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَ زَكِّ عَمَلِي وَ تَقَبَّلْ سَعْيِي وَ اجْعَلْ مَا عِنْدَكَ خَيْرًا لِي اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ** و اگر این دعا بخواند بهتر است : **اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَ اشْرَحْ صَدْرِي وَ اجْرْ عَلِي لِسَانِي مَدْحَكَ وَ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ طَهُورًا وَ شِفَاءً وَ نُورًا إِنَّكَ عَلِي كُلِّ شَيْءٍ ءِ قَدِيرٌ** و بعضی این دعا را بعد از غسل ذکر کرده اند.

در تفسیر حضرت امام حسن عسگری علیه السلام مذکور است که : هر که بعد از وضو یا



غسل جنابت این دعا بخواند گناهان او بریزد، چنانچه برگ از درختان میریزد و بهر قطره از قطرات وضو و غسل او، حقتعالی ملکی خلق فرماید که تسبیح و تهلیل و تقدیس الهی کند و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و ثوابش از او باشد و گناهانش آمرزیده شود دعا اینست:

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّكَ وَ خَلِيفَتُكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ عَلِيَّ خَلْفَكَ وَ أَنَّ أَوْلِيَاءَهُ خُلَفَاؤُكَ وَ أَوْصِيَاءَهُ أَعْوَصِيَاءُكَ. اما غسلهاي سنت شصت و دو غسل است ، از جمله آنها غسل جمعه است و بعضي از علماء واجب میدانند و احوط آنست که تا مقدور باشد ترك نکنند.

در احادیث معتبره وارد شده است که : غسل جمعه واجب است بر مردان و زنان در سفر و حضر، مگر آنکه رخصت داده اند زنان را که ترك کنند در سفر براي کمی آب .

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که : غسل جمعه پاکیزه کننده و کفاره گناهانست از جمعه تا جمعه دیگر.

در حدیث دیگر، از آنحضرت منقول است که : هر که غسل جمعه بکند و بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ، این غسل و دعا پاک میگرداند او را تا جمعه دیگر و بهتر آن است که این دعا را نیز بخواند: اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي وَ طَهِّرْ قَلْبِي وَ أَنْقِ غُسْلِي وَ اجْرِ عَلَيَّ لِسَانِي وَ بَارِكْ لِي بِغُسْلِي وَ طَهِّرْ قَلْبِي مِنْ كُلِّ آفَةٍ تَمَحَّقُ بِهَا دِينِي وَ تُبْطِلُ بِهَا عَمَلِي ، و در فقه الرضا مذکور است که : چون از غسل فارغ شودي ، بگو: اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَ أَنْقِ غُسْلِي وَ اجْرِ عَلَيَّ لِسَانِي وَ ذَكِّرْ نَبِيَّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ الْمُتَطَهِّرِينَ و وقت آن از صبح صادق روز جمعه است تا پیشین و مشهور آنستکه : هر چند نزدیکتر است به پیشین بهتر است که اگر خوف داشته باشد: که در روز جمعه آب یافت نشود، در روز پنجشنبه میتواند کرد و اگر فوت شود، بعد از وقت پیشین تا شام روز جمعه میتواند کرد و نیت قضا در کار نیست و از صبح روز شنبه تا شام بقصد قضا میتواند کرد و در فقه الرضا مذکور است که : در روزهاي دیگر هفته هم میتواند کرد و ظاهرا کسی از علماء قائل نشده است اینرا.

سنت است غسل در شبهاي طاق ماه مبارك رمضان ، خصوصا در شب اول پانزدهم و شب هفدهم و آن شبیستکه مؤمنان و کافران در بدر جمع شدند و در روزش ، اعظم فتحهاي اسلام واقع شد و شب نوزدهم و آن شبی است که تقدیرات سال در آن نوشته میشود بنا بر بعضي احادیث ، شب بیست که و یکم و آن شبی است که اوصیاء انبیاء در آنشب شهادت یافتند و حضرت عیسی در آنشب باسماں رفته است و حضرت موسی از دنیا رفته و احتمال قوی دارد

که شب قدر بوده باشد و شب بیست و سیم و آن شب قدر است بر احتمال قوی و قول اکثر و در آنشب دو غسل میکند یکی مقارن غروب آفتاب و دیگری در آخر شب، در بعضی از روایات وارد شده است که: در شبهای دهه آخر هر شب غسل بکند.

سنت است غسل در شب عید فطر و روزش و روز عید قربان و اظهر آنست که در این دو روز غسل را تا شب میتوان کرد و لکن افضل آنست که پیش از نماز عید واقع سازد، روز هشتم ذیحجه و روز عرفه نزد زوال و شب نیمه رجب.

منقول است از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هر که ماه رجب را دریابد و غسل کند در اول ماه و میان ماه و آخر ماه از گناهان بدر آید، مثل روزیکه از مادر متولد شده است و روز مبعث و آن بیست و هفتم رجب است و اکثر علماء گفته اند، اگر چه حدیثی بخصوص بنظر نرسیده است و شب نیمه شعبان و روز غدیر خم که هیجدهم ذی حجه است و روز مباحله که بیست و چهارم ذیحجه است و بعضی گفته اند روز بیست و پنجم و روز دحو الارضی بنا بر مشهور و آنروز بیست و پنجم ذی القعدة است و در این روز غسل نیز حدیثی بنظر نرسیده است و روز نوروز، بنابر مذهب بعضی و حدیث معلی بن خنیس بر آن دلالت دارد و مشهور آنست که روزیست که آفتاب ببرز حمل منتقل می شود و همچنین سنت است غسل برای احرام حج یا عمره و بعضی واجب میدانند و احوط آنست که ترك نکند، غسل زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین از نزدیک و دور و غسل استخاره مطلقاً، خصوصاً نمازهای خاص استخاره و برای نمازهای مخصوص که در طلب حاجت وارد شده است و غسل توبه از گناهان.

سنت است غسل از برای قضای نماز کسوف، هرگاه عمدا ترك کرده باشد و تمام قرص گرفته باشد و بعضی گفته اند: واجب است و احوط آنست که ترك نکند، بعضی گفته اند بواسطه قضا غسل میکند اگر عمدا ترك کرده باشد، اگر چه تمام قرص نگرفته باشد و این قول قوی است و سنت است غسل از برای داخل شدن مکه معظمه و از برای داخل شدن خانه کعبه و از برای طواف و از برای داخل شدن حرم مدینه و از برای داخل شدن شهر مدینه مشرفه و از برای داخل شدن مسجد رسول و از برای کشتن هدی و غسل فرزندی که متول شود چنانچه گذشت و غسل روز ولادت حضرت رسول، بنابر قول بعضی و آن هفدهم ماه ربیع الاول است و آنچه بنظر رسیده است غسل از برای زیارت در آنروز سنت است و غسل برای نماز طلب باران، و از برای دیدن کسیکه چلپاسه و غسل بعد از کشتن است و همچنین هرگاه شخصی برود از برای دیدن کسیکه او را دار زده باشند غسل سنت است بعد از دیدن و بعضی واجب دانسته اند

و اکثر علماء گفته اند که هرگاه سعی بعد از سه روز باشد سنت است خواه بحق او را کشته باشند یا بیاطل و خواه بطریق شرعی او را کشته باشند یا غیر آن و بعضی از علماء گفته اند که سنت است اعاده غسل، هرگاه بعنوان ناقصی بوجه ضرورت بعمل آمده باشد مثل جبیره و تقیه و همچنین گفته اند: هرگاه جامه میان دو کس مشترک باشد و منی در آن بیابد و معلوم نباشد که از کدام یک بوده است، هر دو را غسل کردن سنت است و برای کفن کردن میت نیز گفته اند که سنت است و ظاهر آنست که همان غسل مس میت است که سنت است پیش از کفن کردن بجا آورد و همچنین سنت است غسل، هرگاه کسی مرده را بعد از غسل دست بمالد و بعضی گفته اند که هرگاه شخصی جنب مرده باشد سنت است که غسل جنابت بدهند او را، پیش از غسل میت، یا بعد از آن و از حضرت امام جعفر صادق منقول است که چون خواهی غسل عید فطر بجا آوری، در زیر سقّی بجا آور و چون خواهی شروع کنی بگو **اللَّهُمَّ إِيْمَانَا بِكَ وَتَصَدِيقًا بِكِتَابِكَ وَإِتْبَاعَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ** و چون از غسل فارغ شوی بگو **اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ كَفَّارَةً لِدُنُوبِي وَطَهْرًا لِدَنَسِي اللَّهُمَّ اءْذِيبْ عَنِّي الرَّجْسَ** و بدانکه تفصیل اغسال و احکام آنها را این رساله گنجایش ندارد انشاء الله در کتاب عبادات نوشته خواهد شد و الله موفق .

## باب هشتم : در آداب خواب رفتن و بیدار شدن و بیت الخلا رفتن

### فصل اول : در بیان اوقات خواب

بدانکه خواب کردن بعد از طلوع صبح تا طلوع آفتاب و میان نماز شام و خفتن و بعد از عصر مکروه است و پیش از ظهر در وقت گرمی هوا و بعد از نماز ظهر تا عصر، خواب قیلوله است و سنت است .

از حضرت علی بن الحسین علیه السلام منقول است که به ابی حمزه ثمالی فرمود که خواب مکن پیش از طلوع آفتاب که من از برای تو دوست نمیدارم، زیرا که حقتعالی روزی بندگانرا در این وقت قسمت مینماید و هر که در این وقت در خواب است که روزی محروم میشود .

از حضرت رسول مرویست که زمین بسوی خدا ناله و فریاد میکند از سه چیز، از خون حرامیکه بر آن ریخته شود، یا غسلی که از زنا کند بر روی آن، یا خواب کردن بر آن پیش از طلوع آفتاب .

از حضرت صادق منقول است که خواب بامدا شوم است و روزیرا منع میکند و رنگ را زرد

میکند و رو را فبیح متغیر میکند و این خواب شومی است ، بدستیکه حقتعالی روزی را مابین طلوع صبح تا طلوع آفتاب قسمت مینماید، پس زینهار که این خواب را نکنید و فرمود که مرغ بریان و ترنجبین بر بنی اسرائیل در این وقت نازل می شد، هر که در این وقت در خواب بود بهره او نازل نمی شد.

حضرت رسول فرمود که هر که در جای نماز خود بنشیند از طلوع صبح تا طلوع آفتاب خدا او را مستور گرداند از آتش جهنم .

در حدیث دیگر فرمود که مثل ثواب حج کننده خانه کعبه داشته باشد و گناهانش آمرزیده شود. اما در چند حدیث تجویز وارد شده است که اگر نماز بکند و قدری تعقیب بخواند و پیش از برآمدن آفتاب بخواند باکی نیست ، چنانچه در حدیث صحیح منقول است که جناب امام رضا علیه السلام بشخصی فرمود که : فردا بعد از طلوع آفتاب بیا که من بعد از نماز صبح کردی و ذکر خدا خواندی ، اگر پیش از طلوع آفتاب بخواب روی باکی نیست .

از حضرت امام محمد باقر منقول است که خواب اول روز سفاهت است و خواب قیلوله نعمت است و خواب بعد از عصر حماقت است و خواب میان نماز شام و خفتن از روزی محروم میگرداند.

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که خواب کردن پیش از نماز طلوع آفتاب و پیش از نماز خفتن ، پریشانی و فقر میآورد.

در روایت دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم آمد عرض کرد که من حافظه قوی داشتم ، اکنون فراموشی بر من غالب شده است ، فرمود که آیا خواب قیلوله میگردی و الحال ترک کرده گفت بلی فرمود که باز خواب قیلوله بکن ، چنان کرد حافظه اش برگشت .

در روایت دیگر وارد شده است که قیلوله کنید که شیطان قیلوله نمی کند و منقول است که نیکویاور است خواب قیلوله بر بیداری و عبادت شب .

### فصل دوم : در وضو ساختن پیش از خواب

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که وضو بسازد و بر ختخواب برود، برای او حکم مسجد داشته باشد و اگر در میان رختخواب بیادش آید که وضو ندارد، از لحاف تیمم کند، اگر با وضو یا تیمم بخوابد تا بیاد خداست ، چنانست که نماز میکند.

از حضرت امیرالمؤمنین منقول است که خوابد مسلمانی ، در حالی که جنب باشد و خوابد مگر با وضو و اگر آب نیابد برای غسل و وضو، تیمم کند بخاک ، زیرا که روح مؤمن را در

وقت خواب باآسمان میبهرند و حقتعالی او را قبول مینماید برکت بر او میفرستد، پس اگر اجلش رسیده است او را در گنجینه های رحمت خود می سپارد، اگر نرسیده است با امینان خود از ملائکه ببدن او برمیگرداند.

در حدیث معتبر دیگر منقول است که روزی حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم باصحاب خود فرمود که کدام يك از شما تمام سال روزه میدارید، سلمان گفت که من ، فرمود که کداميك از شماها شب را احیا میکنید، سلمان گفت که من فرمود: کداميك از شما هر روز حتم قرآن میکنید، سلمان گفت که من ، پس عمر بخشم آمد و گفت : این مردیست از فارس ، میخواهد بر ما که از قریشیم فخر کند و دروغ میگوید، در اکثر روزها روزه نیست و در اکثر شب خواب است و در اکثر روزش خاموش میباشد، حضرت فرمود که او مانند و شبیه لقمان حکیم است ، از او سؤال کن ، تا جوابت بگوید، عمر پرسید، سلمان فرمود که اما روزه سال ، من ماهی سه روز روزه میدارم و حق تعالی میفرماید که هر که حسنه بکند ده برابر باو ثواب میدهم ، این برابر روزه سال میشود با آنکه ماه شعبان را روزه میگیرم و با ماه رمضان پیوند میکنم ، اما بیداری شب ، هر شب با وضو میخوابم و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم شنیدم که میفرمود هر که با وضو بخوابد، چنانست که تمام شب رابعبادت احیا کرده باشد و ام ختم قرآن در هر سه روز، سه مرتبه **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** را میخوانم و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم شنیدم که بحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام میفرمود که یا علی مثل تو در میان امت ، مثل قل هو الله است ، هر که سوره قل هو الله را یکبار بخواند، چنانست که ثلث قرآنرا خوانده است و هر که دوبار بخواند، چنانست که دو ثلث قرآن را خوانده است و هر که سه بار بخواند، چنانست که قرآن را ختم کرده است ، پس هر که ترا بزبان دوست دارد ثلث ایمان در او کامل شده است و هر که تو را بزبان و دل دوست دارد و بدست خود ترا یاری کند تمام ایمان در او کامل شده است ، یا علی بحق خدواندی که مرا براستی فرستاده است سوگند که اگر تو را اهل زمین دوست میداشتند چنانچه اهل آسمان تو را دوست میدارند، خدا هیچکس را بآتش جهنم عذاب نمیکرد، پس عمر ساکت شد، که گویا سنگی بدھانش گذاشتند.

### فصل سوم : در مکان خوابیدن و آداب پیش از خوابیدن

مشهور میان علماء آنست که خوابیدن در مساجد مکروه است و ظاهر احادیث آنست که مکروه نیست ، مگر در مسجدالحرام و مسجد رسول صلی الله علیه وآله وسلم و در آنها نیز تجویز واقع شده است .

در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم سه کس را

لعنت کرد، کسیکه تنها چیزی بخورد، و تنها بسفر رود، تنها در یورد بخوابد، فرمود که اگر کسی تنها بخوابد بیم آنست که دیوانه شود.

از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که هر که در خانه یا بیابانی تنها بخوابد بگوید: **اللَّهُمَّ اِنْسُ وَحَشْتِي وَ اَعْنِي عَلِي وَحَدْتِي** .

در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نهی فرمود از خوابیدن بر بامی که دیوار نداشته باشد و فرمود که هر که بر بامی بخوابد که دیوار نداشته باشد، از امان خدا بدر میرود.

از احادیث معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مکروه است که کسی بر بامی تنها بخوابد، یا بر بامی که دیوار نداشته باشد بخوابد و فرمود مرد و زن هر دو در این حکم مساویند، پرسیدند که اگر سه طرف دیوار داشته باشد چو نیست فرمود نه بلکه هر چهار طرف میباید دیوار داشته باشد.

در بعضی روایت وارد شده است که حد بلندی دیوار، دو ذرع است .

در بعضی از احادیث تجویز یک ذرع و یک شبر هم وارد شده است .

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نهی فرمود از خوابیدن بر سر راه .

از حضرت رسول نهی وارد شده است از آنکه کسی با دست چرب و آلوده بخوردنی بخوابد، که اگر چنین کند، و شیطان بر او دست یابد، یا دیوانه شود، ملامت نکند مگر خود را و فرمود که اطفال خود را در وقت خوابیدن دست و دهانش را بشوئید، که اگر نکنید شیطان ایشانرا می بوید و در خواب میترسند.

در چندین حدیث از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که هر که خواهد بجامه خواب داخل شود، کنار جامه خود را بر رختخواب بکشد که اگر جانوری داخل شده باشد بدر رود و باو ضرر نرساند.

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شده است که باید پیش از خواب به بیت الخلا رود و بعد از آن بخوابد.

### فصل چهارم : در سایر آداب خوابیدن

سنت است که بر دست راست رو بقبله بخوابد و دست راست را زیر و بگذارد و بردست چپ خوابیدن و بررو خوابیدن مکروه است ، چنانچه از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که خواب بر چهار قسم است ، پیغمبران بر پشت میخوابند و دیده های ایشان بخواب نمیرود و منتظر وحی پروردگار خود میباشند، مؤمن بردست راست میخوابد رو بقبله ،

پادشاهان و فرزندان ایشان بر دست چپ میخوابند که آنچه خورده اند گوارا شود، شیطان و برادران او و هر دیوانه و مبتلائی بر رو در افتاده میخوابد.

در حدیث معتبر دیگر فرمود که آدمی بر رو نخوابد و هر که را ببیند که بر رو خوابیده است او را بیدار کنید و مگذارید بر آنحال، فرمود که هر گاه کسی اراده خواب کند، باید که دست را بر زیر جانب راست رو بگذارد، بدرستی که نمیداند که از این خواب بیدار خواهد شده یا نه.

احادیث در فضیلت خوابیدن بر دست چپ بسیار وارد شده است.

### فصل ششم : در دفع ترسیدن در خواب و خواب پریشان دیدن و محتلم شدن

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که در خواب ترسد پیش از خواب ده مرتبه بگوید **لا إله إلا الله وحده لا شريك له يحيي ويُميت ويحيي وهو حي لا يموت** پس تسبیح حضرت فاطمه بخواند.

در طب الائمه زیاد کرده است که آیه الكرسي و قل هو الله احد نیز بخواند.

از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که چون در خواب ترسد، یا از دردی بیخوابی بر او مستولی شود، این آیه را بخواند **فَضْرَبْنَا عَلَي آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَي الْحَزِينِ أَحْصَى لِمَالِبُتُوا أَمَّا** و اگر طفلی بسیار گریه کند، این آیه را بر او بخوانند.

در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر که در خواب ترسد، در وقت خوابیدن سوره **قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ وَقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ** بخواند. در روایت دیگر منقول است که برای ترسیدن، شب ده مرتبه بخواند این دعا را **أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ مِنْ غَضَبِهِ وَمِنْ عِقَابِهِ وَمِنْ شَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يَحْضُرُونَ** و آیه الكرسي بخواند و بگوید **إِدْيُعْشِيكُمْ النَّعَاسُ أَمَنَةٌ مِنْهُ وَجَعَلْنَاوَكُمْ سُبَاتًا**.

در حدیث معتبر منقول است که شهاب بن عبدربه بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که زنی در خواب من میآید و مرا میترساند، فرمود که باخود بردار تسبیحی در رختخواب و سی و چهار مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ** و سی و سه مرتبه **سُبْحَانَ اللَّهِ** و سی و سه مرتبه **الْحَمْدُ لِلَّهِ** بگو و ده مرتبه بگو **لا إله إلا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت ويحيي بيده الخير وله اختلاف الليل والنهار وهو علي كل شئني قدير**، و ظاهر را در تسبیح حضرت فاطمه در وقت خواب مخیر است میان آنکه **سُبْحَانَ اللَّهِ** را پیش از الحمد لله بگوید، یا بعد از آن.

در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که هر که ترسد که محتلم شود چون بر رختخواب رود این دعا بخواند: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُكَ مِنَ الْأَحْلَامِ وَمِنْ سُوءِ الْأَحْلَامِ وَمِنْ أَنْ يَتَلَاعَبَ بِي**

الشَّيْطَانُ فِي الْبَيْظَةِ وَالْمَنَامِ.

در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که اگر کسی خواب پریشان ببیند، از آن پهلوی که خوابیده است به پهلوی دیگر بگردد و بگوید: **إِنَّمَا النَّجْوِي مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ** پس بگوید **عُدْتُ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقْرَبُونَ وَأَبْيَاءُهُ الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادِهِ الصَّالِحُونَ وَمِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ**.

در روایت معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که چون خواب پریشان ببیند و بیدار شود بگوید **أَعُوذُ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقْرَبُونَ وَأَنْبِيَاءُ اللَّهِ الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادُ اللَّهِ الصَّالِحُونَ وَالْأئِمَّةَ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ مِنْ رُؤْيَايَ أَنْ تُضَرَّنِي وَمِنْ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ** پس بسوی جانب چپ خود سه نوبت آب دهان بیندازد.

در روایت دیگر وارد شده است، که شخصی بآنحضرت شکایت کرد که دختری دارم در شب و روز بسیار میترسد فرمود که فصدش بکن.

در روایت دیگر منقول است که شخصی شکایت کرد که دخترم در خواب بسیار میترسد گاهی بسیار حالش صعب میشود و اعضایش سست و بیحس میشود و می گویند از تصرف جن است، فرمود که فصدش بکن و آب شربت را با عسل بپز و سه روز بده بخورد، چنین کرد شفا یافت.

در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد، که زنی در خواب من میآمد و مرا می ترساند حضرت فرمود که مگر زکوة نمی دهی گفت میدهم، فرمود که بمستحق نمی دهی. بعد از آن زکوة را بخدمت حضرت می فرستاد و آنحال از او بر طرف شد.

### فصل هفتم : در دعاها برای دفع بیداری و برای بیدار شدن در آخر شب

در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که در وقت خوابیدن، این آیه را بخواند **قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحِي إِلَيَّ إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا الْإِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا** هر وقت از شب که خواهد بیدار شود. در روایت دیگر از آنحضرت منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: که هر که خواهد در آخر شب برخیزد، چون بر ختخواب رود بگوید **اللَّهُمَّ لَا تَوَمِّئِي مَكْرَكَ وَلَا تَنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ أَقْوَمُ سَاعَةَ كَذَا وَكَذَا** یعنی در فلان ساعت برخیزم چون این دعا بخواند، حق تعالی ملکی را موکل سازد، که او را در آن ساعت بیدار کند.



در حدیث معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که هر که خواهد در شب بیدار شود، در وقت خواب رفتن بگوید **اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تُؤْمِنِي مَكْرَكَ وَلَا تُجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ وَأَنْبِئْنِي لِأَحَبِّ السَّاعَاتِ إِلَيْكَ أَدْعُوكَ فِيهَا فَتَسْجِبَ لِي وَأَسْأَلُكَ فَتُعْطِيَنِي وَأَسْتَغْفِرُكَ فَتَغْفِرَ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ** که چون ایندعا بخواند حق تعالی دو ملک بفرستد، که او را بیدار کنند، اگر بیدار نشود امر کند آن دو ملک را که از برای او استغفار کنند، اگر در آنشب بمیرد شهید مرده باشد و اگر بیدار شود هر حاجتی که بطلبد خدا باو عطا فرماید.

در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر که عزم کند در ساعتی از ساعات شب برای عبادت برخیزد و خدا داند که در آن اراده او صادق است ، البته دو ملک را بفرستد که در آن ساعت او را حرکت دهند تا بیدار شود.

در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است کسی که بیخوابی او را عارضی شود، خوابش نبرد این دعا بخواند **سُبْحَانَ اللَّهِ ذِي الشَّأْنِ دَائِمِ السُّلْطَانِ كُلِّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ**. در روایت معتبر دیگر منقول است که حضرت فاطمه علیهما السلام شکایت فرمود بر رسول خدا از بیخوابی ، فرمود که این دعا بخوان **يَا مُشْتَبِعَ الْبُطُونِ الْجَائِعَةِ وَيَا كَاسِيَ الْجُبُوبِ الْعَارِيَةِ وَيَا مُسْكِنَ الْعُرُوقِ الضَّارِبَةِ وَيَا مُتَوَمَّ الْعُيُونِ السَّاهِرَةِ سَكَّنْ عُرُوقِي الضَّارِبَةَ وَأَذِّنْ لِعَيْنِي نَوْمًا عَاجِلًا**.

#### فصل نهم : در سبب خواب راست و دروغ و تعبیر خواب

در حدیث معتبر منقول است که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند، که چه سبب دارد مؤمن گاهی خواب میبیند و اثر از آن ظاهر نمیشود، فرمود که چون مؤمن بخواب میروند روح بجانب آسمان حرکت می کند، پس آنچه روح مؤمن در ملکوت آسمان می بیند، در محل تقدیر و تدبیر آن حق و اثرش ظاهر میشود، آنچه در زمین و هوا می بیند، خواب پریشان است ، راوی پرسید که آیا روح هم با آسمان میروند و هیچ در بدن نمی ماند، فرمود که اگر چنین باشد، خواهد مرد، بلکه از بابت آفتابست که در آسمان است و روشنی و شعاعش در زمین است ، همچنین روح اصلش در بدن است و پرتوی از او با آسمان حرکت میکند.

در روایت دیگر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که هر مؤمنی که بخواب میروند، روح او را بنزد عرش پروردگار او میبرند، پس آنچه در آنجا ببیند، حق است ، آنچه در وقت برگردانیدن در هوا می بیند، خواب پریشان است ، بر این مضمون احادیث بسیار است .

در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که شیطانی هست که او را هزاع می‌گویند، در هر شب از مشرق تا مغرب را پر میکند از بدن خود و بخواب مردم می‌آید و باین سبب خواب پریشان می‌بینند.

در روایت دیگر مرویست که دو نصرانی نزد ابی بکر آمدند، از او مسئله چند سؤال کردند، او عاجز شد، پس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام ایشان را جواب گفت، از جمله آنها، آن بود که پرسیدند که خواب راست و دروغ چه سبب دارد، فرمود که حق تعالی روح را خلق کرده است و برای آن سلطانی مقرر ساخته است و سلطان او نفس است، چون آدمی بخواب میرود، روح بیرون میرود و سلطانش در بدن میماند، پس روح میگذرد بگروهی چند از ملائکه و گروهی چند از جن، پس هر چه خواب راست است از ملائکه است، هر چه خواب دروغ است از جن است.

در روایت دیگر منقول است که خوابهایی مؤمن صحیح میباشند، زیرا که نفس پاکیزه و یقینش درست است و چون روحش بدر می‌رود، با ملائکه ملاقات میکند، پس خواب او بمنزله وحی است.

در حدیث دیگر منقول است که وحی بعد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم قطع شد، اما خوابهایی بشارت دهنده هست.

در حدیث دیگر وارد است که خوابهایی راست، یکجزو از هفتاد جزو است از پیغمبری.

در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که راءي مؤمن و خواب او، در آخر الزمان بر هفتاد جزو از اجزای پیغمبریست.

در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چون صبح میشد حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم با اصحاب خود میگفت که آیا کسی خواب بشارت دهنده دیده است.

در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که شخصی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم سؤال کرد از تفسیر این آیه کریمه **الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ** یعنی آنکسانی که ایمان آوردند و پرهیزگار بودند ایشانرا بشارت هست در زندگانی دنیا و در آخرت، حضرت فرمود که بشارت زندگانی دنیا خوابهایی نیکوست که مؤمن در دنیا می‌بیند و بآن بشارت می‌یابد و شاد می‌شود.

در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که خواب بر سه قسم است، اول بشارت خدا از برای مؤمن، دوم ترسانیدن شیطان، سیم خوابهایی پریشان.

در حدیث معتبر دیگر فرمود که خوابهایی دروغ که اثرش ظاهر نمیشود، آن خوابهایی است که در اول شب دیده می شود که وقت سلطنت و استیلاي شیاطین متمرّد است که و آنها خیالی چند است که نزد او صورت میدهند شیاطین و اصلی ندارد و اما خوابهایی راست ، آن خوابی چند است که در ثلث آخر شب دیده میشود، که آن وقت نزول ملائکه است وقت سحر و آن خواب راست میباشد و تخلف نمی کند، مگر آنکه جنب خوابیده باشد، یا بی وضو، یا آنچه سزاوار است از ذکر و یاد خدا بجا نیاورده باشد پیش از خواب که اگر با این حالات خوابیده باشد، خوابش یا بعمل نمی آید، یا دیر بعمل می آید.

از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام منقول است که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که هر که مرا در خواب ببیند چنانست که مرا دیده است در بیداری ، زیرا که شیطان متمثل نمیتواند شد بصورت من و نه بصورت یکی از شیعیان خالص ایشان و بدرستیکه خوابهایی راست ، يك جزؤ از هفتاد جزؤ از پیغمبريست .

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که در آخر الزمان خواب مؤ من دروغ نمیشود و هر که راستگوتر است ، خوابش درست تر است و تحقیق اینمقام آنست که چون سبحانه و تعالی روح مؤ من را از عالم قدس خلق کرده است و او را ارتباطی با ارواح انبیاء و اوصیا داده است و در عالم ارواح با ایشان محشور بوده است چنانچه در احادیث بسیار وارد شده است که ارواح ، لشکرهای مجتمع بودند فوج فوج در عالم ارواح ، پس ارواحی که در آنعالم آشنای یکدیگر بودند در عالم بدن هم آشنا می شوند و آنچه در عالم جدائی و نفرت داشتند در این عالم نیز یکدیگر را نمی شناسند و از یکدیگر نفرت می نمایند و چون بحسب مصالح غیر متناهی آن ارواح مقدسه را در زندان بدنهای کثیف ظلمانی محبوس گردانیده اند و بانواع تعلقات جسمانی و شهوات نفسانی و خیالات شیطانی مبتلا ساخته اند، باین سبب او را از عالم قدس بُعدي و غفّتي رو داده ، اما اشخاص را در این باب اختلاف بسیار است ، جمعی که مقربان درگاه الهی اند، ارواح ایشان بملاء اعلی در آویخته و این تعلقات جسمانی ایشان را از آن عالم دور نینداخته است ، بلکه ببدن با مردم محشورند او ارواح ایشان پیوسته با قدسیان ملاء اعلی مشغول مکالمه و محادثه اند و پیوسته روح القدس با ایشان مشغول راز و نیاز است و افاضات ربانی علی الدوام بر ارواح ایشان فایض است و جمعی هستند از اشقیاء که بالکلیه آن عالم را فراموش کرده اند، بغير این نشاء فانیه و لذات دنیه چیزی بخاطر نمیگذرانند، حتی جمعی از ایشان از کثرت شقاوت و ضلالت نشاء دیگر غیر این نشاء را باور نمیکنند و پیغمبران را در امر معاد تکذیب می نمایند، ایشانرا مُهر بر دیده و گوش و دل ایشان زده اند و

راه های خیر و سعادت را بر ایشان بسته اند و جمعی دیگر هستند که با وجود تشبث باین علایق دنیه دست از تحصیل مراتب علیه برنداشتند و در مقام نفس لوامه خود را داشته اند، گاهی گوش و دل بشیطان میدهند و گاهی از ملك نصیحت میشوند، زمانی با واعظان و راهنمایان بشر محشورند و زمانی با شیاطین انس مشغول فسق و فجورند، گاه بلوث گناه خود را میآلایند و گاه بآب تضرع و توبه خود را تطهیر مینمایند و اینجماعت چون روح ایشانرا باعتبار اشغال و تعلقات و خطا و سیئات بعدی عظیم از جناب قاضی الحاجات و انبیاء و ائمه و ملائکه سموات بهم رسیده، در وقت خواب که نفس را اشغال بدنی فی الجمله فراغی حاصل شد و خیالات فاسده که از راه روزنه های مشاعر بدنی بر او داخل میشد مسدود گردید، فی الجمله او را آشنایان قدیم بیاد میآید و با دوستان روحانی طرح اختلاف میاندازد و باآسمان صورت و معنی عروج مینماید و با روحانیان و قدسیان همزیان میگردد، اما چون در اول شب پاره از صور خیالات بیداری در ضمیرش حاضر است، هنوز در هوای تعلقات خود پرواز می کند و ربطش بآن عالم ناقص است، پس باین علت، شیاطین بر او مستولی میشوند و خیالات و علایق باطله او را به صورتهای گوناگون در نظر او میآورند و هر چه از اول شب دورتر می شود و نقش خیالات بیداری بیشتر محود می شود، پرواز او بعالم بالا رساتر می شود تا آنکه چون وقت سحر می شود از ما بین آسمان و زمین و هواها و خواهشهای و زینتهای رنگین بدر رفته و بزیر عرش الهی بصحبت مقربان فایق گردیده، استیلائی شیاطین ضعیف می شود و لطف ربانی ملائکه آسمانی را برای تنبیه غافلان و بیدار کردن خواب غفلت ربودگان و دور کردن عساکر شیاطین و جنیان فرو میفرستند، لهذا در آنوقت، خوابهای رحمانی و افاضات سبحانی، بر ارواح مؤمنان فائض می شود و ایشانرا برای نماز و تضرع و زاری و توبه و پشیمانی آنچه در روز بغفلت کرده اند، بیدار میکنند و باین سبب نماز شب را در آنوقت مقرر ساخته اند، و آیه کریمه **إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْءًا وَأَقْوَمُ قِيلاً** در شأانش فرستاده اند که حاصل مضمونش آنستکه عبادتیکه در شب کرده می شود موافقت دل با زبان در آن بیشتر است و گفتار در آن درست تر است، پس زهی سعادت مندی که قدر آنوقت را بداند و اندازه آن نعمتهای بی اندازه را بشناسد و ملائکه روحانی را بر دفع و ساوس شیطانی یار و یاور خود گرداند و رح مقدس خود را از آلودگی تعلقات دنیه پاک گردانیده، بساحت پروردگار خود رساند و در آنوقت مبارک که هنگام راز و نیاز مقربان است با خداوند بی نیاز، خود را هم آواز ایشان گرداند و قدری خود را بداند و اندکی اصل خود را بیاد آورد و آن جوهر قدسی را ببهای کم نفروشد و آن طایر عرشی را در قفسی علایق محبوس نگرداند **وَقَفْنَا لِلَّهِ تَعَالَى**

وَسَائِرَ الْمُؤْمِنِينَ لِسُؤْلِكَ مَسَائِلِكَ الْمُقْرَبِينَ وَلِئْتَبِيهِ نَوْمَ الْغَافِلِينَ.

بدانکه چون این پرده های رنگارنگ تعلقهای جسمانی و شیشه های الوان و زینتهای دنیوی در وقت خواب در پیش دیده دل آویخته است ، و با وجود عروج به مراتب علیه باز بصیرتش با این خیالات آمیخته است لهذا در خواب چیزها بصورتهای دیگر دیده میشود، و هر چیزی را باعتبار مناسبات شکلها و صورتها هست که در کلام الهی و سخنان انبیا و اوصیا برای عقلهای ضعیف و بصیرتهای مؤف محبوسان سرای غرور بآنها مثل زده اند، چون ایشان خود را از معقولات معزول ساخته اند مدار ایشان بر محسوسات لهذا معقولات را در لباس محسوسات بایشان مینمایند، چنانچه فرموده اند که دنیا مانند مار است که خط و خال نیکو دارد و طفل نادان بآن فریفته میشود و در میانش زهر کشنده است ، چنانچه علم که باعث حیات دلهاست تشبیه کرده اند بآب که باعث حیوة بدنهاست و چنانچه سبزی زمین بآب است سرسبزی دلها بعلم است ، و چنانچه علم را بار دیگر بنور آفتاب و چراغ تشبیه کرده اند زیرا که نور تاریکهای ظاهر را بر طرف میکند و علم ظلمتهای شکوک و شبهات و حیرتهای جهالات و ضلالات را زایل میکند، کلام حقتعالی و انبیاء و اوصیاء باین امثال مشحون است و سرّش همانست که مذکور شد لهذا در عالم خواب نیز باعتبار ضعف بصیرت ایشان هر چیز بصورت نموده میشود باین سبب خواب محتاج بتعبیر میباشد و کارتعبیر کننده آنست که از آن صورتها بذی صورت منتقل میشود چنانچه کسی در خواب می بیند که در میان فضله افتاده است ، یا دستش بفضله آلوده شده است ، معبر میداند که این صورت دنیا است که در پیش مردم آگاه از فضله و جیفه گندیده تر است ، میداند که مالی بدست از میآید یا می بیند که ماری متوجه او شد مالی روباو میکند یا می بیند که در میان آبست ، علمی او را رو میدهد که این علمی است عظیم و مخصوص انبیاء و اوصیاء است و معجزه حضرت یوسف تعبیر خواب بود، تحقیق این مقام محتاج ببسطی هست که این رساله گنجایش این ندارد انشاءالله در کتب دیگر که در خاطر است اگر خدا خواهد بر وجه کامل مذکور شود.

در حدیث صحیح از حضرت امام رضا منقول است که فرمود بسیار است که خوابی می بینم و تعبیر خواب برای خود میکنم و خواب بهمان نحو که تعبیر میکنم واقع میشود.

در حدیث معتبر دیگر فرمود که زنی در زمان حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم شوهرش در سفر بود خواب دید که ستون خانه اش شکست ، بحضرت عرض کرد حضرت فرمود، که شوهر میآید بسلامت پس چنان شد، بار دیگر شوهرش بسفر رفت و او چون خوابی دید حضرت چنین تعبیر فرمود، و شوهرش آمد، باز مرتبه دیگر شوهرش بسفر رفت او چنین

خوابی دید، بمراد شومی برخورد و این خواب را نقل کرد، و او گفت که شوهرت میمیرد چنان شد این خبر بآنحضرت رسید فرمود که چرا تعبیر خوب برای او نکرد.

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حضرت رسول میفرمود که خواب مؤمن در میان زمین و آسمان بر بالایی سرش پرواز میکند، تا آنکه خود آن برای خود تعبیر کند یا دیگری برای او تعبیر کند، پس بآن نحو که تعبیر کردند واقع میشود پس خواب خود را نقل مکنید مگر برای شخصیکه عاقل باشد.

در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که خواب را نقل نمیاید کرد مگر برای مؤمنی که خالی باشد از حسد و عداوت و طغیان.

در حدیث حسن منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق آمد، گفت خواب دیدم که آفتاب بر سرم تابیده بود نه بر بدنم حضرت فرمود، که نور ساطعی و دین شاملی بتو خواهد رسید، اگر همه ترا فرا میگرفت در دین حق غوطه میخوردی آنشخص گفت که دیگران پادشاهی تاءویل میکنند، حضرت فرمود که کدام يك از پدران تو پادشاه بودند که تو این خیال میکنی و کدام پادشاهی بهتر است از دین حق که بآن امید بهشت بهم میرسانی.

در روایت معتبر دیگر منقول است که محمدبن مسلم بخدمت آنحضرت عرض کرد، که خواب دیدم که داخل خانه شدم زنم آمد و گردگان بسیاری شکست بر سر من ریخت حضرت فرمود که متعه خواهی کرد، زنت مطلع خواهد شد و رختهای نو که پوشیده باشی بر بدنت پاره پاره خواهد کرد، زیرا که پوست گردگان بمنزله جامه است، محمدبن مسلم گفت که چون صبح جمعه شد رختهای نو که در عیدها میپوشیدم در بر کردم، در درخانه نشستم دختری گذشت او را طلبیدم و بخانه بردم و متعه کردم زنم مطلع شد، آمد بر سر ما و آن دختر گریخت و من در خانه ماندم رختهای نوام را پاره پاره کرد.

منقول است که شخص دیگر بآنحضرت عرض کرد که خوابی دیدم و بسیار می ترسم، دامادی داشتم که مرده است خواب دیدم که دست در گردن من کرد و میترسم بمیرم حضرت فرمود، که انتظار مرگ بکش هر صبح و شام واز مرگ گریزان مباش اما معاتقه مردگان با زندگان علامت طول عمر است، بگو که داماد تو چه نام داشت گفت حسین فرمود زیارت امام حسین ترا نصیب خواهد شد زیرا که هر که معاتقه با همنام آنحضرت در خواب میکند توفیق زیارت آنحضرت مییابد.

در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که هر که در خواب ببیند که در حرم است اگر ترسان باشد ایمن گردد و شخص دیگر عرض کرد که خواب دیدم که چوب نیزه در دست

داشتم فرمود که آهن بر سرش بود، گفت نه ، فرمود که اگر آهن میداشت خداترا پسری میداد چون آهن نداشت خدا بتو دختری خواهد داد پس ساعتی صبر کردند بعد از آن پرسیدند که آن نیزه چند بند داشت گفتم دوازده بند فرمود دوازده دختر بهم خواهی رساند، محمدبن یحیی میگوید که من این حدیث را بشخصی نقل کردم او گفت که من فرزند یکی از آن دخترهایم و یازده خاله دارم .

در حدیث صحیح منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که دیشب مولای علی بن یقطین را در خواب دیدم ، که در میان دو چشمش سفیدی بود، چنین تعبیر کردم که بدین حق در خواهد آمد.

در حدیث دیگر منقول است که یاسر خادم بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد، که در خواب دیدم که هفده شیشه در میان قفسی بود ناگاه آن قفس افتاد و شیشه ها شکست ، حضرت فرمود، که اگر خوابت راستست میباید شخصی از اهلبیت و خویشان من هفده روز پادشاه شود، بعد از آن بمیرد، پس محمدبن ابراهیم در کوفه با ابوالسرایا خروج کرد و بعد از هفده روز مرد.

در روایت دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود، که در خواب دیدم که قدحی از شیر بدست من دادند و آنقدر خوردم که دیدم از میان ناخنهایم بیرون می آمد، پرسیدند که بچه چیز تعبیر کردید فرمود که بعلم .

در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد، که خواب دیدم که از شهر کوفه بیرون رفتم بموضع معروفی و در آنجا شخصی دیدم که براسب چوبی سوار بود و شمشیری در دست داشت که حرکت میداد و من از او مشاهده میکردم و میترسیدم ، حضرت فرمود که دلالت براین میکند، که تو میخواهی بفریب شخصی را از روزی خود ر آوری ، از خدا بترس و مرگ را بیاد آور چنین مکن ، آنشخص گفت که گواهی میدهم که خدا علم عظیم بتو داده است و علم را از معدنش اخذ کرده بدرستیکه شخصی از همسایگان من بنزد من آمد، گفت مزرعه دارم بتو میخواهم بفروشم من چون دیدم که مشتری دیگر غیر من ندارد در خاطر گذرانیدم و عرض کردم که بقیمت بسیار ارزانی از او بخرم .

### فصل یازدهم : در آداب بیت الخلاء

چون خواهد که داخل بیت الخلاء شود سر را بپوشاند و اگر در بالای عمایه چیزی بر سر گیرد بهتر است ، و بسم الله بگوید و این دعا بخواند باین عنوان بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْخَبِيْثِ الْمُخْبِثِ الرَّجْسِ النَّجْسِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ و دیگر بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ

وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبَّ أَخْرَجَ عَنِّي الْأَذَى سَرَّحًا بَغَيْرِ حِسَابٍ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ فِيمَا تُصَرِّفُهُ عَنِّي مِنَ الْأَذَى أَوْ الْعَمِّ الَّذِي لَوْ جَبَسَتْهُ عَنِّي هَلَكْتُ لَكَ الْحَمْدُ أَغْصِمْنِي مِنْ شَرِّ مَا فِي هَذِهِ الْبُقْعَةِ وَأَخْرَجْنِي مِنْهَا سَالِمًا وَحَلَّ بَيْنِي وَبَيْنَ طَاعَةِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ چون داخل شود پای چپ را مقدم دارد، بنابر مشهور و حدیثش بنظر نرسیده است، چون عورتش باز شود بِسْمِ اللَّهِ بگوید تا شیطان چشم بر هم نهد و نظرش بعورت او نیفتد و چون درست بنشیند بگوید اللَّهُمَّ اذْهَبْ عَنِّي الْعَذَى وَالْأَذَى وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُطَهَّرِينَ وَ جمعی گفته اند که سنت است که تکیه بر پای چپ کند و پای راست را گشاده گذارد، و مستندش بنظر نرسیده است و چون غایط یا بول بدشواری بیرون آید، و بعضی گفته اند مطلقاً ایندعا بخواند اللَّهُمَّ كَمَا أَطْعَمْتَنِيهِ طَيِّبًا فِي عَافِيَةٍ فَأَخْرَجْهُ مِنِّي حَبِيثًا فِي عَافِيَةٍ.

در حدیث است که بر هر بنده فرشته موکل است که سر او را بزیر میاندازد در بیت الخلا که نظر به حدث خود کند، پس آن فرشته می گوید که ایفرزند آدم، این عاقبت خورشهای تست که سعی بسیار در خوبی و پاکیزگی آنها میکردی، پس فکرکن که از کجا بهم رساندی و عاقبت بکجا رسیدی، پس سزاوار آنست که در این حال بنده این دعا بخواند اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْحَلَالَ وَجَبِّنِي الْحَرَامَ چون نظرش بآب استنجا افتد بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجَسًا وَچون خواهد استنجا کند بگوید اللَّهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِي وَاسْتُرْ عَوْرَتِي وَحَرِّمْ عَلَيَّ النَّارَ وَوَقِّفْنِي لِمَا يُقْرَبُنِي مِنْكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَ چون برخیزد دست بر شکمش بمالد و بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَنَانِي طَعَامِي وَ شَرَابِي وَعَافَانِي مِنَ الْبَلْوَى وَ چون خواهد بیرون آید پای راست را مقدم دارد، بنابر مشهور و دست بر شکمش بمالد و بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَرَّفَنِي لِدَنِّهِ وَأَعْبَقَنِي فِي جَسَدِي فَوْتَهُ وَأَخْرَجَ عَنِّي آذَاهُ بِأَلْهَامٍ مِنْ نِعْمَةٍ لَا يَفْقَرُ الْقَادِرُونَ قُدْرَاهَا وَ در بعضی از کتب حدیث یالها نِعْمَةٌ سَهْ مَرْتَبَةٍ وَارَد شده است، سنت است که بعد از انقطاع قطرات بول استبرا کند، بعضی استبرا را واجب میدانند، طریق استبرا آنست که انگشت میان دست چپ را نزدیک مقعد گذاشته بقوت بکشد تا زیر خصیتین سه مرتبه پس انگشت شهادت را بزیر دگر گذارد، انگشت مهین را بر بالای آن بقوت بکشد تا سر دگر سه مرتبه، اکثر علماء گفته اند، که سر دگر را سه مرتبه بفشارد و این مستندی نداری و سنت است استنجا بآب سرد کردن، که دفع بواسیر میکند، بسیار نشستن در بیت الخلا مکروهست .

منقول است که حضرت لقمان فرمود که در بیت الخلاها نوشتند که بسیار نشستن در بیت الخلا باعث بواسیر می شود، استنجا باستخوان و سرگین کردن مکروه است، زیرا که اجنه بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم آمدند، از برای خود و حیوانات خود طعامی طلبیدند



حضرت استخوان را برای ایشان و سرگین را برای حیوانات ایشان قرار داد، باین سبب استخوان را پاک کردن خوب نیست و همچنین استنجا بسایر مطعومات کردن خصوصاً نان کراهت شدید دارد، استنجا بچیزهای محترم مثل تربت حضرت امام حسین علیه السلام و نوشته که در آن قرآن یا نام خدا یا نام پیغمبران یا ائمه علیه السلام یا حدیث یا فقه بوده باشد، حرام است و اگر بر وجه استخفاف کند کافر می شود، استنجا بدست راست کردن مطلقاً مکروه است ، و بدست چپ هم مکروه است در صورتی که در آن انگشتری باشد که در آن اسم خدا باشد و الحاق کرده اند علماء اسماء انبیا و ائمه معصومین صلوات الله علیهم را هر گاه بقصد نام ایشان کنده باشند و مکروه است با خود بردن به بیت الخلا چنین انگشتری را هر چند در انگشت نباشد و همچنین باخود بردن قرآن و تعویذ و دعا و همچنین با خود بردن نقره سکه دار مگر آنکه در کیسه باشد و مکروه است مساوی کردن در بیت الخلا که باعث گند دهان می شود، مکروهست حرف گفتن در آنحال مگر بذکر خدا و دعاها یا مقرره و آیه الکرسی و حمد الهی کردن و آنچه مؤذن میگوید از پی آن گفتن چنانچه منقول است که حضرت موسی در مناجات با خداوند خود گفت که حالتی چند بر من است که حضرت موسی در مناجات با خداوند خود گفت که حالتی چند بر من می گذرد، که تو را از آن بزرگتر میدانم که در آن احوال تو را یاد کنم ، فرمود که ای موسی در همه حال مرا یاد کن که یاد من در همه حال نیکوست و واجب است ، ردسلام یا اگر اسم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم را بشنود صلوات بفرستد بنا بر قول جمعی و سنت است که اگر عطسه کند، حمد بگوید، صلوات بفرستد، جایز است که اگر کاری با کسی داشته باشد و ترسید که تا بیرون آمدن فوت شود، با اشاره و دست زدن اعلام نتواند کرد، سخن بگوید و منقول است که هر که در بیت الخلا سخن بگوید حاجتش بر آورده نشود و مکروه است خوردن و آشامیدن در حال بول و غایط و استنجا بآبی کردن که بویش متغیر شده باشد بغیر نجاست مگر آنکه آب دیگر یافت نشود.

### فصل دوازدهم : در بیان احوال و اوضاع و مکانهایی که نهی از آنها وارد شده است

واجبست که عورت خود را از ناظر محترم بپوشاند نه از زن و متعه خود و نه از کنیزیکه وطی او توند کرد، نه اطفالی که تمیز نداشته باشند و سایر حیوانات ، و عورت دگر و خصیتین و دبر و فرج زن است ، سنت است که تمام بدن را بپوشاند یا آنکه پنهان شود در خانه یا کوی و اگر در صحرا باشد، دور شود که کسی جثه او را نبیند و اکثر علماء بر آنند که حرام است رو بقبله کردن و پشت بقبله کردن در حالت بول و غایط خواه در صحرا باشد، خواه در بنا واحوط اجتنابست چنانچه از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است هر که برابر قبله بول

کند از روی فراموشی پس بخاطرش آید و از برای تعظیم و اجلال قبله بگردد بجانب دیگر از آنجا برنخیزد، مگر آنکه حقتعالی او را بیمارزد، احوط آنست که در حالت استنجا نیز رو و پشت بقبله نکند، سنت است که رو بمشرق یا مغرب بکند و احوط آنست که از مابین مشرق و مغرب نیز اجتناب کند، احوط آنست که اگر قبله را نداند سعی کند، در معرفت قبله تا خاطر جمع کند، که رو و پشت بقبله نکرده است و اگر متعذر باشد باکی نیست و در این صورت اگر پشت بقبله کند بهتر است، سنت است که از جهت بول بر جای بلندی یا جایی که خاک بسیار داشته باشد برود تا خاطر جمع باشد که باو ترشح نمیکند چنانچه منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم از همه کس بیشتر احتراز از بول میکردند تا آنکه هرگاه اراده بول میکردند بجای بلندی میرفتند یا جائیکه خاک نرم بسیاری بود که مبادا بول ترشح کند.

در احادیث بسیار وارد شده است که بیشتر عذاب قبر از سهل شمردن بول و از کج خلقی است و در آب بول کردن مکروه است، در آب ایستاده بول کرده بدتر است.

در احادیث معتبره وارد شده است تجویز بول کردن در آب روان و وارد شده است که در آب ایستاده بول کردن باعث تسلط اجنه و شیاطین می شود، مورث دیوانگی و غلبه فراموشی است، بهتر آنست که غایط را هم در میان آب نکند و ایستاده بول کردن مکروه است، بلکه غایط را هم ایستاده کردن مکروه است.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که ایستاده بول کند، بیم آن هست که دیوانه شود و از جای بسیار بلند بزیر بول کردن مکروه است، مکروه است بول کردن در سوراخ جانوران و بول کردن و غایط کردن در مجرای آب هر چند آب نداشته باشد، همچنین در میان راهها و کنار آبها و در مسجدها و نزدیک بدیوارهای مسجد و در خانه ها و در جاهائیکه مردم بسبب آن دشنام دهند و لعنت کنند، در زیر درختان میوه دار در وقتیکه میوه داشته باشد زیرا که ملائکه در آنوقت بآن درختان میبانشند که نگاه میدارند میوه را از ضرر جانوران و بعضی گفته اند که در غیر وقت میوه هم مکروه است، در جاهائیکه مردم قافله فرود آیند و جایی که مردمان از آن متاعذی می شوند حتی از بوی آن.

در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که حقتعالی لعنت کرده است، کسی را که غایط کند در سایه که قافله در آنجا منزل کند، کسی که منع کند مردمرا از آب مباحی که در چاهها و چشمه ها مردم بنوبت بر آن وارد میشوند، یا آبی که ملک جماعتی باشد، هر روز یا هر شب نوبت شخصی باشد صاحب نوبت را منع کنند، و کسی که

راه شارع مردم را سد کند بدیوار کشیدن یا راهزنی کردن یا عسور گرفتن .

## باب نهم : در آداب حجامت کردن و تنقیه و بعضی از ادویه و

### معالجه بعضی از امراض و ذکر بعضی از ادویه و احراز

#### فصل اول : در ثواب بیماری و صبر کردن بر آن و بیان شدت ابتلائی مؤمنان

در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم سر بجانب آسمان کردند، تبسم فرمودند صحابه از سبب آن سؤال کردند، حضرت فرمود که تعجب کردم از دو ملک که به زمین فرود آمدند، بنده مؤمن صالحی را در جای نمازش نیافتند، بآسمان رفتند و گفتند پروردگارا فلان بنده تو را در جای نمازش طلب کردیم نیافتیم او را، و او در بند بیماریست ، حق تعالی فرمود که بنویسید برای بنده من مثل آنچه در حال صحت از افعال خیر در شب و روز می کرده است مادام که در بند من است .

در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که چون بر مؤمن ضعف پیری غالب شود حق تعالی امر می فرماید که آنچه در جوانی و قوت میکرده است ، برای او بنویسند و همچنین ملکی را موکل می گردانند، که برای مؤمن بیمار بنویسد آنچه در حال صحت میکرده است از کارهای خیر و از برای کافر بیمار بنویسد آنچه در حال صحت میکرده است از کارهای بد.

در حدیث حسن و غیر آن از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که بیداری يك شب از بیماری و درد بهتر است از عبادت یکساله و در حدیث دیگر منقول است که حق تعالی ملک دست چپ را امر میفرماید که در ایام بیماری گناه بر مؤمن ننویسد.

در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر منقول است که بدنی که بیماری نکشد طغیان بهم می رساند، خیری نیست در چنین بدنی .

در حدیث دیگر فرمود، که يك شب تب برابر است با عبادت یکساله و دو شب تب برابر است با عبادت دو ساله و سه شب تب برابر است با عبادت هفتاد ساله .

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که یکشب تب کفاره گناهان گذشته و آینده است .

در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که حق تعالی میفرماید که هر که سه شب بیماری بکشد، باحادی از عیادت کنندگانش شکایت نکند، بدل میکنم از برای او گوشتی بهتر از گوشت او و خونی بهتر از خون او پس اگر او را عافیت دهم از گناهان پاک میکنم او را و اگر بمیرانم بسوی رحمت خود می برم او را.

در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که هر که یکشب بیماری بکشد و قبول کند و قبول کند او را آنچه شرط قبول کردن است بآنکه کسی را خبر ندهد از آنچه کشیده و چون صبح شود خدا را شکر کند، حقتعالی بفضل خود ثواب عبادت شصت ساله باو عطا فرماید.

در حدیث حسن از آنحضرت منقول است که حد شکایت نه آنست که بگوید دیشب مرا خواب نبرد و تب داشتم بلکه آنست که بگوید که بیلائی مبتلا شده ام که هیچکس بآن مبتلا نشده است، آنچه بمن رسیده بهیچکس نرسیده است، مثل اینها.

در حدیث دیگر فرمود، که تب رسول مرگ است، و زندان خداست در زمین و گرمیش از جهنم است، بهره مؤمن از جهنم همین است.

از حضرت علی بن الحسین علیه السلام منقول است که نیکو دردیست تب بهر عضوی بهره می رساند او از بلا و خیری نیست در کسی که بیلا مبتلا نشود.

در روایت دیگر وارد شده است که مؤمن چون تب میکند گناهان از او می ریزد، مانند برگ از درخت و اگر بر رختخواب بیفتد ناله اش ثواب سبحان الله دارد، فریادش ثواب لا اله الا الله دارد، از پهلو به پهلو که میگردهد، مانند کسی است که در راه خدا شمشیر میزند.

از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که بیماری برای مؤمن پاک کننده است او را از گناهان و رحمت الهی است نسبت باو از برای کافران عذاب و لعنت است، فرمود که یکشب در دسر هر گناهی را بر طرف میکند، مگر گناهان کبیره.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون حقتعالی بنده را دوست دارد، یکی از سه تحفه از برای او می فرستد، یا تب یا درد چشم یا درد سر، در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که بلائی پیغمبران از همه شدیدتر است، پس بعد از ایشان اوصیاء ایشان بعد از اوصیاء هر که نیکوتر و فاضلتر است بلایش عظیم تر است، مؤمن را بقدر ایمان و اعمال نیکش باو بلا میرساند، پس هر که ایمانش صحیح تر و عملش نیکوتر است بلایش بیشتر است، هر که ایمانش ضعیف تر و عمل نیکش کمتر است بلایش کمتر است.

در احادیث معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ثواب عظیم با بلائی عظیم

میباشد، هیچ گروهی را خدا دوست نمیدارد مگر آنکه ایشانرا مبتلا میگرداند، فرمود که حقتعالی را بندگان خالص هست که از آسمان هیچ تحفه بر زمین نمیفرستد مگر آنکه از ایشان میگرداند بسوی غیر ایشان و هیچ بلائی نمی فرستد مگر آنکه میگرداند از دیگران بسوی ایشان .

بروایت معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون حقتعالی بنده را دوست داشت غوطه میدهد او را در بلا غوطه دادنی ، می ریزد بر او بلا را ریختنی پس اگر خدا را برای دفع آن بلا بخواند حقتعالی می فرماید، لبیک ای بنده من اگر زود بتو بدهم آنچه طلبیدی قانم بر آن و اگر ذخیره کنم برای روز جزا بهتر است ، از برای تو. در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مؤ من چهل شب بر او نمی گذرد، مگر آنکه او را امری رو میدهد، که اندوهگین شود و بسبب آن متذکر و آگاه گردد. در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که در بهشت منزلتی هست که هیچکس بآن منزلت نمیرسد، مگر آنکه بلائی ببیند او برسد، فرمود که اگر مؤ من بداند که در مصیبتها چه ثواب برای او هست هر آینه آرزو کند که بدنش را از مراض پاره پاره کنند.

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود، که خداوند عالمیان یاد میکند مؤ من را بتحفه بلا چنانچه کسی از سفر تحفه برای اهل خود بفرستد، او را پرهیز می فرماید از دنیا چنانچه طیب بیمار را پرهیز می فرماید از چیزهایی که باو ضرر می رساند.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که شخصی حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم را بخانه خود طلبید، چون داخل خانه او شدند، دیدند که مرغی بر بالای دیوار تخم کرد و آن افتاد و بر روی میخی که در میان دیوار بود بند شد و نیفتاد و نشکست حضرت تعجب فرمودند، آن شخص گفت که از این تعجب می فرمائید؟ بحق آن خداوندی که ترا برآستی فرستاده است هرگز نقصانی بمن نرسیده است ، حضرت برخاستند طعام او را تناول فرمودند و گفتند هر که نقصانی باو نرسد امید خیر در او نیست .

در حدیث دیگر فرمود، خدا مؤ من را بهر بلائی مبتلا میکند، بهر مرگی او را می میراند، اما عقلش را بر طرف نمی کند، نمی بینی که شیطان برمال و فرزندان و اهل حضرت ایوب مسلط شد، و بر عقلش مسلط نشد، که بآن عقل خدا را به یگانگی بشناسد.

در حدیث حسن دیگر فرمود، که حقتعالی می فرماید که اگر نه آن بود که مؤ من در دل خود چیزی می یافت هر آینه عصا به بر سر کافر می بستم که هرگز در دسر باو نرسد.

فصل دوم : در فضیلت و آداب حجامت

بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که که دوا چهار چیز است ، حجامت و دوا در بینی چنانیدن و حفته کردن و قی کردن .

در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت گذشتند بر جماعتی که حجامت میکردند، فرمودند که چه میشد شما را اگر تاخیر میکردید تا پسین روز یکشنبه که درد را بیشتر از بدن میکشد.

در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم در روز دوشنبه بعد از عصر حجامت کردند، باجرت حجام گندم دادند.

در حدیث دیگر فرمود که : حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم روز دوشنبه بعد از عصر حجامت میکردند، و فرمود که حجامت کردن در آخر روز دوشنبه درد را از بدن میکشد کشیدنی .

در روایت دیگر منقول است که : شخصی دید که حضرت امام موسی علیه السلام در روز جمعه حجامت میکردند، گفت فدای تو شوم در روز جمعه حجامت میکنی ؟ حضرت فرمود که هرگاه خون زیادتی کند بر تو خواه در شب و خواه در روز آیه الکرسی بخوان و حجامت بکن . از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که : هر که حجامت کند در روز سه شنبه هفدهم یا چهاردهم یا بیست و یکم ماه او را شفا دهد از دردهای همه سال ، شفا بخشد او را از دردر و درد دندان و دیوانگی و خوره و پیسی .

در روایت دیگر منقولست که : شخصی دید که حضرت امام علی نقی علیه السلام در روز چهارشنبه حجامت میکردند، گفت که اهل مکه و مدینه از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم روایت می کنند که هر که در روز چهارشنبه حجامت کند، پیس شود ملامت نکند مگر خود را فرمود که دروغ می گویند، کسی پیس می شود که مادرش در حیض باو حامله شده باشد.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که : هر که خواهد حجامت کند باید که در روز پنجشنبه حجامت کند، بدرستی که در هر پسین جمعه خون از جای خود حرکت میکند، از ترس قیامت و بجای خود بر نمی گردد تا صبح روز پنجشنبه ، فرمود که هر که حجامت کند در روز پنجشنبه از آخر ماه در اول روز دردها را از بدنش می کشد.

در حدیث دیگر فرمود که چون حجامت کنی و خون از محل حجامت بیرون آید، پس بگو پیش از آنکه حجه را بریزند بِسْمِ اللّٰهِ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ الْکَرِیْمِ فِی حَجَامَتِیْ هَذِهِ مِنَ الْعَیْنِ فِی الدَّمِّ وَمِنْ کُلِّ سُوءٍ .

در حدیث دیگر فرمود که : حضرت رسول حجامت در سر و درمیان هر دو کتف و در پشت

گردن می‌کردند، یکی از نافع‌ها می‌نامیدند، دیگری را مغیثه یعنی بفریاد رسنده و سیم را منقذه یعنی خلاص کننده از بلاها.

در روایت دیگر فرمود که: منقذه آنستکه از سر بینی شبر کنی بجانب بالا و بهر جای سر که برسد در آنجا حجامت کنی.

در روایت معتبر منقول است که: حضرت امام موسی علیه السلام در روز چهارشنبه حجامت می‌کردند، تب برطرف نشد، پس در روز جمعه حجامت کردند و تب برطرف شد.

از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: هر که در چهارشنبه آخر ماه حجامت بکند، برای رد بر اهل طیره عافیت یابد از هر بلایی و محفوظ ماند از هر دردی و محل حجامتش سبز نشود.

در روایت دیگر منقول است که: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بعد از عصر حجامت کردند، از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: حجامت کردن بدن را صحیح می‌کند، عقل را محکم می‌کند، فرمود که حجامت مکنید در روز چهارشنبه که روز جمعه ساعتی هست که هر که در آن ساعت حجامت کند، بمیرد.

در حدیث دیگر فرمود که: روز سه شنبه روز خون گرفتن است.

در روایت دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نهی وارد شده است از حجامت کردن در روز چهارشنبه و از حضرت امام موسی منقول است که: در روز پنجشنبه حجامت بکند.

بسنند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که اگر در چیزی شفا هست در شیشه حجام و در خوردن عسل است، فرمود که نیکو عادتی است حجامت دیده را جلا می‌دهد و دردها را میبرد.

منقول است که حضرت صادق علیه السلام فرمود که: جبرئیل برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم مسواک و حجامت را آورد. در فقه الرضا مذکور است، که چون اراده حجامت

کنی چهار زانو در پیش حجام بنشین و بگو بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ الْکَرِیْمِ فِي حَجَامَتِي مِنَ الْعَيْنِ فِي الدَّمِّ وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ وَاَعْلَالٍ وَاَمْرَاضٍ وَاَسْقَامٍ وَاَوْجَاعٍ وَاَسْءَاكَ الْعَاقِبَةِ وَ الْمُعَافَاةَ وَ الشِّفَاءَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ.

در حدیث دیگر منقول است: بحضرت صادق عرض کردند، که مردم بد میدانند حجامت را در روز شنبه و چهارشنبه فرمود، که حضرت رسول فرمود، که هر گاه کسی زیادتی خون در خود یابد البته حجامت کند که می‌آید او را بکشد، فرمود هر که اول سه شنبه ای که آذرماه رومی

است که اول بهار است ، حجامت کند باعث صحت بدن او می شود.

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که : حضرت رسول را هیچ آزاری بهم نیرسید مگر آنکه پناه بحجامت میبردند.

در حدیث دیگر فرمود که : حجامت سر شفای همه دردهاست بغیر از مرگ .

در حدیث دیگر فرمود که : هر که نظر کند باول حجمه که از خون از بریزند امان مییابد از درد چشم تا حجامت دیگر.

در روایتی از حضرت صادق منقول است که : چون حضرت رسول حجامت میکردند، بآب سرد غسل میکردند تا حرارت خون را فرو نشانند.

در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم اول در پشت گردن حجامت میکردند، پس جبرئیل آمد و امر کرد آنحضرت را بحجامت میان دو کتف .

در حدیث دیگر مرویست که : حضرت صادق علیه السلام حجامت کردند و بعد از حجامت سه پارچه قند با نبات طلبیدند و تناول نمودند، فرمودند که خون صافی را متولد می کند، حرارت را قطع میکند.

از حضرت امام علی نقی علیه السلام منقول است که : انار شیرین بعد از حجامت خون را ساکن میکند، خون اندرون را صاف میکند.

از حضرت صادق منقول است که : حجامت روز شنبه باعث ضعف می شود.

در روایت دیگر منقول است که : بسیار بود حضرت امام رضا علیه السلام در میان شب زیادتی خون می یافتند، در آنوقت حجامت میکردند.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که : در ماه مبارک رمضان بهتر آنستکه حجامت را در شب بکنند، فرمود که حجامت ما در روز یکشنبه است ، حجامت شیعیان ما در روز دوشنبه است ، فرمود که زینهار که ناشتا حجامت مکن تا اندک چیزی بخوری که بیشتر باعث بیرون آمدن خون و قوت بدن می شود، فرمود که چون بعد از اکل حجامت کنند خون جمع می شود و خون فاسد را بیرون میکند، اگر پیش از اکل باشد خون صالح بیرون میرود و خون فاسد در بدن میماند. زیاد شحام می گوید که بخدمت حضرت صادق علیه السلام بودم ، که حجام را طلبیدند و فرمودند که محجمه خود را بشو و بند کن پس اناری طلبیدند و تناول فرمودند، چون از حجامت فارغ شدند انار دیگر طلبیدند و تناول فرمودند، گفتند که خوردن انار در این وقت صفا را فرو می نشانند.

حضرت امام محمد باقر علیه السلام از ابوبصیر پرسیدند، که مردم بعد از حجامت چه چیز می



خورند؟ گفت برگ کاسنی و سرکه ، فرمود که باکی نیست .

از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که : کسی خواهد حجامت کند در روز شنبه حجامت بکند، فرمود که حجامت کردن در روز یکشنبه شفای هر درد است .

در روایتی وارد شده که نباید حجامت کرد، در روز چهارشنبه هر گاه قمر در عقرب باشد.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که : روز پنجشنبه خون در موضع حجامت جمع می شود. پس چون ظهر شد در بدن متفرق می شود، پس حجامت را پیش از ظهر بکنید.

در حدیث دیگر نهی فرموده از حجامت کردن در وقت ظهر روز جمعه .

از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که : در هفتم ماه حزیران رومی که در اوایل تابستان است ، حجامت بکن ، اگر نشود در چهاردهم بکن .

حضرت صادق علیه السلام فرمود که حجامت را در آخر روز بجا آورید.

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که حجامت در گودی پشت سر موجب غلبه فراموشی است .

حضرت صادق فرمود که : حجامت سر بفریاد رسنده است و برای هر دردی نافع است ، غیر از مرگ پس از هر دو طرف ابرو شبر کردند بجانب پشت و آنجا که انگشتها میرسید نشان داد، که آنجا حجامت می باید کرد.

در روایت دیگر منقول است که : در روز سه شنبه ساعتی هست که اگر حجامت در آن ساعت اتفاق افتد، خون بند نمی شود تا بمیرد، فرمود که هر که در وقت ظهر روز جمعه حجامت کند و بلائی باو برسد ملامت نکند مگر خود را.

در حدیث دیگر فرمود که آیه الكرسي بخوان و در هر روز که خواهی حجامت کن و فرمود که حجامت سر نافع است ، برای دیوانگی و خوره و پیسی و درد دندان .

در حدیث دیگر تاریکی چشم و دردسر و غلبه خواب ، و فرمود که چون طفل چهار ماهه شود هر ماه یکمرتبه او را حجامت کنید در گودی پشت سر که لعابش را خشک می کند، حرارت را از سر و بدنش می کشد، منقول است که حضرت امام محمد تقی علیه السلام طبیبی طلبیدند، فرمودند که رگ کف دست را بگشاید.

منقول است که : شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از درد جگر حضرت او را فصد پا فرمود، شخصی دیگر شکایت کرد از خارش بدن فرمود که سه مرتبه هر دو پا را حجامت کن در پشت پا یا در میان کعب و بند پا، شخصی بحضرت موسی شکایت کرد از جرب فرمود که فصد پای راست بکن و بقدر دو درهم روغن بادام شیرین بر روی آب کشک

بریز و بخور و ماهی و سرکه مخور، شخصی دیگر بحضرت صادق شکایت کرد از جرب فرمود که رگ اکحل را بگشا.

**فصل سوم : در بیان انواع تداوی که از ائمه (علیه السلام) وارد شده است و بیانجواز رجوع باطباء**

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که درد سه است و دوا سه است ، پس درد مره است یعنی صفرا و سودا و بلغم و خون و دواي خون حجامت و دواي مره مسهل و دواي بلغم حمام است .

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که : از دواي پیغمبرانست حجامت کردن ، نوره کشیدن ، دوا در دماغ چکانیدن .  
از حضرت امام محمد باقر منقول است که : بهترین دواهاي شما حقنه و دوا در بینی چکانیدن و حجامت کردن ، و حمام رفتن است .

در حدیث دیگر فرمود: که طب عرب در حجامت و حقنه است ، آخر دواي ایشان داغ کردن است .

در حدیث دیگر فرمود که طبابت عربان در هفت چیز است ، حجامت و حقنه و دوا در بینی کردن و حمام رفتن و فی کردن و خوردن عسل و آخر دواي ایشان داغ است .  
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که : حقنه از جمله دواهاي عظیم است ، شکم را بزرگ می کند، فرمود که دوا چهار چیز است ، حجامت و دارو مالیدن و فی کردن و حقنه کردن و فرمود که طب عربان حجامت و حقنه و حمام رفتن و فی کردن و دوا در بینی کردن است ، آخر دوا داغ سوختن است .

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که : حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که بهتر چیزی که بآن مداوا کنید حقنه است شکم را فربه می کند، دردهای اندرون راپاک می کند، بدن را قوت می دهد و فرمود که روغن بنفشه در بینی بچکانید. در فقه الرضا مذکور است ، که حمیه و امساک سر همه دواهاست و معده خانه دردهاست و هر بدنی را بده آنچه او را دعوات فرموده ، فرمود که اجتناب کن از دوا خوردن تا بدنت تاب دارد و فرمود که هر گاه گرسنه شوی طعام بخور ، هرگاه تشنه شود آب بخور ، هر گاه که بول آمد بکن ، تا ضرور نشود جماع مکن ، هر گاه که ترا خواب گیرد خواب چون چنین کنی بدنت صحیح میباشد همیشه . و فرمود که حق تعالی دوا را مانع می شود از تاءثیر کردن تا وقتیکه مقدر شده است که آن مرض تا آنوقت باشد، چون آن مدت منقضی شد دوا را رخصت اثر میدهد و بآن

دوا شفا می یابد، مگر آنکه پیش از آمدن دعا یا تصدق یا کارهای خیر بکند که خدا بیشتر از آن مدت دوا را رخصت تاءثیر دهد. فرمود که در غسل شفای هر دردی هست، هر که يك انگشت غسل ناشتا بخورد بلغم را دفع می کند، سودا را بر طرف می کند، ذهن را صاف می کند، هر گاه با کندر خورده شود. و آب سرد حرارت صفرا را فرو مینشانند، طعام را هضم می کند، اخلاطیکه در فم معده است می گدازد، تب را بر طرف می کند، فرمود که اگر چیزی بدن را فربه می کند مالیدن بدن است، جامه های نرم پوشیدن و بوی خوش کردن و حمام رفتن، اگر مرده را مالندگی کنند زنده شود بعید نیست و تصدق بلاهای آسمانی را دفع می کند، قضای محکم را بر طرف می کند، فرمود که بیماری را نمیرد چیزی مانند دعا و تصدق و آب سرد، فرمود که منتهای پرهیز و امساک چهارده روز است، پرهیز نه آنستکه چیزی نخورد، بلکه آنست که کمتر بخورد، که صحت و مرض در بدن آدمی با یکدیگر در مقام معارضه و مقاتله اند، پس هر وقت که صحت غالب آمد، بیمار بشعور می آید، اشتهاى طعام بهم می رساند، پس هر گاه که طعام بطلد بدهید که شاید شفایش در آن باشد، فرمود که شفای هر درد در قرآن است، پس بیمار آن خود را مداوا کنید، بتصدق و طلب شفا کنید بقرآن که هر که را قرآن شفا ندهد، هیچ چیز سبب شفای او نیست.

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: هر که دردها در بدن خود یابد، حرارت را بر مزاج خود غالب یابد، با زنان جماع کند که حرارت را فرو می نشاند.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: عامه دردها و بیماریها از غلبه صفرا و سودا و خون سوخته شده و بلغم زیاد می باشد، بس باید که آدمی تعهد احوال خود بکند، پیش از آنکه اینها بر او غالب شود و او را هلاک کند.

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم باسانید معتبره منقول است که: دوا کنید بیمار آن خود را بتصدق، فرمود که تصدق بلاهای محکم را دفع می کند، فرمود که تصدق مرگهای بد را از صاحبش دفع می کند.

در روایت دیگر منقول است که: شخصی بحضرت امام موسی علیه السلام عرض کرد، که با ده نفر از عیالم همه بیماریم فرمود که ایشان را دوا کنید بتصدق و هیچ چیز بیشتر و زودتر از تصدق نفع نمی کند.

بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: شخصی بیمار شد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام باو فرمود که از زن خود يك درهم از مهری که باو داده بطلب که بتو ببخشد و غسل بخر و بآب باران بخور، آنشخص چنین کرد، شفا یافت، از سبب این پرسیدند از

آنحضرت ، فرمود که حقتعالی می فرماید که اگر زنان از مهر خود بشما بطیب خاطر چیزی ببخشند، بخورید گوارا با عاقبت نیک . و در باب عسل میفرماید که در آن شفاست از برای مردمان و در باب باران میفرماید که فرستادیم از آسمان آبی مبارک پس در اینجا گوارائی و حسن عاقبت و برکت و شفا همه جمع شد.

در حدیث دیگر منقول است که : مرد پیری بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و عرض کرد که دردی دارم برای آن درد اطبا شراب گفته اند، می خورم ؟ حضرت فرمود که : چرا دوائی خود نمی کنی آبی را که خدا فرموده است که همه چیز بآن زنده است ، گفت با من موافقت نمی کند، فرمود که چرا عسل نمی خوری که شفای مردمان گردانیده است ؟ گفت بدستم نمی آید فرمود که چرا شیر نمی خوری که گوشت و استخوان بدنت از شیر پرورده است ؟گفت با طبعم موافقت نمی کند فرمود که می خواهی تو را رخصت بدهم که شراب بخوری والله که هرگز نکنم .

در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که : راه رفتن بیمار باعث نکس مرض و زیادتی آن می شود.

در حدیث معتبر دیگر منقول است که : شخصی بآنحضرت عرض کرد، بیمار آن که نزد ما بیمار می شوند، اطبا ایشانرا امر بامساک و پرهیز می کنند، فرمود که ما اهل بیت امساک نمی کنیم مگر از خرما و خود را مداوا می کنیم بسبب و آب سرد، پرسید که چرا از خرما امساک می کنید؟ فرمود برای آنکه حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را در بیماری از آن امساک فرمود.

در روایت دیگر از آنحضرت پرسیدند، که تا چند روز میباید پرهیز و امساک بیمار، فرمود تا ده روز.

در حدیث صحیح دیگر فرمود که پرهیز و امساک بعد از هفت روز دیگر نفعی ندارد.

از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که : پرهیز کن نیست که در اصل چیزی نخوری ، بلکه آنستکه بخوری و کمتر بخوری .

در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که : حضرت موسی بن عمران مناجات کرد که پروردگار درد را که می دهد؟ خطاب رسید که من ، پرسید که دوا از کیست ؟ خطاب رسید از من ، پرسید پس چه میکنند مردم این حکیمان را؟ خطاب رسید که دلهای مردم را خوش می کنند.

در حدیث صحیح منقول است که : علی بن جعفر از حضرت امام موسی علیه السلام سؤال

کرد، از داغ کردن بیماران و عودها و افسونها برایشان خواندن ، فرمود که باکی نیست در داغ کردن و افسونیکه معنیش را دانی .

در حدیث صحیح دیگر منقول است که : شخصی از آنحضرت پرسید که من محتاج می شوم بطیب نصرانی و بنزد او بمعالجه می روم و بر او سلام میکنم و او را دعا مینم ، فرمود باکی نیست ، از دعا و سلام تو باو نفعی نمیرسد .

در حدیث دیگر فرمود که تا ممکن هست رجوع بمعالجه طبیبان مکنید، که این مانند عمارت کردنست که اندکش به بسیار میکشد .

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که : مسلمان باید دوا نکنند، تا غالب نشود بیماری او بر صحتش .

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که : هر که صحتش بر بیماریش غالب باشد و معالجه کند، و بمیرد من از او بیزارم .

در حدیث دیگر فرمود که هر که با اینحال دوا بخورد، اعانت بر کشتن خود کرده است .

در حدیث دیگر منقول است که : از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند که بمعالجه طبیب یهودی و نصرانی عمل میتوان کرده فرمود که باکی نیست ، شفا بدست خداست .

در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که شخصی دوا می خورد و گاهست که او را میکشد و گاه شفا می یابد، اما بیشتر آنست که شفا می یابد، فرمود که حقتعالی دوا را فرستاده است و شفا را میفرستد، هیچ دردی را خلق نکرده است مگر آنکه دوائی برای آن آفریده است ، بخور و نام خدا ببر در وقت خوردن .

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند که زنی یا مردی چشمش آب سیاه می آورد، اطباء می گویند که چشم ترا میل می زنیم می باید یکماه یا چهل روز بر پشت بخوابی و حرکت نکنی و بآنحال نماز بایمء بکند، حضرت فرمود چون مضطر است باکی نیست .

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که : پیغمبری از پیغمبران بیمار شد، پس گفت که دوا نمی کنم تا آنکسی که مرا درد داده است شفا بدهد، حقتعالی باو وحی فرستاد که تا دوا نکنی من شفا ندهم .

در حدیث دیگر منقول است که : شخصی بآنحضرت عرض کرد که من جراحتها را میبرم و داغ می کنم بآتش ، فرمود که باکی نیست ، گفت که دواهای تلخ که سمیت دارد بمردم میدهم مثل غاریقون فرمود باکی نیست ، گفت که گاه هست که بمیرد، فرمود که هر چند بمیرد باکی نیست و گفت گاهست که شراب و بره میدهم که بخورند، فرمود که در حرام شفا نمیباشد . در

حدیث معتبر دیگر منقول است که : شخصی بآنحضرت عرض کرد، که شخصی دوا میخورد و رگهای بدنش را میبرند و گاه منقطع میشود و بسیار است که او را می کشد، فرمود که بکند. در حدیث دیگر عرض کردند که شخصی داغ می سوزاند بر بدن و گاه هست که می کشد، فرمود که شخصی در زمان حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم داغ سوزاند و حضرت بر بالایی سرش ایستاده بودند.

در حدیث معتبر از حضرت موسی جعفر علیه السلام منقول است که : هیچ دوائی نیست مگر آنکه درد را بر می انگیزد، هیچ چیز در بدن نافع تر از این نیست که تا محتاج نشوی تصرف در بدن نکنی .

### فصل چهارم : در معالجه انواع تب

در احادیث بسیار وارد شده است که ما مداوا نمی کنیم تب را مگر بریختن آب سرد بریدن و خوردن سیب .

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که تب از بوی جهنم است ، فرو نشانید حرارت آن را بآب سرد.

در حدیث دیگر فرمود که برای دفع تب هیچ چیز نافعتر از دعا و آب سرد نیست . از مفضل منقول است که بخدمت آنحضرت رفت در ایام تابستان و آنحضرت تب داشتند، دید که طبقی گذاشته است پر از سیب سبز عرض کردم که مردم سیب را برای تب خوب نمیدانند، فرمود که این تب را بر طرف میکند، حرارت را فرو می نشاند.

در حدیث دیگر فرمود که مقدار ده درهم قند بآب سرد ناشتا خوردن برای دفع تب نافع است . از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که روزی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بنزد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آمدند، آنحضرت تب داشتند، فرمود که سنجد تناول فرمایند.

از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که خاریدن بدن و غلبه خواب و دوار در سرو ثورها و دملها علامت زیادتی خون است .

از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که بشکنید گرمی تب را بینفشه و آب سرد. و در تابستان بر بدن صاحب تب آب سرد بریزید، و فرمود که یاد ما اهل بیت کردن شفاست از تب و جمیع دردها و وساوس شیطان و فرمود که بخورید آب باران که بدن شما را پاک میکند، دردها را دفع میکند.

در حدیث معتبر منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از شخصی پرسیدند، که

شما بیماران خود را بچه چیز دوا میکنید، گفت باین دواهای تلخ فرمود که هرگاه کسی از شما بیمار شود قند سفید را بکوبید و آب سرد بر او بریزید و باو بخورانید، که آن خداوندی که بتلخ شفا میدهد قادر است که بشیرین شفا بدهد.

در حدیث دیگر فرمود که کباب دفع تب میکند.

در حدیث دیگر فرمود، که دو ماه بیماری کشیدم ، خدا مر الهام کرد که برنج را، گفتم شستند و اندکی بر روی آتش بو دادند، در آسیا خورد کردند و پاره را سفوف کردند، پاره را در میان آب کردم و خوردم ، فرمود که تب بر اولاد پیغمبران دو برابر دیگران میباشد.

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که علاج تب بسه چیز میباشد: به قی و عرق و مسهل .

از ابراهیم بن جعفی منقول است که بخدمت حضرت صادق رفت و شکایت کرد از تب ربع فرمود که نبات یا قند را بسای و در میان آب بریز و ناشتا و هر وقت که احتیاج بآب خوردن شود بخور، چنان کرد بزودی شفا یافت .

حضرت امام موسی علیه السلام فرمود در معالجه تب غب کهنه عسل و سیاه دانه رابا هم ممزوج کن سه انگشت از آن بخور، که این هر دو مبارکست و خدا عسل را فرموده که شفاست ، حضرت پیغمبر فرمود که در سیاه دانه شفای هر درد هست مگر مرگ .

از حضرت امام علی نقی علیه السلام منقول است که بهترین چیزها برای تب ربع آن است که در روز نوبه پالوده با عسل بسازی و زعفران بسیار در آن بکنی و در آن روز غیر آن چیزی نخوری .

از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که این تعویذیست برای شیعیان از سل **يَا رَبَّ** **الْأَرْبَابِ يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ يَا إِلَهَ الْإِلَهَةِ وَ يَا مَلِكَ الْمُلُوكِ وَ يَا جَبَّارَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ اِشْفِنِي وَ عَافِنِي** **مِنْ دَائِي هَذَا فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ انْقَلَبَ فِي قَبْضَتِكَ وَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ** سه مرتبه این دعا را میخوانی تا خدایتعالی شفا دهد، بحول وقوه خود.

در روایت معتبر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم را تب شدیدی عارض شد جبرئیل آمد و این دعوزه را بر آنحضرت خواند، در ساعت ، تب زایل شد **بِسْمِ اللَّهِ** **أَرْقِيكَ بِسْمِ اللَّهِ أَشْفِيكَ بِسْمِ اللَّهِ مِنْ كُلِّ دَاءٍ يُغْنِيكَ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَافِيكَ بِسْمِ اللَّهِ خُذْهَا فَتَهْنِئَكَ بِسْمِ** **اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَلَا أَقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ لَنُنِيرَنَّ بِإِذْنِ اللَّهِ.**

در چند حدیث معتبر منقول است که بر هیچ بیماری و صاحب دردی هفتاد مرتبه حمد خوانده نمی شود، مگر آنکه درد ساکن می شود.

در روایت دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که یکماه است که تب میکنم ، آنچه اطباء گفته اند بعمل آوردم ، برطرف نشد حضرت فرمود که بندهای پیراهن خود را بگشا و سر را در گریبان پیراهن داخل کن و اذان و اقامه بگو و هفت مرتبه سوره حمد بخوان ، آنشخص گفت که چنان کردم گویا از بندي رها شدم .

در حدیث دیگر منقول است که یکی از فرزندان آنحضرت بیمار شد، فرمود که ده مرتبه یاالله بگو که هیچ مؤمنی نمي گوید مگر آنکه حقتعالی میفرماید، که لبیک حاجت خود را بگو. در حدیث دیگر فرمود، که هر که را علتی عارض شود، هفت مرتبه سوره حمد بخواند اگر برطرف نشود هفتاد مرتبه بخواند من ضامنم که آن علت برطرف شود.

در حدیث معتبر منقول است از داودبن زربی که گفت بیمار شدم در مدینه بیماری شدید بهمرسید، چون این خبر بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام رسید بمن نوشتند که يك صاع گندم بخر و بر پشت بخواب و آن گندم را بر سینه خود بریز و بگو **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا سَأَلَكَ بِهِ الْمُضْطَرُّ كَشَفَتْ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَمَكَّنْتَ لَهُ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْتَهُ خَلِيفَتَكَ عَلَي خَلْقِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَي أَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تُعَافِيَنِي مِنْ عِلَّتِي** پس درست بنشین و گندم را جمع کن ، باز آندعا را بخوان ، و آن گندم را چهار حصه کن و هر حصه را به يك فقير بده ، باز دعا بخوان دواد گفت که من چنان کردم گویا از بندي رها شدم و بسیار کسی کردند شفا یافتند.

در حدیث صحیح از آن حضرت منقول است که چون بنزد بیمار روی هفت مرتبه بگو **أَعِيدُكَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ عِرْقٍ نَعَارَ وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ**.

در حدیث دیگر فرمود، که سوره حمد وقل هوالله أحد واناانزلناه في ليلة القدر وآية الكرسي بخوان پس به انگشت شهادت بر پهلوئ بیمار بنویس **اللَّهُمَّ ارْحَمْ جِلْدَهُ الرَّقِيقُ وَعَظْمَهُ الدَّقِيقُ مِنْ سُورَةِ الْحَرِيقِ يَا أُمَّ مَلَدَمِ إِنْ كُنْتَ أَمَنْتَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا تُؤَاكِلِي اللَّحْمَ وَلَا تَسْرَبِي الدَّمَ وَلَا تُهْلِكِي الْجِسْمَ وَلَا تُصَدِّعِي الرَّأْسَ وَأَنْتَقِلِي عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ** نام او و مادرش را بنویسد **إِلَى مَنْ يَجْعَلُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ** علواً كبيراً.

در روایت دیگر فرمود که بیمار سر را در گریبان خود داخل کند، اذان و اقامه بگوید، سوره حمد وقل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و سه مرتبه قل هوالله احد بخواند، وبگوید **أَعِيدُ نَفْسِي بِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَةِ اللَّهِ وَعَظْمَةِ اللَّهِ وَسُلْطَانِ اللَّهِ وَبِجَمَالِ اللَّهِ وَبِجَمَعِ اللَّهِ وَبِرَسُولِ اللَّهِ وَبِعِزَّتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَبِوَلَاةِ أَمْرِ اللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ اللَّهَ وَأَخْذَرُ وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اللَّهُمَّ اشْفِنِي**



بَشْفَائِكَ وَدَاوَنِي بِدَوَائِكَ وَعَافِنِي مِنْ بَلَائِكَ.

در روایت دیگر منقول است که شخصی بانحضرت شکایت کرد، که تبش بسیار بطول انجامیده است، فرمود که آیه الکرسی را در ظرفی بنویسد و بآب حل کن و بخورد.

در بعضی از کتب معتبره منقول است که برای تب این تعویذ را بنویسد و بر بازوی راست بنهد سوره حمد را تا آخر بنویسد و بعد از آن بنویسد بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ اَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ التّٰمَّاتِ كُلِّهَا الَّتِي لَا يُجَاوِزُ هُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَ ذَرَاءَ وَ بَرَاءَ وَ مِنْ شَرِّ الِهَامَةِ وَ السَّامَةِ وَ الْعَامَةِ وَ الَّلَامَةِ وَ مِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ مِنْ شَرِّ فُسَّاقِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ وَ مِنْ شَرِّ فُسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ وَ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَ شَرِّكَهِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَبَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ رَبِّي عَلِي صِرْطٍ مُسْتَقِيمٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَ لَيْلِكَ اَنْبْنَا وَ اَلَيْكَ الْمَصِيرُ يَانَا كُونِي بَرِّدَا وَ سَلَامَا عَلِي اِبْرَاهِيمَ وَ آرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمْ الْاَخْسَرِينَ بَرِّدَا وَ سَلَامَا عَلِي فَلَانِ ابْنِ فُلَانَةَ وَ نَامَ بِيَمَارٍ وَ مَادَرَشَ نُوْشْتَه شُوْد رَبَّنَا لَا تُؤْ اَخِذْنَا اِنْ نَسِينَا اَوْ اَخْطَاْنَا رَبَّنَا وَ لَا تُحْمِلْ عَلَيْنَا اِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلِي الْاَذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَ لَا تُحْمَلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ اعْفُ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنَا وَ اَرْحَمْنَا اَنْتَ مَوْلَا نَا فَانصُرْنَا عَلِي الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيْلًا وَ تَوَكَّلْ عَلِي الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوْتُ وَ سَبَّحْ بِحَمْدِهِ وَ كَفِّي بِهِ بِذُنُوْبِ عِبَادِهِ خَبِيْرًا بَصِيْرًا اِلَّا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ حَذِّهْ لِاشْرِيْكَ لَهُ صَدَقَ وَ عَدَّهُ وَ نَصَرَ عِبْدَهُ وَ هَزَمَ الْاَحْزَابَ وَ حَذِّهْ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ كَتَبَ اللّٰهُ لِاَعْلِيْنَ اَنَا وَ رُسُلِي اِنَّ اللّٰهَ قُوِي عَزِيْزٌ اِنْ حِزْبَ اللّٰهِ هُمُ الْغَالِبُوْنَ وَ مَنْ يَعْصِمِ بِاللّٰهِ فَقَدْ هُدِيَ اِلَي صِرْطٍ مُسْتَقِيْمٍ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلِي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِيْنَ.

از سلمان فارسی منقول است که گفت بعد از وفات حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم بعد از ده روز از خانه بیرون آمدم، در راه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را ملاقات کردم، فرمود که برو بنزد حضرت فاطمه علیهما السلام که تحفه از بهشت برای او آمده می خواهد بتو عطا فرماید، بتعجیل بخدمت آن حضرت شتافتم فرمود که دیروز در همین موضع نشسته بودم، در خانه بسته و غمگین بودم، فکر میکردم در منقطع شدن وحی الهی از ما و نیامدن ملائکه بسوی ما، ناگهان دیدم که در گشوده شد و سه دختر باندرون آمدند، که کسی بحسن و جمال و طراوت و نزاکت و خوشبوئی ایشان هرگز ندیده است، چون ایشانرا دیدم برخاستم و سؤال کردم که شما از اهل مدینه اید؟ گفتند دختر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم ما از اهل زمین نیستیم، ما را پروردگار عزت از بهشت جاوید بسوی تو فرستاده و بسیار مشتاق تو بوده ایم. از یکی که بزرگتر ایشان می نمود پرسیدم که چه نام داری، گفت مقدوده گفتم بچه سبب تو را نام این کرده اند، گفت بجهت آنکه از برای مقدادبن اسود خلق شده

ام ، پس از دیگر پرسیدم که تو چه نام داری گفت : ذره نام دارم از سبب نام پرسیدم ، گفت  
 زیرا که از برای ابوذر غفاری خلق شده ام . از سیم ایشان پرسیدم که چه نام داری گفت سلمی ،  
 از سبب آن پرسیدم ، گفت زیرا که از برای سلمان فارسی آزاد کرده پدر تو خلق شده ام ،  
 حضرت فاطمه علیهما السلام فرمود که پس از برای من چه آوردید؟ رطبی چند بیرون آوردند،  
 مانند گردهای نان بزرگ از برف سفیدتر و از مشک خوشبوتر، پس سلمان گفت حضرت  
 فاطمه یکی از آن رطبهها بمن داد، و فرمودند که امشب باین رطب افطار کن و فردا هسته آنرا  
 برای من بیاور پس آن رطب را گرفتم ، بیرون آمدم ، بهر جمعی از اصحاب رسول صلی الله  
 علیه وآله وسلم که می گذشتم ، می پرسیدند، که ای سلمان مگر مشک همراه داری می گفتم  
 بلی پس چون وقت افطار شد تناول کردم ، هیچ هسته نداشت روز دیگر بخدمت حضرت  
 فاطمه رفتم و عرض کردم که هسته نداشت ، فرمود که چون هسته داشته باشد و حال آنکه این  
 رطب از درختی بهم رسیده است که حقتعالی آنرا در بهشت غرس فرموده است ، بسبب دعائی  
 که پدرم بمن تعلیم کرده است و هر صبح و شام می خوانم ، سلمان گفت ای سیده من آندعا را  
 تعلیم من فرما فرمود که اگر خواهی در دنیا باشی و آزار تب نیابی بر این دعا مواظبت کن ،  
 اینست دعا:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ نُورِ اللَّهُ نُورِ اللَّهُ نُورِ عَلِيٍّ نُورِ بَسْمِ اللَّهِ الَّذِي هُوَ  
 مَدَبْرُ الْأُمُورِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ النَّوْمَانَ مِنَ النَّوْرِ الَّذِي خَلَقَ النَّوْمَانَ مِنَ النَّوْرِ وَأَنْزَلَ النَّوْمَانَ  
 عَلِيٍّ الطُّورِ فِي كِتَابِ مَسْطُورٍ فِي رِقِّ مَنْشُورٍ بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ عَلِيٍّ نَبِيِّ مَحْبُورٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ  
 بِالْعِزِّ مَذْكُورٌ وَبِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ وَعَلِيٍّ السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ مَشْكُورٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
 الطَّاهِرِينَ سلمان گفت که ایندعا را بزیاده از هزار نفر از اهل مکه و مدینه که تب داشتند، تعلیم  
 کرده و همه از تب تجات پیدا کردند.

در حدیث حسن منقول است که بعضی از فرزندان حضرت امام جعفر صادق بیمار شدند،  
 حضرت فرمود که ایندعا را بخوان **اللَّهُمَّ اشْفِنِي بِشَفَائِكَ وَدَاوِنِي بِدَوَائِكَ وَعَافِنِي مِنْ بَلَائِكَ فَإِنِّي**  
**عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ** از برای تب ربع منقول است که این را بنویسند و بر او ببندند یا نار گونی  
 بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ اِبْرَاهِيمَ.

در روایت دیگر این دعا را بر بازوی راستش ببندند **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَلَوْ أَنَّ فُرْنَا**  
**سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلَّمَ بِهِ الْمَوْتِي بَلْ لِيهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا يَا شَافِي يَا كَافِي**  
**يَا مُعَافِي وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ بِاسْمِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ** و نام او و پدرش را بنویسد **بِسْمِ اللَّهِ**  
**وَبِاللَّهِ وَعَنْ اللَّهِ وَآلِي اللَّهِ وَلَا غَالِبَ إِلَّا اللَّهُ** و از برای تب و لرز این آیات را بنویسند، و بر

بازوی بیمار ببندند بِسْمِ اللّٰهِ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَّحْجُورًا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ اِبْرَاهِيمَ اَلَا اِنَّ حِزْبَ اللّٰهِ هُمُ الْغَالِبُونَ وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ اِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ وَنَا اِنَّا جُنْدُنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ.

### فصل پنجم : در ادعیه جامعه و ادویه مرکبه نافع

در حدیث معتبر از حضرت صادق منقول است که هر دردی که داشته باشی دست را بر موضع درد گذار و سه مرتبه بگو **اللَّهُ اللَّهُ رَبِّيَ حَقًّا لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا اللَّهُمَّ أَنْتَ لَهَا وَلِكُلِّ عَظِيمَةٍ فَقَرِّجْهَا عَنِّي** و در روایت معتبر دیگر فرمود که بگو **بِسْمِ اللّٰهِ وَبِمَالِ دَسْتِ بَرِ اَنْمَوْضِعِ كِه دَرْدِ مِي كِنْدِ بَكُو اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِجَلَالِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِعَظْمَةِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِجَمَعِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِرَسُوْلِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ مِنْ شَرِّ مَا اَحْدَرُ وَمِنْ شَرِّ مَا اَخَافُ عَلَيَّ نَفْسِي** هفت مرتبه می گوئی .

در روایت دیگر فرمود که دست را بر موضع درد بگذار و بگو **بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اَمْسَحْ عَنِّي مَا جُدُّ وَ سَهْ مَرْتَبَه دَسْتِ بَرِ اَنْمَوْضِعِ مِي كِشِي .**

در روایت دیگر فرمود که دیگری دست بر محل درد بگذارد، هفت نوبت و اقلش سه نوبت بگوید **اِيْهَا الْوَجْعُ اسْكُنْ بِسَكِيْنَةِ اللّٰهِ وَ قَرِّ بوقارِ اللّٰهِ وَ اَحْجِزْ بِحَاجِزِ اللّٰهِ وَ اَهْدِءَ بِهْدَاءِ اللّٰهِ اءَعِيْذُكَ اءَبِيْهَا اِلَّا نَسَانُ بِمَا اَعَادَ اللّٰهُ بِه عَرَشَهُ وَ مَلَايِكَتَهُ يَوْمَ الرَّجْفَةِ وَ لَزَلَا زَل .**

در روایت معتبر فرمود که برای هر آزار ایندعا بخوان **يَا مُنْزِلَ السَّفَاءِ وَ مُذْهَبِ الدَّاءِ اَنْزِلْ عَلَيَّ مَا بِي مِنْ دَاءٍ شِفَاءً .** از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که هر که برسد بر او المی در بدنش این دعا بخواند تا هیچ المی و دردی باو نرسد **اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَ قُدْرَتِهِ عَلَيَّ الْاَشْيَاءِ اَعِيْذُ نَفْسِي بِجَبَّارِ السَّمَاءِ اَعِيْذُ نَفْسِي بِمَنْ لَا يَضْرُمَعُ اِسْمِهِ دَاءٌ اَعِيْذُ نَفْسِي بِالَّذِي اِسْمُهُ بَرَكَةٌ وَ شِفَاءٌ .**

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که دردی بهم رساند، دست را بر موضع درد گذارد، و باخلاص بگوید **وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ وَ لَا يَزِيْدُ الظَّالِمِيْنَ اِلَّا خَسَارًا** البته عافیت یابد، از هر علتی که باشد.

در حدیث دیگر فرمود که هر که را سوره حمد و قل هو الله احد شفا ندهد هیچ چیز او را شفا نمی دهد.

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هرگاه کسی آزاری در خود بیابد بگوید **بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيَّ رَسُوْلِ اللّٰهِ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ وَ اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَ قُدْرَتِهِ عَلَيَّ مَا يَشَاءُ مِنْ**

شَرَّ مَا عَجِدُ.

در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت آنحضرت رفت ، شکایت کرد از بسیاری بیماری و پریشانی ، فرمود که این دعا بخوان **لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبَّرَهُ تَكْبِيرًا.**

در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت موسی بن عمران بحقیقتعالی شکایت کرد، از غلبه رطوبت ، حقیقتعالی او را امر فرمود، که هلیله و بلبله و آمله را بسایید و با عسل خمیر کند و بخورد، حضرت فرمود این است که شما اطریفل می گوئید. در طب الائمه روایت کرده است که شخصی بخدمت حضرت امام علی نقی علیه السلام آمد و عرض کرد که در همسایگی ما شخصی را عقرب گزیده است ، بیم آنست که هلاک شود ، فرمود که بخوراند باو دوائی جامع را که از حضرت امام رضا علیه السلام بما رسیده است ، پس فرمود که سنبل و زعفران و قافله و عاقرقرحا و خریق سفید و بذربنچ و فلفل سفید همه مساوی یکدیگر و فرقیون در برابر هر یک از آنها بسیار نرم بکوبند، از حریر بیرون کنند، بعسلی که کفش را گرفته باشند خمیر کنند، کسی را که مار یا عقرب گزیده باشد یک حب آنرا با آب حلثیت باو بخوراند که در ساعت شفا یابد.

از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که از برای فالج و لغوه یک حب آن را با آب مرزنگوش در بینی بچکانند.

از حضرت امام محمد تقی علیه السلام نقل کرده است که از برای سردی معده و خفقان قلب نافع است که یک حب آنرا بآب زیره که پخته باشند بخورند.

در حدیث دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که از برای آزار سپرز یکحب آنرا بآب سرد و اندک سرکه بخورند.

در روایت دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده است که از برای درد پهلوی راست یک حب آن را بآب زیره پخته بخورند، و از برای درد پهلوی چپ یکحب آن را بآب ریشه کرفس که پخته باشند بخورند.

در حدیث دیگر فرمود که از برای اسهال یکحبش را بآب مورد پخته بخورند.

از حضرت امام محمدتقی علیه السلام رایت کرده است که یک حبش را با آب سداب یا بآب ترب پخته بخورند.

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که اگر مردم بدانند که در سنا چه

منفعتها هست ، هر آینه قیمت هر مثقالی دو مثقال طلا شود و بدرستیکه امان می بخشد از بهق و پیسی و خوره و دیوانگی و فالج و لغوه ، اگر با مویز سرخ بی دانه و هلیله سیاه همه اجزاء مساوی بعمل آورند، هر روز ناشتا بقدر سه درهم بخورند، در هنگام خواب نیز همین مقدار بخورند، این فوائد می بخشد و بهترین دواهاست .

در طب الائمه روایت کرده است از مغز خیار شنبر پاک کرده یک رطل بگیرند، در میان یک رطل آب یکشبانه روز بخیسانند، پس صاف کنند و با یک رطل عسل صافی و یک رطل آب به و چهل مثقال روغن گل سرخ ممزوج گردانند، و با آتش نرم بقوام آورند، از روی آتش بردارند و بگذارند تا سرد شود پس در آن فلفل و دارفلفل و قرفه و قرنفل و قاقله و زنجبیل و دارچینی و جوزبوا از هر یک سه مثقال گرفته و کوفته و پخته در آنچه سابق مذکور شد ممزوج کنند، در سبوی سبزی یا شیشه بکنند، در وقت حاجت در سه روز هر روز دو مثقال از آن ناشتا بخورند، از برای غلبه صفرا و سودا و بلغم در معده و قی و تب و ترکیدن دست و پا و زحیر و درد شکم و درد جگر و حرارت سر و یرقان و تبهای شدید و درد شانه و دگر نافع باشد، بعد از آن باید که پرهیز کنند از خرما و ماهی و سرکه و سبزیها و غذا آش اماج باشد، با روغن کنجد و دوائی دیگر نقل کرده است ، که از هلیله سیاه و هلیله زرد و سقمونیا از هر یک شش مثقال و از فلفل و دارفلفل زنجبیل خشک و زنیان و خشخاش سرخ و نمک هندی از هر یک چهار مثقال و از نار مشک و قاقله و شقاقل و چوب بلسان و دانه بلسان و سلیمخه مقشر و علك رومی و عاقرقرحا و دارچینی از هر یک دو مثقال مجموع دواها را با یکدیگر بکوبند، بپزند و سقمونیا را جدا بکوبند، بپزند و هشتاده و پنج مثقال شکر پنیر را در پاتیل آب کنند، قدری از عسل نیز در آن بریزند و آن اجزاء را با اینها معجون سازند، در وقت حاجت دو مثقال از آن را ناشتا و دو مثقال در وقت خواب بخورند نافع است ، برای قوت جماع و سردی را از مفاصل و سلس البول و طپیدن دل و تواتر نفس و امتلاهی معده و کرم معده و دل را جلا میدهد، اشتهاهی طعام می آورد، درد سینه و زردی چشم و زردی رنگ و یرقان و غلبه تشنگی را میبرد، برای تب و لرز و دردهای کهنه و دردسر و بی دمانی نافع است .

بسندهای دیگر روایت کرده است روزی فرعون بنی اسرائیل را همگی ضیافت کرد و زهر در طعام ایشان داخل کرد که ایشان را هلاک کند، حقتعالی این دوا را بحضرت موسی علیه السلام فرستاد و چون خوردند از زهر بایشان آسیبی نرسید جبرئیل گفت که قدری سیر مقشر بگیر و بشکن و نرم بکوب که در پاتیل بینداز و از روغن گاو آن قدر بر آن سیرها بریز که بپوشاند آنها را و آتش نرم آنقدر در زیر پاتیل بسوزان که آن سیرها آن روغن را بخورد و از

روغن چیزی نماند پس همان مقدار شیرگاو تازه زائیده بر کن بریز و آتش نرم آنقدر برافروز که از آن شیر هم چیزی نماند پس همانقدر عسل مصفی که مومش را گرفته باشند در پاتیل بریز آنقدر بسوزان که آن را هم بخورد پس از سیاه دانه ده درهم و از فلفل و مرزنگوش هر کی پنج درهم بگیر و نرم بکوب و در پاتیل بریز و برهم بزن تا مخلوط شود بآن سیر پس ظرفی را بگیر و اندرون آن را بروغن گاو چرب کن و این دوا را در آن بریز و در میان جو یا خاکستر چهل روز پنهان کن و هر چند کهنه تر شود نیکوتر میشود و فرمود که نافع است برای دفع لغوه کهنه و تازه ، کسی را که سرما زده باشد و برای سبل چشم و در پا وضعف معده و صرع و غش اطفال و ترسیدن زنان در خواب و زرداب و خوره و زیادتیی بلغم و دفع سم گزیدن مار و عقرب و فرمود که : چون یکماه بر این دوا بگذرد، برای درد دندان و امراض بلغمی بقدر نصف گردکان ناشتا بخورد، چون دوماه بر او بگذرد برای تب و لرز و آزارهای چشم نافع است ، چون سه ماه بر آن بگذرد برای صفرا و بلغم سوخته و جمیع مرضهای صفرا و ناشتا خوردن نافع است ، چون چهار ماه بگذرد برای تاریکی چشم و تنگی نفس نافع است ، چون پنج ماه بر آن بگذرد، کسیکه درد سر داشته باشد بقدر نیم عدس از این دوا با روغن بنفشه ممزوج گردانیده در بینی بچکاند، چون شش ماه بر آن بگذرد کسیکه درد شقیقه داشته باشد بقدر یک عدس از آن با روغن بنفشه مخلوط گردانیده و در بینی بچکاند، از آن جانبی که درد میکند در اول روز و چون هفت ماه بر آن بگذرد برای دفع بادی که در گوش بهم میرسد بقدر یک عدس با روغن گل سرخ ممزوج ساخته در گوش چکاند، در اول روز و در هنگام خواب و چون هشت ماه بگذرد آنرا با آب خوردن برای دفع خوره نافع است ، چون نه ماه بگذرد نافع است برای غلبه خواب و هذیان گفتن در خواب و ترس و بیم باید که با روغن ترب ناشتا و در وقت خواب بقدر یک عدس خورده شود، چون ده ماه بگذرد برای غلبه صفرا و تبهای اندرونی و اختلال عقل بقدر یک عدس با سرکه بخورند، برای سفیدی چشم ناشتا در وقت خواب بخورند، چون یازده ماه بر آن گذشت از برای سودائی که این کس را بترس و وسواس میاندازد، بقدریک نخود با روغن گل سرخ ناشتا و بقدریک نخود بی روغن در هنگام خوابیدن بخورد، چون دوازده ماه بگذرد از برای فالج کهنه و تازه بآب مرزنگوش بقدر یک نخود بخورد و با روغن زیت نمک بر پا بمالد در وقت خواب و از سرکه و شیر و ماست و سبزیها و ماهی اجتناب نماید، چون سیزده ماه بگذرد بقدر یک نخود از آن با آب سداب حل کند و در اول شب بخورد نافع است ، برای درد اندرون و خندیدن بی سبب و با ریش بازی کردن و اگر چهارده ماه بگذرد، برای دفع ضرر زهرها نافع است ، اگر زهری باو خورانیده باشند تخم بادنجان را

بکوبند و بجوشانند و صاف کنند، با يك نخود از این دوا در سحر بخورند و آب نیم گرم از عقبش بخورند، سه شب یا چهار شب . چون پانزده ماه بگذرد برای دفع سحر و بادهای نافع است ، چون شانزده ماه بگذرد بقدر نیم عدس آن را به آب باران تازه حل کرده بدیده کسی بکشد که نور بینائی چشمش کم شده باشد، در بامداد و شام و وقت خواب تا چهار روز، اگر برطرف نشود، تا هشت روز. چون هفده ماه بگذرد، برای دفع خورد يك گلوله از آن با روغن پاچه گاو ناشتا و در وقت خواب بخورند و بقدر يك حبه اش را بر بدن بمالند و اندکی رابا روغن زیت یا روغن گل سرخ در بینی بچکانند، در آخر روز در حمام . چون هیجده ماه بگذرد، برای دفع بهق آنجا را سوزن بزنند، که خون در آید و بقدر يك نخود با روغن بادام تلخ یا روغن صنوبر بخورند اندکی را در بینی بچکانند، با نمک در آن محل بمالند، چون نوزده ماه بگذرد اگر آب انار شیرین را گرفته به قدر يك دانه جواز حنظل و با يك نخود از این دوا ناشتا بخورند، برای دفع سهو و فراموشی و بلغم سوخته و تب کهنه نافع است .

چون بیست ماه بگذرد به قدر يك عدس از آن گرفته با آب حل کند، برای سنگینی گوش در گوش بچکانند، اگر نفعی ظاهر نشود، در روز دیگر باز بچکاند و اندکی بر کله سرش بریزند و از برای صاحب مرض سرسام با آب انار ترش نافع است .

در حدیث دیگر روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام مثل این دوا را جبرئیل برای حضرت رسول صلی الله علیه آله وسلم آورد، و فرمود که چهار رطل از سیر مقشر بگیرند، در پاتیل کنند، چهار رطل شیر گاو بر آن بریزند بپزند آنقدر که شیر نماند باز چهار رطل روغن گاو بر آن بریزند، آنقدر بجوشانند که روغن نماند، پس بقدر دو درهم بابونه بر آن بپاشند و برهم بزنند تا خوب بقوام آید و در کوزه کرده سرش را ببندند، در میان جو یا خاک پنهان کنند، در مدت ایام تابستان و در زمستان بیرون آورند، در بامداد بقدر يك گردکان بخورند، برای هر دردی منفعت داشته باشد.

کلینی در حدیث معتبر روایت کرده است که اسمعیل بن الفضل شکایت کرد بخدمت حضرت صادق علیه السلام از قراقرم معده و اینکه طعام در معده هضم نمیشود، حضرت فرمود که چرا نمیگیری آن نیبذیرا که ما میخوریم و باعث هضم طعام میشود و قراقرم و بادهای شکم را دفع میکند؟ پس فرمود که یکصاع از مویز بگیر و دانه اش را بیرون کن و پاک بشوی و در ظرف کن و آنقدر آب بر آن بریز که همه را بپوشاند، و در زمستان سه شبانه روز بگذرد و در تابستان يك شبانه روز پس صاف کن و آب صافش را در دیگ کن و آنقدر بجوشان که دو حصه برود و يك حصه بماند، پس نیم رطل عسل در دیگ بریز و آنقدر بجوشان که آنقدر شود

که پیش از غسل ریختن شده بود، پس زنجبیل و خولنجان و دارچینی و زعفران و قرنفل و مصطکی را بگیر و همه را بکوب و درمیان دیگر بینداز که چند جوشی بزند، پس دیگ را پائین گذار تا سرد شود، صاف کن و هر صبح و پسین قدری از آن بخور. روای گفت چنان کردم و آزارم بر طرف شد.

### فصل ششم : در معالجه دردم و شقیقه و زکام و صرع و اختلال دماغ و تصرف جن

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که برای دفع درد سر و نصف سر ایندعا را بنویسد و بر آنجانب که درد میکند بیاویزد **اللَّهُمَّ أَنْتَ لَسْتَ بِأَلِهٍ اسْتَحَدَ ثَنَاهُ وَلَا رَبَّ بِيَبْدُ ذِكْرُهُ وَلَا مَعَكَ شِرْكَاءُ يَقْضُونَ مَعَكَ وَلَا كَانَ قَبْلَكَ إِلَهٌ نَدْعُوهُ وَنَتَعَوَّذُ بِهِ وَنَتَضَرَّعُ إِلَيْهِ وَنَدْعُكَ وَلَا آعَانِكَ عَلَي خَلْقِنَا مِنْ أَحَدٍ فَتَشْتَكُ فِيكَ لِإِلَهِ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لِاشْرِيكَ لَكَ عَافِ فُلَانِ بْنِ فُلَانَةٍ وَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ.**

در روایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول که هر که درد سر داشته باشد، یا بولش بند شده باشد دست بر جای درد بگذارد و بگوید **أَسْكُنْ سَكْنَتَكَ بِالَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.**

از حضرت امام علی نقی علیه السلام منقول است که برای درد سر این آیه را بر قدهح آبی بخواند و بخورد **وَأَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ.**

در حدیث معتبر منقول است که حبیب سیستانی شکایت کرد، بحضرت باقر علیه السلام که هفته دو مرتبه مرا درد شقیقه میگیرد، فرمود که بگذار دست را بر آنجانب که درد میکند و سه مرتبه بگو

**ياظاهرا موجودا ويا باطنا غير مفقود اردد علي عبدك الضعيف ايديك الجميلة عنده و اذهب عنه ما به من اذي انك رحيم ودود.**

در حدیث دیگر فرمود که برای دفع درد سر دست بر سر بمالد و هفت نوبت بگوید **اعود بالله الذي سكن له ما في البر والبحر وما في السموات والارض وهو السميع العليم.**

در روایت دیگر منقول است که برای دفع درد گوش دست بر گوش بمالد و هفت مرتبه این دعا بخواند.

در روایت دیگر فرمود برای دفع درد سر دست را بر بالای سر بگذارد، بگوید **لو كان معه الهة كما يقولون اذا لاتبغوا الي ذي العرش سبيلا و اذا قيل لهم تعالوا الي ما انزل الله و الي الرسول راءيت المنافقين يصدون عنك صدودا.**



در حدیث معتبر منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و گفت من سفر بسیار میکنم و در جای هولناک بسر میبرم چیزی بمن تعلیم فرما که نترسم حضرت فرمود که چون چنین جایی وارد شوی دست را بالای سر بگذارد باواز بلند بگو، **أَفْعَيْرَ دِينَ اللَّهِ تَبْعُونَ** وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَاللَّيْلَةُ تُرْجَعُونَ آن شخص گفت که در بیابانی وارد شدم که میگفتند جن در آنجا بسیار است ، شنیدم که کسی میگفت که بگیریدش این آیه را من خواندم که دیگری جواب گفت که چگونه بگیریمش و حال آنکه پناه بآیه کریمه طیبه برده است .

در حدیث دیگر منقول است که شخصی بآن حضرت شکایت کرد، که پسری دارم و گاهی او را باد جن وام الصبیان میگیرد. بحدیکه از او نامیدمیشوم ، فرمود که هفت مرتبه سوره حمد را با مشك و زعفران بر ظرفی بنویس و بآب بشوی و تا یکماه از آن آب بده بخورد، شفا یابد راوی گفت که یکمرتبه که خورد برطرف شد.

در حدیث دیگر فرمود که کسیرا که صرع بگیرد بر او بخوانید ایندعا را **عَزَمْتُ عَلَيْكَ يَا رِيحُ بِالْعَزِيمَةِ الَّتِي عَزَمَ بِهَا عَلِيٌّ بَنُ أَبِيطَالِبٍ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيٌّ جِنِّ وَاوِي الصَّبْرَةِ فَاجَابُوا وَاَعْطَاوْا لِمَا اَجَبْتَ وَاَطَعْتَ وَاَخْرَجْتَ عَن فُلَانِ بَنِ فُلَانَةَ السَّاعَةَ.**

در روایت دیگر منقول است که شخصی را اختلال دماغ بهم رسیده بود، حضرت فرمود هر شب در هنگام خواب این دعا بخوان **بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اَمْنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ اَللَّهُمَّ احْفَظْنِي فِي مَنَامِي وَفِي يَقْظَتِي اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَجَلَالِهِ مِمَّا اَجْدُ وَاُخْذَرُ.**

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که کسی را باد جن گیرد، بر او سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق هر يك را ده مرتبه بخوانند، این سوره را در جامی با مشك و زعفران بنویسند و باو بخوراند، در آب وضو و غسلش داخل کنند.

در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام شخصی را دیدند که صرغش گرفته است قدح آبی طلبیدند و سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق بر آن آب خواندند، بر سر و روی او پاشیدند بهوش آمد.

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که در خانه که جنیان سنگ میاندازند صاحب خانه آن سنگ را بردارد، بگوید: **حَسْبِيَ اللَّهُ وَكَفَى اللَّهُ لِمَنْ دَعَا لَيْسَ وَرَاءَ اللَّهِ مُنْتَهَى .**

از حضرت رسول صلی الله علیه آله وسلم منقول است که برای درد سر روغن گشنیز را در بینی بچکاند، خوب شود و شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد، از در دسر

فرمود که بحمام برو و پیش از آنکه داخل آب شوی هفت جام آب گرم بر سر بریز و در هر مرتبه **بِسْمِ اللّٰهِ** بگو.

منقول است که شخصی بحضرت امام رضا علیه السلام شکایت کرد که سردی عظیم در سر خود مییابم ، بدیکه اگر باد بر آن بوزد بیم آنست که غش کنم ، فرمود که روغن عنبر و روغن زنبق بعد از طعام خوردن بدماغ بچکان .  
در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هیچیک از فرزندان آدم نیست مگر آنکه در او دو رگ هست يك رگ بر سرش که خوره را بحرکت میآورد، دیگری در بدنش که پیسی را بحرکت می آورد، پس چون آن رگ سرکه بحرکت میآید خدایتعالی زکام را بر او مسلط میگرداند، که دردهای سر را میکشد و اگر آن رگ بدن بحرکت میآید، حق تعالی دمل را بر آن مسلط می گرداند که دردهای بدنرا میکشد، پس کسیکه دمل و زکام بهم رساند خدا را شکر کند.

در روایت دیگر فرموده است که زکام لشکری است از لشکرهاي خدا می فرستد که دردهای بدن را برطرف کند.

در چند روایت دیگر وارد شده است که زکام را علاج نباید کرد.

در روایت دیگر از آنحضرت وارد شده است ، در معالجه زکام که پنبه را بروغن بنفشه آلوده کند، در وقت خواب بر مقعد خود گذارد، در روایت دیگر فرمود، که يك دانك سیاه و نیم دانك دانه کندس را نرم بکوبند، در دماغ بدمند زکام را برطرف میکند.

### فصل هفتم : در معالجه سایر امراض و درد سر و گلو

در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین منقول است که هرگاه چشم کسی آزرده باشد باید که آیه الكرسي بخواند، باعتقاد درست که البته شفا مییابد.

در روایت معتبر دیگر منقول است که حضرت صادق علیه السلام بشخصی فرمود که میخواهی دعائی بتو تعلیم نمایم که برای دنیا و آخرت تو نافع باشد و درد چشم تو را زایل کند؟ گفت بلی فرمود که بعد از نماز صبح و نماز شام مداومت کن بر ایندعا **اللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَّ اَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِيْ بَصْرِيْ وَّالْبَصِيْرَةَ فِيْ دِيْنِيْ وَّالْيَقِيْنَ فِيْ قَلْبِيْ وَّالْاِخْلَاصَ فِيْ عَمَلِيْ وَّالسَّلَامَةَ فِيْ نَفْسِيْ وَّالسَّعَةَ فِيْ رِزْقِيْ وَّالشُّكْرَ لَكَ اَبَدًا مَا اَبْقَيْتَنِيْ .**

در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه آله وسلم برای درد چشم ایندعا میفرمودند، که بخوانند **اللّٰهُمَّ مَتَّعْنِيْ بِسَمْعِيْ وَبَصْرِيْ وَاجْعَلْهُمَا الْوَارِثِيْنَ مِنِّيْ وَاَنْصُرْنِيْ عَلَي مَنْ**

ظَلَمَنِي وَآرَنِي فِيهِ ثَارِي . در روایت دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد دید که چشم آن حضرت آزار عظیم دارد، روز دیگر بخدمت آنحضرت رفت دید که هیچ آزار نمانده است از سبب آن پرسید، فرمود که این تعویذ را خواندم **أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ أَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ أَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللَّهِ أَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ أَعُوذُ بِجَمَالِ اللَّهِ أَعُوذُ بِكَرَمِ اللَّهِ أَعُوذُ بِبَهَاءِ اللَّهِ أَعُوذُ بِغُفْرَانِ اللَّهِ أَعُوذُ بِحُكْمِ اللَّهِ أَعُوذُ بِذِكْرِ اللَّهِ أَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ أَعُوذُ بِأَلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا أَجِدُ فِي عَيْنِي وَمَا أَخَافُ وَأَحْذَرُ اللَّهُمَّ رَبَّ الطَّيِّبِينَ أَذْهَبْ ذَلِكَ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَفُؤَادِكَ.**

این شهر آشوب روایت کرده است که مرد کوری شنید که حضرت امیرالمؤمنین این دعا را میخواندند آن شخص بخانه رفت و وضو ساخت و نماز کرد و بعد از نماز این دعا را خواند، چون باین موضوع رسید که **أَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِي** دیده اش بینا شد دعا این است **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا رَبَّ الْأَرْوَاحِ الْفَانِيَةِ وَرَبَّ الْأَجْسَادِ الْبَالِيَةِ أَسْأَلُكَ بِطَاعَةِ الْأَرْوَاحِ الرَّاجِعَةِ إِلَى أَجْسَادِهَا وَبِطَاعَةِ الْأَجْسَادِ الْمُتَنِمَّةِ إِلَى أَعْضَائِهَا وَبِإِشْقَاقِ الْقُبُورِ عَنْ أَهْلِهَا وَيَدْعُوكَ الصَّادِقَةَ فِيهِمْ وَأَخَذَكَ بِالْحَقِّ بَيْنَهُمْ إِذَا بَرَزَ الْخَالِقُ يَنْظُرُونَ قَضَاءَكَ وَيَرَوْنَ سُلْطَانَكَ وَيَخَافُونَ بِطَشْتِكَ وَ يَرْجُونَ رَحْمَتَكَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ وَ يَوْمَ لَا يَغْنِي مَوْلِي عَنْ شَيْئٍ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ اسْأَلُكَ يَا رَحْمَنُ أَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِي وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَ ذِكْرَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلِي لِسَانِي أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.**

در روایت دیگر از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که شخصی بآنحضرت شکایت کرد از ضعف باصره گفت بمرتبّه رسیده است که شب کور شده ام ، فرمود که **آیه الله نور السموات والأرض** تا آخر مکرر در جامی بنویس و بآب محو کن و آبرا در شیشه کن و از میل بچشم بکش راوی گفت ، که کمتر از سه میل کشیدم بینائی من برگشت .

در حدیث معتبر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام که شفای چشم در خواندن سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و آیه الكرسي و کشیدن قسط و مرو کندر است و دعای درد گوش دردعاهای درد سر گذشت .

در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از سنگینی گوش فرمود، که دست بر گوش بکش و این آیات را بخوان **لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَي جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ حَشَاةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ هُوَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهِيمُنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمَنكَبِرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِيءُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.**

در روایت دیگر وارد شده است که برای درد گوش بروغن یاسمن یا روغن بنفشه هفت مرتبه بخواند **كَانَ لَمْ يَسْمَعَهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقَرَأَ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُوَّ أَدَّ كُلُّ أَوْلَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا** پس آن روغن را در گوش بچکاند از برای قطع رعاف منقول است که بر پیشانی او بنویسد **وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَائِكَ وَيَأَسْمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضُ الْمَاءِ وَفُضِي الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَيَّ الْجُودِي وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ.**

در روایت دیگر وارد شده است که این آیات را بخواند **مِثْلًا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِثْلًا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لِعَوجٍ لَهُ وَخَسَعَتِ الأصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَائِكَ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْسِبُ وَمَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ.**

منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از درد دهان فرمود که دست بر دهان بگذار و بگو **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ دَاءٌ أَعْوَدُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ الَّتِي لَا يَضُرُّ مَعَهَا شَيْءٌ فُذُوسًا فُذُوسًا بِاسْمِكَ يَا رَبَّ الظَّاهِرِ الْمُقَدَّسِ الْمُبَارَكِ الَّذِي مَنْ سَأَلَكَ بِهِ أَعْطَيْتَهُ وَمَنْ دَعَاكَ بِهِ أَجَبْتَهُ أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدِ النَّبِيِّ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تُعَافِيَنِي مِمَّا أَجِدُ فِي فَمِي وَفِي يَدِي وَفِي رِجْلِي وَفِي جَمِيعِ جَوَارِحِي كُلِّهَا.**

ابوبصیر شکایت کرد بحضرت امام محمد باقر علیه السلام از درد دندان ، گفت شبها از این درد بیدارم ، فرمود که هرگاه اثرش ظاهر شود دست را برجای درد بگذار و سوره حمد و سوره قل هو الله احد بخوان پس این آیه را بخوان **وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمْرُمَّرٌ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ.**

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که اینها را بخوان باسوره انانزلناه في ليلة القدر. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که برای دفع درد دندان دست بر موضع سجود بمالد، بر موضعی که درد میکند بمالد، و بگوید **بِسْمِ اللَّهِ الشَّافِي وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.**

در روایت دیگر منقول است که برای دفع درد دندان سوره حمد و **قُلْ اعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ وَقُلْ اعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** بخواند پس بگوید **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَلَهُ مَأْسَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ فُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَارْتُدُّوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ نُودِي أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ يَا كَافِي مَنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْكَ شَيْءٌ إِكْفِ عَبْدَكَ وَابْنَ أُمَّتِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَخَافُ وَيَحْذَرُ مِنْ شَرِّ الْوَجَعِ الَّذِي**

يَشْكُوهُ إِلَيْكَ.

در روایت دیگر منقول است که جبرئیل این تعویذ را برای حضرت امام حسین علیه السلام آورد بجهت دفع درد دندان که دست بر آن دندان که کرم خورده است، بگذارند و هفت نوبت بخوانند **الْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ لِذَابَةِ يَكُونُ فِي الْفَمِّ تَأْكُلُ الْعَظْمَ وَتَنْزُكُ اللَّحْمَ أَنَا أَرْقِي وَاللَّهُ الشَّافِي الْكَافِي لِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَأَدْفَعْتُمْ نَفْسًا فَادَارْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرَجٌ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ فَعَلْنَا اضْرِبُوهُ بَعْضُهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتِي وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ.**

در روایت دیگر میخی بگیرد و سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق هر یک را سه مرتبه بخواند پس بگوید **مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ يَا ضِرْسُ فَلان بن فلان و نام صاحب درد و پدرش را بگوید **أَكَلَتِ الْحَارَّ وَالْبَارِدَ أَفِي الْحَارِّ تَسْكُنِينَ أَمْ بِالْبَارِدِ تَسْكُنِينَ وَلَهُ مَسَكَنٌ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ شَدَدْتُ دَاءَ هَذَا الضَّرْسِ فَلان بن فلان بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ** پس میخ را در دیوار بکوبد و بگوید **اللله الله الله**.**

در روایت دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام موسی علیه السلام شکایت کرد، از گند دهان حضرت فرمود که در سجده بگو **يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ يَا إِلَهَ الْإِلَهَةِ يَا مَالِكَ الْمُلْكِ يَا مَلِكَ الْمُلُوكِ اِسْتَفْنِي بِشَفَائِكَ مِنْ هَذَا الدَّاءِ وَأَصْرِفْهُ عَنِّي فَإِنِّي عَبْدُكَ وَأَبْنُ عَبْدِكَ وَأَنْقَلِبُ فِي قَبْضَتِكَ** راوی گفت یکمرتبه ایندعا را در سجود خواندم و شفا یافتم.

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است دمبلان از گیاه بهشت و آبش برای درد چشم نافع است.

حضرت صادق علیه السلام فرمود که مسواک کردن آب ریختن چشم را زایل میکند، چشم را جلا میدهد.

در حدیث صحیح منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از آزار چشم، فرمود که دارویی بساز از جدوار و کافور و اجزا را مساوی یکدیگر بکن.

در روایت دیگر فرمود که ضعف چشم و خیالات را برطرف می کند.

در روایت دیگر فرمود که هنه فرنک برای دفع سفیدی که بر روی باصره بهم رسد نافع است.

در روایت معتبر از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که صبر سقوطی و کافور ریاحی رامساوی یکدیگر بسایند، از حریر بیرون کنند، ماهی یکمرتبه در چشم بکشند دردهای سرو چشم را می کشد.

از حضرت امام حسین علیه السلام منقول است که که شخصی از اصحاب خود را فرمود، که هلیله زرد با هفت دانه فلفل بسای و بپز و در دیده بکش.

در روایت دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از سفیدی که در چشم بهم رسیده بود، از درد دندان و درد مفاصل، فرمود که فلفل و دارفلفل از هر يك دو درهم و نشادر پاکیزه صاف یکدرهم و هر سه را خوب بسای و از حریر بیرون کن و در هر چشمی سه میل بکش و ساعتی صبر کن که سفیدی روی دیده را قطع می کند، گوشت چشم را پاک میکند، درد را ساکن میکند، پس چشم را بآب سرد بشوی بعد از آن سرمه سنگ بکش.

در روایت دیگر وارد شده است، که حضرت امیرالمؤمنین باسلامان و ابوذر فرمود که تا درد چشم دارید بر پهلوی چپ خوابید و خرما مخورید.

حضرت صادق علیه السلام فرمود که ماهی خوردن برای درد چشم زیان دارد، دست بر چشم مالیدن بعد از دست شستن بعد از طعام خوردن امان میدهد از درد چشم و در پنچشنبه و جمعه شارب و ناخن گرفتن از درد چشم امان میبخشد.

در روایت دیگر منقول است که شخصی شکایت کرد از درد گوش و گفت که چرك و خون از گوشم بسیار می آید، فرمودند که پنیر بسیار کهنه شده را يك قدری بگیر و نرم بکوب و با شیرزن ممزوج کن، بر روی آتش نرم گرم کن و چند قطره در گوشي که درد میکند بریز.

در روایت دیگر از برای درد گوش منقول است که يك کف کنجد پوست نکنده و يك کف خردل هر يك را علیحده بکوبند، با یکدیگر مخلوط کرده روغن بگیرند و روغن را در شیشه بکنند، سرش را بانگشتر آهن مهر کنند و هر وقت که خواهند دو قطره از آن در گوش بچکانند، پنبه در گوش بگذارند و سه روز چنین کنند تا شفا یابد.

در روایت دیگر وارد شده است که سداب را روغن زیت بپزند و چند قطره در گوش بچکانند. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که سداب برای درد گوش نافع است، و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که برای درد گلو چیزی نافعتر از خوردن شیر نیست.

بسنده معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که حضرت عیسی بشهری گذشتند، دیدند که مردم آنشهر روی های ایشان زرد و چشمهای ایشان کبود است، از بسیاری مرض بآنحضرت شکایت کردند، حضرت فرمود که شما گوشت را پیش از پختن نشسته می پزید و هیچ حیوانی از دنیا بدر نمیروند مگر آنکه جنابتی با او هست، بعد از آن گوشت را پیش از پختن شستند، بیماری ایشان برطرف شد.

حضرت عیسی علیه السلام بشهر دیگر گذشتند دندانهای ایشان ریخته بود، و روهای ایشان باد

کرده بود، فرمود که در وقت خواب دهانرا باز کنید و برهم مگذارید چنان کردند، آن علتها از ایشان زایل شد.

از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که برای درد دندان سعد را بر آن بگذارند، و فرمود سرکه که از شراب بعمل آورده باشند بن دندان را محکم می کند.

در حدیث معتبر منقول است که حمزة بن الطیار بخدمت حضرت آمد، آه می کشید حضرت پرسیدند که چه می شود ترا گفت دندانم درد می کند، فرمود که حجامت بکن، حجامت کرد، ساکن شد، بعد آن حضرت فرمود که دوائی به حجامت کردن و خوردن عسل نمی رسد.

در حدیث معتبر دیگر فرمود که برای درد دندان حنظل را بگیرد، پوستش را بکند، پس روغنش را بگیرد اگر دندانش را کرم خالی کرده باشد در میان آن دندان چند قطره از آن روغن بریزد و پنبه را بآن آلوده کرده در میان آن دندان بگذارد، بر پشت بخوابد تا سه شب چنین کند و اگر بن دندان درد کند در آن گوشی که در جانب آن دندان واقع است در چند شب هر شب دو قطره یا سه قطره بچکاند، باز فرمود هر که درد دهان داشته باشد یا خون از بن دندانش آید یا درد کند یا دهانش جوشیده باشد یا رنگ بسرخي گشته باشد يك حنظل تازه که رسیده باشد و زرد شده باشد بگیرد، و تمامش را بگل بگیرد، و سرش را سوراخ کند، و کاردی از آن سوراخ داخل کند و مغزش را بتراشد بهمواری که سوراخ نشود پس سرکه بسیار تندي که از شراب بعمل آورده باشند در آن سوراخ بریزد و بر روی آتش بگذارد که بسیار بجوشد، پس بردارد و هر وقت که احتیاج شود بقدر ناخني بگیرد، بردندنها و دهان بمالد و بعد از آن بسرکه مضمضه کند و اگر خواهد آنچه در میان حنظل است در شیشه یا ظرف دیگر خالی کند و هر چند آبش برطرف شود سرکه برویش بریزد و هر چند کهنه تر شود نفعش بیشتر است.

در حدیث معتبر منقول است که از ابراهیم بن نظام که گفت، دزدان مرا در راه گرفتند و پالوده گرم در دهانم ریختند، بعد از آن دهانم را پر از برف کردند، پس دندانهایم تمام ریخت پس حضرت امام رضا را در خواب دیدم که فرمود سعد در دهان بکن تا دندانهایت بروید بعد از چند گاه شنیدم که حضرت رضا بمحل ما وارد شده است و بخراسان می رود بخدمت آنحضرت رفتم و حال خود را عرض کردم همانرا فرمود، که در خواب فرموده بود چنان کردم دندانهایم روئید.

فصل هشتم: در معالجه خنازیر و قروح و جروح و ثالول و ثبود و خوره و پیسی و بهق و

امثال اینها

از علی بن نعمان منقول است که بحضرت امام رضا عرض کردم که ثالول بسیاری در بدنم بهم رسیده است ، باین سبب غمگین شدم حضرت فرمود که از براب هر ثالول هفت جو بگیر و بر هر جوی هفت نوبت اذوقعت الواقعة بخوان تا فَكَانَتْ هَبَاءً مَّنبِئًا و هفت نوبت بخوان وَيَسْئَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا لَا تَرِي فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا پس هر جوی را یکنوبت بر هر ثالولی بمال و مجموع جوها را در پارچه نوي ببند و سنگی بر آن ببند، در چاهی ببنداز، و بهتر آنستکه این کار در در تحت الشعاع بکنی راوی گفت چنین کردم بعد از يك هفته برطرف شده بود.

از حضرت صادق منقول است دست بر ثالول بمال و سه نوبت ایندعا را بخوان بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ لَاحَوْلَ وَ لَاقُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِیْمِ اَللّٰهُمَّ اَمْحُ عَنِّي مَا اَجِدُ.

در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که فرمود دختری در خانه ما خنازیر در گردنش بهم رسید، شخصی در خواب بمن گفت که بگو این دعا را مکرر بخواند یارو ف یارحیم یارب یاسیدی .

در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت صادق عرض کرد که گنده ماده در بدن من ظاهر شده است ، فرمود که سه روز روزه بدار و در روز چهارم در وقت زوال غسل بکن و بصحرا یا بام بلندی برو و چهار رکعت نماز بگذار، بهر سوره که خواهی و تاتوانی سعی کن در گریه و تضرع و حضور قلب و چون از نماز فارغ شوی جامه های خود را ببنداز و جامه کهنه پاکیزه بطریق لنگ بر خود ببند بر خاک بسجده برو و پهلوی راست خود را بر خاک بگذار و بازاری و خشوع بگو، یاواحد یاأحد یا کریم یا جبار یاقریب یامجیب یاأرحم الراحمین صلّ علی محمد و آل محمد و اکتشف م ا بی من مرض و البسني العافیة الکافیة الشافیة فی الدنیا و لا خرة و آمنن علی بنمّام النعممة و اذهب مابی فقد اذانی و غمّنی و فرمود وقتی نفع میکند که خاطرت مطمئن باشد و صاحب یقین باشی که تاءثیر میکند، آن شخص چنین کرد بزودی عافیت یافت .

در حدیث دیگر فرمود که هر ورمی که در بدن بهم رسد و ترسی که بحال بدی منتهی شود در وقتی که وضو داری برای نماز واجب پیش از نماز برای آن ورم بخوان این آیات را لَوْ اَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلٰی جِبَلٍ لَّرَأٰیْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ تا آخر سوره که اگر چنین کنی آن ورم بزودی ساکن شود، در کتاب مکارم الاخلاق این شکل را برای دفع آبله و کم بیرون آوردن نقل کرده است ، بهتر آنست که بترتیب عدد بنویسند.





در روایت دیگر فرمود که سوره یس را با عسل بنویس و بشوی و بخور تا برطرف شود.  
در روایت دیگر فرمود که سوره انعام را با عسل در ظرفی بنویس و بآب بشوی و بخور و در مکارم الاخلاق مذکور است، که برای پیسی و خوره این آیات را بنویس و بشوی و بخور و با خود نگاه دار بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ یَمْحُو اللّٰهُ مَا یَشَاءُ وَیُنَبِّئُکُمْ وَعِنْدَهُ اُمُّ الْکِتَابِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ فَاطِرِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ جَاعِلِ الْمَلٰٓئِکَۃِ رُسُلًا اُولٰٓئِیْ اُجْحَۃٌ مِّنِّیْ وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ بِاسْمِ فُلَانٍ بِنِ فُلَانٍ وَنَامِ اَوْ وَ مَادِرْشِ رَا بِنُوِیْسِدْ، از برای بهق بر آن موضع بنویسد، وَ اِنْ مِنْ شَیْءٍ اِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزَلُہٗ اِلَّا بِقَدْرِ مَعْلُوْمٍ هَلْ یَسْمَعُوْنَکُمْ اِذْ تَدْعُوْنَ اَوْ یَنْفَعُوْنَکُمْ اَوْ یَضُرُّوْنَ.

در روایتی منقول است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام برای صاحب جراحتی فرمود، که قدری از قیر تازه بگیر و همان قدر از پیه بز و هر دو را بر سبوی تازه بمال و بر روی آتش نرم بگذار از مابین وقت ظهر تا وقت نماز عصر پس پاره کتان کهنه بگیر و آن قیر را آن طلا کن و بروی جراحت بگذار و اگر جراحت را سوراخی داشته باشد کتان را فتیله کن و بقیر آلوده کن و در جراحت بگذار.

در حدیث معتبر منقول است که خراجی در بدن متوکل بیرون آمده بود که مشرف بر هلاک شد و اطبا جرات نمیکردند بیشتر بزند فتح بن خاقان وزیر متوکل بخدمت حضرت امام علی نقی علیه السلام فرستاد و حال متوکل را عرض کرد، حضرت فرمود که سرگین گوسفند که در زیر دست و پای گوسفندان سرشته میشود بگیرد و با گلاب مخلوط کنید و بر آن خراج بگذارید چون این خبر رسید اطبا خندیدند که این چه فایده میکند، وزیر متوکل گفت که آن حضرت داناترین خلق است آنچه فرموده است باید کرد، پس آنچه فرموده بود بعمل آوردند و دردش ساکن شد و بخواب رفت پس آن خراج گشوده شد و چرک بسیار دفع شد و شفا یافت.  
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چغندر را با گوشت گاو پختن و خوردن، پیسی را برطرف میکند.

در حدیث دیگر منقول است که شخصی شکایت کرد بآنحضرت از پیسی و بهق فرمود، که بحمام رو و حنا را با نوره مخلوط کن و بر آن موضع بمال که دیگر خواهی دید اثر آنرا.  
از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که گوشت گاو خوره و پیسی را زایل میکند.  
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هیچ چیز برای پیسی نافع تر نیست از تربت امام حسین علیه السلام با آب باران بخور و بر آن موضع بمال، فرمود که موی بینی امانست از خوره و تربت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم خوره را زایل میکند، فرمود از کسیکه خوره یا پیسی داشته باشد بگریزید و بر نظر بایشان مکنید و با ایشان معاشرت ننمائید،

که سرایت میکند.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که در هر جمعه شارب گرفتن امان میدهد از خوره و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که هیچکس نیست مگر آنکه رگ خوره در بدن او هست و آنرا میگذارد خوردن شلغم .

در حدیث دیگر منقول است که شخصی بآنحضرت عرض کرد که ماده طاعون در بدن من ظاهر شده است ، فرمود که سیب بخورد آن شخص خورد عافیت یافت .

### فصل نهم : در معالجه امراض اندرونی و قولنج و بادها و آزار معده و سرفه

منقول است که شخصی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد، از درد سینه حضرت فرمود، که طلب شفا بکن از قرآن زیرا که حق تعالی میفرماید، که **فیه شفاء لِمَا فی الصدور** یعنی در قرآن شفا هست برای آنچه در سینه هاست .

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم آمد، گفت برادرم از درد شکم آزار دارد، فرمود که بگو اندکی عسل با آب گرم بخورد، روز دیگر آمد، گفت خورد و نفع نکرد فرمود که برو و باز عسل بده بخورد و هفت مرتبه سوره حمد نزد او بخوان ، چون آن شخص رفت فرمود که برادرش منافق است ، باین سبب خوردن عسل او را نفع نبخشد.

در روایت دیگر منقول است که شخصی به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شکایت کرد، از درد شکم فرمود که آب بخور و این دعا را بخوان **یا الله یا الله یا رحمن یا رحیم یا رب الارباب یا الهه یا مالک الملوك یا سید السادات اثنونی بشفائک من کل داء و سقم فانی عبدک و ابن عبدک اعقلب فی قبضتک**.

در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از درد ناف فرمود، که دست بر آنموضع بگذار و سه مرتبه بگو **وأنه لکتاب عزیز لایائیة الباطل من بین یدیة ولا من خلفه تنزیل من حکیم حمید**.

در چند روایت وارد شده است که برای قولنج و درد شکم سوره حمد و **قل اعوذ برب الناس** و **قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد** را بر جامی با مشک و زعفران بنویسد و این دعا را نیز بنویسد، **اعوذ بوجه الله العظیم و بعزته التي لا ترام و بقدرته التي لا یمتنع منها شیء من شر هذا الوح و شر ما فیة و شر ما احذر منه** و بآب باران بشوید و بخورد، ناشتا یا در وقت خواب .

در روایت دیگر منقول است که برای فالج و جمیع بادها نافع است .

در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از

درد تهیگاه فرمود، که چون از نماز فارغ شوی دست بر موضع سجود بمال و بعد از آن بر موضع درد بمال و این آیات را بخوان **أَفْحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْتُمْ لِئِنَّا لَأَنْتَرَجِعُونَ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ** راوی گفت که چنین کردم ، بزودی بر طرف شد.

در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام که دت بر تهیگاه بمالد و سه مرتبه این دعا بخواند، **بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ امْحُ عَنِّي مَا أَجِدُ فِي خَاصِرَتِي** و در هر مرتبه دست بر آن موضع بکشد.

از حضرت علی بن الحسین علیه السلام منقول است که از برای دفع الم سپرز این آیات را بزعفران بنویسد، و بآب زمزم بشوید و بخورد **قُلْ ادْعُوا اللَّهَ وَأَعُوذُوا بِاللَّهِ أَيْ مَا تَدْعُوا قُلْهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَلَا تَجْهَرُوا بِصَلَاتِكُمْ وَلَا تُخَافِتُوا بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الدَّلِّ وَكَبَّرَهُ تَكْبِيرًا** و منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام شکایت کرد، از قراقر و صداها شکم و گفت ، بمرتبه آزار می کند که با کسیکه سخن میگویم ، شرمنده می شوم حضرت فرمود که چون از نماز شب فارغ شوی این دعا بخوان **اللَّهُمَّ مَا عَمِلْتُ مِنْ خَيْرٍ فَهَوِّمْنِي لِحَمْدِ لِي فِيهِ وَمَا عَمِلْتُ مِنْ سُوءٍ فَقَدْ حَذَرْتَنِيهِ فَلَا عُدْرَتِي فِيهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَعْتَكِلَ عَلَيَّ مَا لَا حَمْدَ لِي فِيهِ أَوْ أَمُنُ مَا لَا عُدْرَتِي فِيهِ**.

در روایت دیگر همین دعا برای دفع زحیر وارد شده است .

در حدیث دیگر منقول است که شخصی شکایت کرد به آنحضرت از پیچش شکم ، فرمود که آبی بگیر و این آیات را بر آن بخوان **يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ** سه مرتبه پس بگو **أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ** پس آن آبر را بخورد، دو دست بر شکم بمالد.

در روایت وارد شده است ، که این آیات را بر روغن بخواند، بر شکم بمالد **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَفَتَقْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمَرٍ وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قُدْرٍ وَحَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ الْوَاحِ وَدَسَّرْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ بِاسْمِ فَلَانَ بْنِ أَوْلَمَ يَرَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا تَا آخِرَ آيَةٍ** .

در حدیث دیگر منقول است که حضرت صادق در سفری بودند اسمعیل فرزند آنحضرت شکایت کرد، از درد شکم و درد پشت حضرت او را طلبید، فرمودند که بر پشت بخوابد و این

دعا را بر او خواند بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ بِصُنْعِ اللّٰهِ الَّذِي اِثْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ اِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ اَسْكُنْ يَارِيحُ بِالَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

در روایت دیگر منقول است که شخصی به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شکایت کرد از درد پشت فرمود که دست را بر آن موضع بگذار که درد دارد و سه مرتبه این آیه را بخوان و مَا كَانَ لِنَفْسٍ اَنْ تَمُوتَ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ كِتَابًا مُّوَجَّلًا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْاٰخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ هفت مرتبه سوره انا انزلناه بخواند.

در حدیث دیگر منقول است که مفضل بخدمت حضرت صادق آمد شکایت کرد، از تنگی نفس و گفت اندک راهی که میروم نفسم تنگ می‌گردد و می‌نشینم، فرمود که بول شتر بخور تا ساکن شود.

کلینی در حدیث حسن روایت کرده است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد، از سرفه و حضرت فرمود که قدری از انجدان رومی با همانقدر از نبات سفوف کن و یکروز یا دو روز بخور آن شخص گفت که یکروز خوردم بر طرف شد.

در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام موسی علیه السلام شکایت کرد، از مرض سل حضرت فرمود که سنبله و قاقله و زعفران و عاقرقرا و بذراالبنج و خربق و فلفل سفید اجزا را مساوی بگیر و فریون را دو برابر هر یک از اجزا بگیر و تمام اجزا را سائیده از حریر بیرون کن، با عسلی که کفش را گرفته باشند خمیر کن و بقدر یک نخود بآب گرم در سه شب بخور چنان کرد شفا یافت.

در روایت دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام رضا علیه السلام شکایت کرد، از سرفه فرمود که بگیر از فلفل سفید یک جزو و فریون دو جزو و خربق سفید یک جزو و سنبل یک جزو و قاقله یک جزو و زعفران یک جزو و بذراالبنج یک جزو و این اجزا را سائیده از حریر برون کن، مثل تمام اجزا، عسل کف گرفته را داخل کن خمیر کرده حبها بساز و از برای سرفه کهنه و تازه در وقت خواب بآب راز یانه نیم گرم بخور.

در حدیث معتبر منقول است که از حضرت امام جعفر علیه السلام پرسیدند، که آیا بحضرت عیسی علیه السلام میرسید در دهائیکه بفرزندان آدم میرسید فرمود که بلی در طفولیت بیماریهای مردم بزرگ باو میرسید، درد تهیگاه از دردهای بزرگان است، در طفولیت گاهی که او را عارض میشد بمادر خود میگفت که عسل و سیاه دانه و روغن زیت را با یکدیگر خمیر کن و از برای من بیاور، چون میآورد کراحت داشت از خوردن آن حضرت مریم میگفت چرا کراحت داری خود طلبیدی میگفت، که بعلم پیغمبری آن را طلب کردم و از برای

جزع طفولیت و بدمزه گی دوا کراحت دارم ، پس میگرفت و تناول میفرمود.

در چند روایت وارد شده که خوردن ریزه ها که از سفره میریزد، درد تهیگاه را بر طرف میکند.

در روایت معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که بخورید امروز را که دل را جلا میدهد و دردهای اندرونی را ساکن میکند.

در روایت دیگر فرمود که بخورید انجدان رومی را که درد تهیگاه را زایل میکند.

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حضرت حزقیل را قرحه در جگر بهم رسید، دعا کرد حق تعالی باو وحی فرمود که شیر انجیر را بگیر و برسینه خود از بیرون بمال چنان کرد آن آزار از او برطرف شد.

در روایت دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد، از شدت درد سپرز فرمود که پاره نقره بده و تره بخر و آن را با روغن عربی بپز و سه روز بخوران بهر که آزار سپرز دارد، که اگر خدا خواهد شفا مییابد.

کلینی بسند معتبر روایت کرده است که حضرت امام موسی علیه السلام عرض کردند که یکی از غلامان آنحضرت آزار سپرز دارد، فرمود که سه روز تره باو بخورانی چون سه روز خورد عافیت یافت .

از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که بخورید سرکه را که از شراب ساخته باشند که کرمهای معده را میکشد.

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که خرماي ناشتا خوردن کرم معده را میکشد.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که هفت دانه خرماي عجوه را در وقت خواب بخورد کرمهای معده اش را میکشد.

در چند حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است برای دفع اسهال که قدری از برنج بگیرند و بشویند و در سایه بخشکانند، بر روی آتش بو بدهند و نرم بکوبند، هر بامداد يك كف از آن بخورند.

در روایت دیگر از آنحضرت منقول است برای دفع اسهال که بزنج را در دیگ کن و بآب بجوشان و چهار یا پنج پارچه سنگ در زیر آتش بگذار، تا سرخ شوند و پیه قلوه تازه را بگیر و با آن سنگها در میان کاسه بینداز و کاسه دیگر بر سرش بگذار که بخارش بیرون نرود و حرکت ده تا آن پیه آب شود پس چون برنج پخته شود این روغن را برویش بریز و بخور.

در روایت دیگر منقول است که شخصی از زحیر شکایت کرد بحضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که گل ارمني را بگي و بر روي آتش ملایم بو بده و سفوف کن و بخور. در حدیث دیگر فرمود که بذر قطونا و صمغ عربي و گل ارمني را بو بده و سفوف کرده بخور که زحیر را بر طرف میکند.

در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام رضا علیه السلام شکایت کرد از درد پیچش شکم فرمود، که گردکاني را بگير و بر روي آتش بگذار و چون مغزش بريان شود، پوستش را بکن و بخور.

در حدیث دیگر مرویست که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد، از قراقر شکم فرمود که سیاه دانه با عسل بخور.

در حدیث معتبر منقول است که شخصی شکایت کرد بحضرت صادق علیه السلام از ضعف معده ، فرمود که جزار با آب سرد بخور و جزاه گیاهیست شبیه بکرفس آن را بیوه زا میگویند.

#### فصل دهم : در معالجه اوجاع مفاصل و فالج و بواسیر و امراض مثانه وسایر امراض

در حدیث معتبر منقول است که معلي بن خنيس بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد، از درد فرج فرمود که عورت خود را در موضعي گشوده اي که سزاوار نبوده و باین سبب این درد در آن بهم رسیده است دست چپ بر فرج خود بگذار، ایندعا را بخوان **بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ بَلِي مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَجْهِي إِلَيْكَ وَقَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ لَا مَلْجَأَ إِلَّا إِلَيْكَ**.

در حدیث دیگر منقول است که شخصی به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شکایت کرد از درد رانها فرمود که آب گرمی در طشت بکن و در میان آب بنشین و دست بر آن موضع که درد دارد بگذار، این آیه را بخوان **أُولَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ**.

در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام حسین شکایت کرد از درد پا فرمود که از اول سوره **إِنَّا فَتَقْنَا بَخْوَانَ تَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا**.

در روایت معتبر وارد شده است که ابوحمزه بحضرت امام محمد باقر شکایت کرد، از درد زانو فرمود که بعد از نماز ایندعا بخوان **يَا أَعْوَدَ مَنْ أَعْطَى وَيَا خَيْرَ مَنْ سَأَلَ وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتَرْحِمَ أَرْحَمَ ضَعْفِي وَقَلَّةَ حَلِيلَتِي وَأَعْفِنِي مِنْ وَجَعِي** چنان کرد، بزودی عافیت یافت .

در روایت دیگر منقول است که سالم بن محمد شکایت کرد بحضرت صادق علیه السلام از درد ساق ، گفت که این درد مرا از همه کار عاجز کرده است ، فرمود که این آیه را هفت مرتبه بر

آن موضع بخوان و آئل ما أوجي إليك من كتاب ربك لا مبدل لكلماته ولن تجد من دونه ملتحدا. در روایت دیگر منقول است که شخصی به حضرت امام حسین علیه السلام شکایت کرد، از درد پا فرمود که دست بر آن موضع بگذار و بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَالسَّلَامُ عَلَي رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَا قَدَرُ وَاللّٰهُ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ.

در روایت دیگر منقول است که شخصی به حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد، از درد مثانه فرمود که این آیات را در وقت خواب سه مرتبه و بعد از بیدار شدن یکمرتبه بخوان الْم تَعْلَمُ أَنَّ اللّٰهَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ الْم تَعْلَمُ أَنَّ اللّٰهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللّٰهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ.

در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام علی نقی علیه السلام نوشت که شخصی از شیعیان شما بولش بند شده است ، حضرت در جواب نوشتند که آیات قرآن بسیار بر آن بخوان تا شفا یابد.

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که بر هر ورمی آیات آخر حشر لو أنزلنا هذا القرآن على جبلٍ تا آخر سوره سه مرتبه بخوان در هر مرتبه آب دهان را بر آن موضع بینداز.

در روایت دیگر منقول است که شخصی بآن حضرت شکایت کرد از درد مفاصل فرمود که این دعا بخوان اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمَائِكَ وَبِرَكَاتِكَ وَدَعْوَةِ نَبِيِّكَ الطَّيِّبِ الْمُبَارَكِ الْمَكِينِ عِنْدَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِحَقِّهِ وَبِحَقِّ ابْنَتِهِ فَاطِمَةَ الْمُبَارَكَةِ وَبِحَقِّ وَصِيِّهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِحَقِّ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ إِلَّا أَذْهَبْتَ عَنِّي شَرًّا مَا أَجِدُ بِحَقِّهِمْ بِحَقِّهِمْ بِحَقِّكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ چون ایندعا را خواند، در همان ساعت درد ساکن شد.

در حدیث دیگر مرویست که شخصی بحضرت صادق شکایت کرد از عرق النساء فرمود، هر گاه اثرش ظاهر شود دست بر آنموضع بگذار و بگو بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَعُوذُ بِسْمِ اللّٰهِ الْكَبِیْرِ وَاَعُوذُ بِسْمِ اللّٰهِ الْعَظِیْمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ عَرَقٍ نُعَارِ وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ اَنْ شَخْصَ سَهْ مَرْتَبَهٗ اِیْن دَعَا رَا خَوَانْد، از آن مرض نجات یافت .

در روایت دیگر وارد شده است که شخصی را لغوه در او عارض شده بود، بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد حضرت فرمود که برو بروضه رسول خدا علیه السلام دو رکعت نماز بکن ، ودست بر رو بگذار و بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ بِهَذَا اُخْرِجْ اَفْسَمْتُ عَلَیْكَ مِنْ عَیْنِ اِنْسٍ اَوْ عَیْنِ جِنٍّ اَوْ وَجَعٍ اُخْرِجْ اَفْسَمْتُ عَلَیْكَ بِالَّذِي اتَّخَذَ اِبْرَاهِیْمَ خَلِیْلًا وَكَلَّمَ مُوسٰی تَكْلِیْمًا وَخَلَقَ عِیْسٰی مِنْ



رُوحِ الْفُؤَسِ لِمَاهَدَاتٍ وَطَفْنَتْ كَمَا طَفْنَتْ نَارُ إِبْرَاهِيمَ إِطْفِئِ بِإِذْنِ اللَّهِ إِطْفِئِ بِإِذْنِ اللَّهِ دُو مرتبه چنین کرد، عافیت یافت و در مکارم الاخلاق مذکور است که برای عرق مدینی که بفارسی رشته می گویند پشم شتر را بدست بکند بی کارد و مقراض و بتابد هفت گره بر آن بزند و بر هر گرهی سه مرتبه سوره حمد را بخواند، پس سه مرتبه بر آن رشته یا بر آن شخص ایندعا را بخواند بِسْمِ اللَّهِ الْأَبَدِ الْمُحْصِي الْعَدَدِ الْقَرِيبِ لِمَا بَعَدَ الطَّاهِرِ عَنِ الْوَلَدِ الْعَالِي مِنْ أَنْ يُؤَلَّدَ الْمُتَجَرِّدُ لِمَا وَعَدَ الْعَزِيزُ بِلَا عَدَدٍ الْقَوِيُّ بِلَا مَدَدٍ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ يَا خَالِقَ الْخَلِيقَةِ يَا عَالِمَ السِّرِّ وَالْخَفِيَّةِ يَا مَنْ السَّمَوَاتُ بِفُؤْرَتِهِ مُرْخَاةٌ يَا مَنْ الْأَرْضُ بِعِزَّتِهِ مَدْحُوءَةٌ يَا مَنْ الْجِبَالُ بِأَرْدَتِهِ مُرْسَاةٌ يَا مَنْ نَجِي بِهِ صَاحِبُ الْعِرْقِ مِنَ كُلِّ آفَةٍ وَبَلِيَّةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ خَيْرَ خَلْقِكَ وَأَشْفَى أَللَّ هُمْ فَلَانَ بْنِ فَلَانَةٍ بِشَفَائِكَ وَدَاوَهُ بِدَوَائِكَ وَعَافَهُ مِنْ بَلَائِكَ إِنَّكَ قَادِرٌ عَلَيَّ مَا تَشَاءُ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدِ النَّبِيِّ وَآلِهِ.

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که خواندن ایندعا برای دفع بواسیر نافع است یا جَوَادُ يَامَاجِدُ يَارَحِيمُ يَأَقْرِبُ يَأْمُجِبُ يَابَارِيءُ يَارَاحِمُ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَرُدُّ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَآكْفِنِي أَمْرًا وَجَعِي . حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام رضا علیه السلام شکایت کرد از بواسیر فرمود که سوره یس را با عسل بنویس و بشو و بخور. در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که را ورمی جراحی بهم رسد کاردی را بگیرد و بر آن موضع بمالد و بگوید بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ مِنَ الْحَدَوِّ الْحَدِيدِ وَمِنْ أَثَرِ الْعَمُودِ وَالْحَجَرِ الْمَلْبُودِ مِنَ الْعِرْقِ الْفَاتِرِ وَمِنْ لَوَازِمِ الْأَجْرِ مِنَ الطَّعَامِ وَعَقْرِهِ وَمِنْ الشَّرَابِ وَبَرَدِهِ أَمْضِي إِلَيْكَ بِإِذْنِ اللَّهِ إِلَيَّ أَجَلٍ مُسَمًّى فِي الْأَرْضِ وَالْأَنْعَامِ بِسْمِ اللَّهِ فَتَحْتُ وَبِسْمِ اللَّهِ خَنَمْتُ پس آن کارد را زمین فرو برد.

در حدیث دیگر فرمود که چون حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم را وامندگی یا درد سری عارض میشد دست می گشودند، و سوره حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس می خواندند و دست را بر رو میکشیدند. در حدیث معتبر منقول است که از حضرت امام موسی علیه السلام که برای قولنج و بادهای و درد مفاصل و سستی بدن و برودت اندرون يك کف شنبليله را با يك کف انجیر خشک بگیرند، آنقدر آب بر آن بریزند که پوشیده شود و در دیگ پاکیزه بپزند، و صاف کنند و يك روز بخورند تا آنکه در مجموع روزها بقدر يك قدح بزرگ خورده شود. در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام عرض کرد که بادی از سرتا پای مرا گرفته است فرمود که عنبر و روغن را ناشتا بدماغ بچکان .

در روایت دیگر منقول است که صباح بن محارب بحضرت امام موسی کاظم علیه السلام عرض کرد، که شخصی را باد لغوه در او بهم رسیده است و رو و چشمش را برگردانیده است ، فرمود که پنج مثقال از قرنفل بگیرد، در شیشه بکند و سرش را محکم ببندد و گل بمالد، در آفتاب بگذارد، بقدر یکروز در تابستان و دو روز در زمستان پس از شیشه بیرون آورد و نرم بکوبد و بآب باران مخلوط کند و بر پشت بخوابد، و بر آن طرف بدن که گشته است بمالد و بر آنحال خوابیده باشد تا آن قرنفل خشک شود چون چنین کند، آن مرض از او برطرف شود.

در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد، از آنکه بولش قطع نمیشود، و همیشه قطرات بول از او میآید فرمود که اسفند را بگیر و شش نوبت بآب سرد بشو و یکنوبت بآب گرم بشو و در سایه خشک کن پس با روغن گل چرب کن و سفوف کن و بخور.

در روایت دیگر منقول است که برای ریگ مٹانه هلیله و بلبله و آمله و فلفل و دارفلفل و دارچین و زنجبیل و شفاقل و انیسون و خولنجان اجزا را مساوی گرفته بکوبد و بپزند، با روغن گاو تازه ممزوج کنند، در برابر تمام اجزاء عسل صاف کرده با شکر پنیر داخلش کند، هر مرتبه بقدر فندقی بخورند.

در چند روایت وارد شده است که خوردن تره بر طرف میکند بواسیر را.

در روایت دیگر فرمود که برنج و خرماي نارس بواسیر را زایل میکند.

در روایت دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام این دوا را برای دفع بواسیر فرمود، هلیله سیاه و بلبله و آمله اجزا را مساوی گرفته بکوبند و از حریر بیرون کنند پس قدری از مقل از رق گرفته در آب تره بخیسانند سه شب پس این دواها را در میان آن ریخته و خمیر کنند، دست را بر روغن بنفشه چرب کرده آنرا بقدر یکعده حب کنند و در سایه خشک کنند، اگر در تابستان باشد بقدر يك مثقال بخورد و اگر زمستان باشد بقدر دو مثقال بخورد، و در آن ایام که آن را میخورد از ماهی و سرکه و سبزیها اجتناب کند.

در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام علی نقی علیه السلام شکایت کرد، از یبوست مزاج فرمود که خرماي برنی را ناشتا بخور و آب بر بالایش بخور چنان کرد فربه شد و رطوبت بر مزاجش غالب شد، باز از رطوبت شکایت کرد فرمود که خرماي برنی را ناشتا بخور و آب بر بالایش مخور چنان کرد مزاجش مستقیم شد.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که برای دفع زیادتی بلغم بگیر قند ران رومی و کندر و آبشم و زنیان و سیاه دانه اجزا را مساوی یکدیگر و همه را نرم بکوب و بپز و با عسل

خمیر کن و هر شب وقت خواب بقدر یک فندق بخور.

از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که بگیر از هلیله زرد یک مثقال و از خردل دو مثقال و از عاقرقرحا یک مثقال و بسیار نرم بکوب و ناشتا بر دندانها بمال که بلغم را دفع میکند و دهن را خوشبو میکند، دندانها را محکم میکند.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ناشتا بحماز رفتن بلغم را دفع میکند، بعد از طعام بحمام رفتن صفا و سودا را دفع می کند.

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که بسیار شانه کردن بلغم را کم میکند.

### فصل یازدهم : در بیان قلیلی از تعویذات برای دفع سحر و سموم گزندگان و سایر بلاها

در حدیث معتبر منقول است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که برای دفع سحر،

این تعویذ را بر پوست آهو بنویسند، با خود نگاه دارند بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَمَا شَاءَ اللّٰهُ بِسْمِ اللّٰهِ

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمُ بِهِ السِّحْرَانِ اللّٰهُ سَيَبْطِلُهُ إِنَّ اللّٰهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ  
فَوَقَّعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ فَغَلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ.

در روایت دیگر فرمود که اگر از ساحری یا ظالمی ترسی ، بعد از نماز شب پیش از شروع

در نماز صبح رو به جانب خانه او بکن و هفت مرتبه بگو: بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ سَتَشُدُّ عَضُدَكَ

بِأَخِيكَ وَتَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطٰنًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيٰتِنَا أَنْتُمَا وَمَنْ أَتَّبِعْكُمَا الْغَالِيُونَ.

در روایت دیگر منقول است که جبرئیل خبر داد حضرت رسول را که لبیدبن اعصم یهودی

سحر برای آنحضرت کرده است ، پس حضرت رسول حضرت امیرالمؤمنین را طلبید و

فرمود که برو در فلان چاه و سحر را بیرون آور، حضرت امیرالمؤمنین بآن موضع رفتند و

در آنچاه داخل شدند و از ته آب حقه بدر آوردند، بنزد حضرت رسول صلی الله علیه وآله

وسلم آوردند در آنچاه زه کمانی بود که یازده گره به او زده بودند، پس جبرئیل سوره قل اعوذ

برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را آورد از آسمان حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم

فرمود، که یا علی این دو سوره را بر این گرهها بخوان پس هر آیه که حضرت میخواندند، یک

گره گشوده میشد چون هر دو سوره تمام شد گرهها گشوده شد و سحر بر طرف شد، پس موافق

این حدیث واحادیث معتبره دیگر این دو سوره را در دفع سحر تاءثیر عظیم هست .

در حدیث معتبر وارد شده است که چشم بد را تاءثیر میباشد و فرمودند که بسا باشد که چشم بد

آدمیرا بقبر و شتر را بدیگ داخل کند پس کسی که خوش آید او را چیزی از کسی الله اکبر

بگوید.

در روایت دیگر نام خدا ببرد.

در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون ترسد که چشم او در کسی یا در او تاءثیر کند، سه مرتبه بگوید **مَاشَاءَ اللَّهِ لِأَفْوَةٍ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ** و فرمود که هر گاه کسی با هیأت نیکو خواهد که از خانه بیرون رود **سوره قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق** بخواند، و بیرون رود تا چشم بد در او اثر نکند.

در روایت دیگر فرمود که هر که را اثر چشم باو رسیده باشد دستها را برابر رو بلند کند، و **سوره حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس** بخواند، دست بر پیش سربکشد.

از حضرت رسول منقول است که هر که از شیاطین و جادوگران ترسد، آیه سخره را بخواند **إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَأَعُوذُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ**.

در روایت دیگر منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد، از بسیاری خیالات فاسده و وسوس شیطان که بر او دست یافته فرمود که دست بر دل بگذارد و سه مرتبه بگو **بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اللَّهُمَّ مَنَّتَ عَلَيَّ بِالْإِيمَانِ وَأَوْدَعْتَنِي الْقُرْآنَ وَرَزَقْتَنِي صِيَامَ شَهْرِ رَمَضَانَ فَأَمَّنْتُ عَلَيَّ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالرَّأْفَةِ وَالْعُفْرِانِ وَتَمَّامَ مَا أَوْلَيْتَنِي مِنَ النِّعَمِ وَالْإِحْسَانِ يَا مَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا دَائِمُ يَا رَحْمَنُ سُبْحَانَكَ وَلَيْسَ لِي أَحَدٌ سِوَاكَ سُبْحَانَكَ أَعُوذُ بِكَ بَعْدَ هَذِهِ الْكِرَامَاتِ مِنَ الْهَوَانِ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَجْلِي عَن قَلْبِي الْأَحْزَانَ** پس صلوات بر محمد و آل محمد بسیار بفرست .

در روایت دیگر منقول است که شخصی بآن حضرت شکایت کرد، که چون تنها میشوم مرا وجشتی و اندوهی عارض میشود، و چون بمیان مردم میآیم برطرف میشود فرمود که دست بردل بگذارد، بگو **بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ** پس دست بمال بر دل و بگو **أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا أَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ عَلَيَّ نَفْسِي** هفت مرتبه این دعا را میخوانی .

در روایت دیگر وارد شده است که شخصی بآنحضرت شکایت کرد، از آرزوی بسیار کردن و وسوسه های سینه فرمود، که دست بر سینه بکش و بگو **بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ** و **لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ أَمْحُ عَنِّي مَا جُدُّ** پس دست بر شکم بمال و سه مرتبه بخوان این دعا را آن شخص چنین کرد، آن حالت از او بر طرف شد و شیخ احمد بن فهد در کتاب عدة الداعي از برای گشودن کسیکه او را بسته باشند بر زنش

ایندعا را نقل کرده است ، که بنویسد و با خود نگاه دارد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِیْنًا لِّیَغْفِرَ لَكَ اللّٰهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَاَخَّرَ وَیُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَیْكَ وَیَهْدِیْكَ صِرَاطًا مُسْتَقِیْمًا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللّٰهِ وَالْفَتْحُ وَرَأَيْتَ النَّاسَ یَدْخُلُوْنَ فِیْ دِیْنِ اللّٰهِ اَفْوَاجًا فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ اِنَّهٗ كَانَ تَوَّابًا وَمِنْ آیَاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوْا اِلَیْهَا وَجَعَلَ بَیْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً اِنَّ فِیْ ذٰلِكَ لَایٰتٍ لِّقَوْمٍ یَّتَفَكَّرُوْنَ اَدْخُلُوا عَلَیْهِمُ الْبَابَ وَاِذَا دَخَلْتُمُْوْهُ فَاِنَّكُمْ عَلَیْهِمْ غٰلِبُوْنَ فَفَتَحْنَا اَبْوَابَ السَّمَآءِ بِمَآءٍ مُنْهَمَرٍ ثُمَّ فَجَّرْنَا الْاَرْضَ عُیُوْنَا فَالْتَقَى الْمَآءُ عَلَیْ اَمْرِ قَدٍ فَاَنْزَلَ رَبُّ شَرْحًا لِّیْ صَدْرِیْ وَیَسِّرْ لِّیْ اَمْرِیْ وَاَحْلِلْ عُقْدَةَ مِنْ لِسَانِیْ یَقْفُوْهَا قَوْلِیْ وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ یَوْمَئِذٍ یَمُوْجٌ فِیْ بَعْضٍ وَنُفِخَ فِی الصُّوْرِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا كَذٰلِكَ حَلَّلْتَ فُلَانَ بِنِ فُلَانٍ عَلَیْ فُلَانَةٍ بِنْتِ فُلَانَةٍ لَقَدْ جَانَتْكُمْ رَسُوْلٌ مِنْ اَنْفُسِكُمْ عَزِیْزٌ عَلَیْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِیصٌ عَلَیْكُمْ بِالْمُؤْمِنِیْنَ رَوْفٌ رَحِیْمٌ فَاِنْ تَوَلَّوْا اَقْفُلٌ حَسْبِیْ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ.

در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که چون زن یهودیه گوسفند زهر آلود آورد بنزد حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسم گوسفند بریان بسخن آمد بامر الهی وگفت یا رسول الله مخور از من که مرا بزهر آلوده اند، جبرئیل نازل شد وگفت پروردگارت سلامت میرساند، میگوید که این دعا را بخوان و بخور که زهر بتو آسیب نمی رساند، پس حضرت امر فرمود اصحاب را که همگی این دعا را خواندند، از آن گوسفند خورد و ایشان تناول کردند، پس امر فرمود ایشان را که حجامت بکنند، دعا اینست بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِیْ یُسَمِّیْهِ بِهٖ كُلُّ مَوْمٍ وَبِهٖ عَزَّكُلُّ مُؤْمِنٍ وَبِثَوْرِهِ الَّذِیْ اَضَاعَتْ بِهٖ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضُ وَبِقُدْرَتِهِ اَتٰی خَضَعَ لَهَا كُلُّ جَبَّارٍ عَنِیْدٍ وَاَنْتَكَسَ كُلُّ شَیْطٰنٍ مُرِیْدٍ مِنْ شَرِّ السَّمِّ وَالسَّحْرِ وَاللَّمَمِ بِسْمِ اللّٰهِ الْعَلِیِّ الْمَلِکِ الْفَرْدِ الَّذِیْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَنَزَّلَ مِنْ الْفُرْقٰنِ مَا هُوَ شِفَآءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِیْنَ وَلَا یَزِیْدُ الظَّالِمِیْنَ اِلَّا خَسٰرًا.

در حدیث دیگر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است کسی که از شر حیوانات درنده بر خود و گوسفندان خود ترسد بر دور خود و آنها خطی بکشد، بگوید اَللّٰهُمَّ رَبَّ دَانِیَالٍ وَالْجَبِّ وَرَبَّ كُلِّ اَسَدٍ مُسْتَأْسَدٍ اِحْوَظْنِیْ وَاِحْفَظْ غَنَمِیْ و فرمود که اگر کسی از عقرب ترسد این آیات را بخواند سَلَامٌ عَلَیْ نُوحٍ فِی الْعَالَمِیْنَ اِنَّا كَذٰلِكَ نَجْزِی الْمُحْسِنِیْنَ اِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِیْنَ.

در حدیث معتبر منقول است که حضرت صادق به شخصی فرمود، که چون شیر را ببینی در روی آن آیه الکرسی بخوان و بگو عَزَمْتُ عَلَیْكَ بِعَزِیْمَةِ سُلَیْمٰنِ بْنِ دَاوُدَ عَلَیْهِمَا السَّلَامُ وَعَزِیْمَةِ عَلَیِّ امِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ عَلَیْهِ السَّلَامُ وَالْاِیْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ اِلَّا تَنْحَیْتُ عَنْ طَرِیْقَتِنَا وَلَمْ نُؤْذِنَا فَاِنَّا لَا نُؤْذِیْكَ

راوی گفت که بشیری برخوردم و ایندعا را خواندم ، سر بزیر انداخت و دم را در میان پاها

خود کشید، برگشت .

در حدیث معتبر منقول است که شخصی بخدمت امام موسی علیه السلام عرض کرد، که من جانوران درنده را شکار میکنم و شب در خرابه ها و جاهای هولناک بسر میبرم فرمود، که چون داخل خرابه شوی پایی راست را پیش گذار و بسم الله بگو و چون بیرون آئی پایی چپ را پیش گذار و بسم الله بگو که آسیبی بتو نمیرسد.

از حضرت امام رضا منقول است که چون شیر را ببینی در برابرش سه مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ بگو** و **بگو اللَّهُ أَعَزُّ وَأَكْبَرُ وَأَجَلُّ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ۚ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا أَخَافُ وَأَحْذَرُ** و چون سگ بر روی تو فریاد کند، و حمله کند این آیه را بخوان **يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُتُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُتُوا لَا تَنْفُتُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ**.

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که برای دفع ضرر جانوران زمین ایندعا بخوان **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ أَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ عَلَي مَايَشَاءُ مِنْ شَرِّ كُلِّ هَامَّةٍ تَدْبُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِنَّ رَبِّي عَلَي صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ** .

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرگاه از عقرب ترسی نظر کن در شب بستاره سها که نزدیک ستاره دویم بنات النعش است ، و سه مرتبه **بگو اللَّهُمَّ يَا رَبَّ اسَلِّمْ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجَلْ فَرَجَهُمْ وَسَلِّمْنا مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ** راوی گفت تا حال یکشب نخواندم ، عقرب در آن شب مرا گزید.

در حدیث دیگر فرمود که کسیکه از مار و عقرب ترسد، در اول شب این دعا بخواند **بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَخَذْتُ الْعُقَارِبَ وَالْحَيَّاتُ كُلَّهَا بِإِذْنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِأَفْوَاهِهَا وَأَذْنَابِهَا وَأَسْمَاعِهَا وَأَبْصَارِهَا وَقَوَاهَا عَنِّي وَعَمَّنْ أَحْبَبْتَ إِلَي ضَخْوَةَ النَّهَارِ**.

در روایت دیگر فرمود که این دعا بخواند **بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَي اللَّهِ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَي اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي كَنُفُوكَ وَفِي جِوَارِكَ وَاجْعَلْنِي فِي حِفْظِكَ وَاجْعَلْنِي فِي أَمْنِكَ**.

در روایت معتبر از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که اصحاب حضرت رسول در بعضی از جنگها بآنحضرت شکایت کردند، از بسیاری کبک فرمود، که در وقت خواب این دعا بخوانید **إِنِّهَا الْأَسْوَدُ الْوَتَابُ الَّذِي لَا يُبَالِي غَلَقًا وَلَا بَابًا عَزَمْتُ عَلَيْكُمُ الْكِتَابِ اءن لاثودني وَ اءصحابي الي اءن يذهب الليلُ وَيَجِيء الصُّبْحُ بما جاءء و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بر هر که غضب مستولي شود اگر ایستاده باشد بنشیند تا ساکن شود غضب او و اگر**

بر خویش خود غضبناک شده باشد، بدن خود را بیدن او برساند تا ساکن شود.

در حدیث دیگر فرمود که در وقت غضب این دعا بخواند **اللَّهُمَّ اذْهَبْ عَنِّي غَيْظَ قَلْبِي وَاعْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَاجْرِنِي مِنْ مُضَلَّاتِ الْفِتَنِ اسْئَلُكَ رِضَاكَ وَاعُوذُ بِكَ مِنْ سَخَطِكَ وَاسْأَأْكَ جَنَّتِكَ وَاعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِكَ وَاسْأَأْكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ وَاعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى الْهُدَى وَالنَّوَابِ وَاجْعَلْنِي رَاضِيًا مَرْضِيًّا غَيْرَ ضَالٍّ وَلَا مُضَلَّلٍ.**

در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون چیزی را شیطان از خاطره تو محو کرده باشد، خواهی بیاد آوری دست بر پیشانی بگذار و بگو **اللَّهُمَّ اِنِّي اسْئَلُكَ يَا مُذَكِّرَ الْخَيْرِ وَفَاعِلَهُ وَالْأَمْرَبِهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَذَكِّرَنِي مَا لِنَاسِيهِ الشَّيْطَانِ .**

در احادیث معتبره وارد شده است که از برای ادای قرض این دعا بخواند **اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَيَقْضِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ.**

و شخصی بخدمت حضرت امام محمد تقی علیه السلام نوشت ، که قرض بسیار دارم حضرت نوشتند، که استغفار بسیار بکن و زبانت را تر بدار به خواندن سوره انا انزلناه فی لیلۃ القدر.

در روایت دیگر فرمود که برای دفع پریشانی هر روز صد مرتبه انا انزلناه فی لیلۃ القدر بخوان و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است برای دفع فقر و پریشانی که بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید **سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَيَحْمَدُهُ اسْتَعْفِرُ اللَّهَ وَأَسْتَلُّهُ مِنْ فَضْلِهِ.**

در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که هر که فقر بسیار بر او زور آورد، بسیار بگوید **لا حول ولا قوة الا بالله** بدرستی که این کلمه گنجی است از گنجهای بهشت و در آن شفای هفتاد و دو درد هست که کمتر از آنها اندوه است .

در حدیث بسیار معتبر وارد است که هر که روز صد مرتبه **لا حول ولا قوة الا بالله** بگوید، هفتاد نوع از بلا از او دور گردد که سهل تر آنها غم و اندوه باشد و در حدیث معتبر منقول است که هر که هزار مرتبه **ماشاء الله** در یکدفعه بگوید در آن سال او راجح نصیب شود و اگر در آن سال نشود زنده بماند تا توفیق حج بیابد.

در احادیث بسیار وارد شده است که **لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم** دفع اندوه میکند.

در احادیث معتبره از حضرت علی بن الحسین علیه السلام منقول است که هرگاه من این دعا را بخوانم پروا ندارم اگر جن وانس جمع شوند، برای ضرر رسانیدن بمن **بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ اللَّهُمَّ اِنِّكَ اسَلَمْتُ نَفْسِي وَ اِنِّكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي وَ اِنِّكَ فَوَضْتُ أَمْرِي وَ احْفَظْنِي بِحِفْظِ الْاِيْمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِ وَ عَنْ شِمَالِي وَ مِنْ فَوْقِي وَ مِنْ تَحْتِي وَ اَقْعْ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.**

در روایت دیگر منقول است که حضرت صادق علیه السلام روزی نزد منصور دوانقی رفتند، و او در نهایت شدت و غضب بود، حضرت در وقت داخل شدن این دعا خواندند، غضب او ساکن شد **يَا عُدَّتِي عِنْدَ شِدَّتِي وَيَا عَوَّتِي عِنْدَ كُرْبَتِي أَحْرُسُنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لِاتْنَامُ وَ أَكْفُنِي بِرُكْنِكَ الَّذِي لِأَيْرَامُ.**

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که برای برگشتن غلام گریخته بر کاغذی آیه الكرسي را مدور بنویسید، و در میان آن بنویسند، **اللَّهُمَّ السَّمَاءُ لَكَ وَالْأَرْضُ لَكَ وَمَا دُونَهُمَا لَكَ فَاجْعَلْ مَا بَيْنَهُمَا اضْيَاقُ عَلِيٍّ فُلَانٍ** و نام غلام را بنویسند، **مِنْ جِلْدِ جَمَلٍ حَتَّى تَرُدَّهُ عَلَيَّ وَ تُظْفِرُنِي بِهِ** و این دعا را بخواند و آن کاغذ را در موضعی که شبها در آنجا میخوابیده دفن کند، و چیز سنگینی بالایش بگذارد.

در حدیث دیگر فرمود، که کسی را مالی یا حیوانی گم شود، این دعا را بخواند **اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِلَهٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَإِلَهُ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَعَدَلَ فِيهِمَا وَأَنْتَ الْهَادِي مِنَ الضَّلَالَةِ وَتَرُدُّ الضَّالَّةَ رُدَّ عَلِيٍّ ضَالَّتِي فَإِنَّهَا مِنْ رِزْقِكَ وَعَطَيْتِكَ اللَّهُمَّ لَا تَقْتِنُ بِهَا مُؤْمِنًا وَلَا تُعْنِ بِهَا كَافِرًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ.**

از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است برای گم شده بگوید **وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَهْدِي مِنَ الضَّلَالَةِ وَتُنْجِي مِنَ الْعَمَى وَتَرُدُّ الضَّالَّةَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَغُفِرْ لِي وَرُدُّ ضَالَّتِي وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلِّمْ .**

از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که برای رد گم شده دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعت بعد از حمد سوره یس بخواند، بعد از نماز دست بسوی آسمان بردارد، بگوید **اللَّهُمَّ رَاؤُ الضَّالَّةِ وَالْهَادِي مِنَ الضَّلَالَةِ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْ ضَالَّتِي وَارْزُدْهَا إِلَيَّ سَالِمَةً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ فَإِنَّهَا مِنْ فَضْلِكَ وَعَطَاؤِكَ يَا عِبَادَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَيَا سَيَّارَةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ رُدُّوا عَلَيَّ ضَالَّتِي فَإِنَّهَا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَعَطَائِهِ.**

در روایتی منقول است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند، که تعویذی با خود میداریم و جنب میشویم چونست؟ فرمود باکی نیست اما زن چون حیاض میشود، باید که تعویذی که با خود نگاه دارد، در میان پوست باشد و فرمود که هر چه از دعا و قرآن و تعویذ که خواهید برای کوفتها و دردها بخوانید، اما افسونها که معنیش معلوم نباشد بخوانید، فرمود که بسیاری از تعویذها و افسونها کفر است.



فصل دوازدهم : در فوائد تربیت شریف حضرت امام حسین (ع) و خواص بعضی از ادویه مفرده

در احادیث معتبره بسیار وارد شده است ، که در خاک قبر امام حسین علیه السلام شفای هر دردی هست ، آنست دواي بزرگ .

در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است : هر که را علتی حادث شود ، بتربیت آنحضرت مداوا کند البته شفا یابد ، مگر آنکه علت مرگ باشد .

در حدیث دیگر فرمود که تربیت آنحضرت شفا می بخشد ، از هر دردی و امان میدهد ، از هر ترسی .

در حدیث دیگر فرمود که کام فرزندان خود را بتربیت آنحضرت بردارید ، که امان میدهد از بلاها .

در روایت دیگر منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام هیچ متاعی بجائی نمیفرستادند ، مگر آنکه قدری از تربیت آنحضرت در میانش می گذاشتند ، که ببرکت آن محفوظ بماند .

در حدیث معتبر منقول است که ابن ابی یعفور از حضرت صادق علیه السلام سؤال کرد ، که بعضی از مردم تربیت امام حسین علیه السلام می گیرند ، منتفع میشوند و بعضی نفع نمی یابند ، فرمود والله که هر کس اعتقاد نفع داشته باشد ، نفع می یابد .

در حدیث دیگر منقول است که شخصی بآنحضرت عرض کرد که زنی رشته بمن داده است که بخدمه کعبه معظمه بدهم ، که جامه کعبه را بدان بدوزند ، حضرت فرمود که آنرا بده غسل و زعفران بخر ، خاک قبر حضرت امام حسین علیه السلام را بگیر و بآب باران نرم کن و در میان غسل و زعفران بریز بشیعیان ما بده که بیماران خود را بآن دوا کنند .

در روایت دیگر فرمود که خاک قبر حضرت امام حسین شفای دردهاست ، هر چند تلت فرسخی دورتر از قبر بردارند ، در روایت دیگر فرمود که هفتاد ذرع از قبر تربیت شفا را میتوان برداشت .

در روایت معتبر دیگر فرمود که تربیت شفا را تا یک فرسخ و تلت فرسخ از اطراف قبر میتوان برداشت ، فرمود که هیچ چیز مثل آن نیست در شفا بخشیدن مگر دعا و چیزیکه برکت آنرا کم میکند ، در جاهای نامناسب گذاشتن ، کم اعتقادی آن کس است که می خورد ، اما کسی که یقین داند که آن شفاست ، هر وقت که معالجه کند بآن البته او را بدوای دیگر احتیاج نمیباشد ، فاسد میکند ، کم میکند نفع تربیت را شیاطین و جنیان کافر که خود را برآن میمالند ، بهر یک که می

گذرد آنرا میبویند، شیاطین و کافران جن رشک میبرند، بر فرزندان آدم پس خود را بر آن میمانند که بوی خوش و نفعش را کم کنند، هر تربتی که از حایر بیرون میآورند، آنقدر که نتوان شمرد از شیاطین که از بیم ملائکه داخل حایر نمیشوند، در بیرون مهیا میباشند که از حایر بیرون آورند خود را بر آن بمانند، و اگر تربت از این سالم بماند هر بیماری که بخورد، در ساعت شفا یابد، پس چون تربت را برداری ببند و پنهان کن و نام خدا بر آن بسیار بخوان، و من شنیده ام که بعضی تربت را بر میدارند و آنرا سبک می شمارند، حتی آنکه در میان توبره چهار پایان یا در میان ظرف طعام میاندازند، از چنین تربتی چون شفا یابند بد رستی که کسی صاحب یقین نیست باستخفاف باموری که موجب صلاح اوست اعمال خود را فاسد میگرداند. در حدیث دیگر منقول است که شخصی بآنحضرت عرض کرد، که مرا درد و مرض بسیار می باشد و هر دوائی که خوردم نفع نکرد، فرمود که چرا تربت حضرت امام حسین علیه السلام را نمی خوری که در آن شفای هر درد و امان از هر بیم هست؟ وقتیکه بر میداری تربت را بگو **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الطَّيْنَةِ وَبِحَقِّ الْمَلِكِ الَّذِي أَخَذَهَا وَبِحَقِّ النَّبِيِّ الَّذِي قَبَضَهَا وَبِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي حَلَّ فِيهَا صَلَّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَجْعَلْ لِي فِيهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ** پرسید که شفای هر درد را دانستم، چگونه امان است از هر خوفی؟ فرمود، که هرگاه از ظالمی یا از بلائی اندیشه داشته باشی از خانه بیرون میا مگر آنکه خاک قبر آنحضرت باتو باشد.

در آنوقت که خاک را با خود بر میداری بگو **اللَّهُمَّ هَذِهِ طَيْنَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ اتَّخَذْتُهَا حِرْزًا لِمَا أَخَافُ وَمَا لَأَخِافُ.**

از ابو حمزه ثمالی منقول است که حضرت صادق فرمود، که چون خواهی تربت قبر را برداری سوره حمد و قل یا ایها الکافرون و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد و انا انزلناه في الليلة القدر و يس و آية الكرسي بخوان و بگو **اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ وَآمِينِكَ وَبِحَقِّ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَالحُسَيْنِ وَبِحَقِّ الْأَيْمَةِ الرَّاشِدِينَ وَبِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ وَبِحَقِّ الْمَلِكِ الْمُوَكَّلِ بِهَا وَبِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي هُوَ فِيهَا وَبِحَقِّ الْجَسَدِ الَّذِي تَضَمَّنَتْ وَبِحَقِّ السَّبْطِ الَّذِي ضَمِنَتْ وَبِحَقِّ جَمِيعِ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَاءِكَ وَرُسُلِكَ صَلَّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَأَلِيهِ وَأَجْعَلْ هَذِهِ الطَّيْنَةَ شِفَاءً لِي وَلِمَنْ يَسْتَشْفِي بِهِ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ وَمَرَضٍ وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ اجْعَلْهُ عَلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ وَأَفَةٍ وَعَاهَةِ وَجَمِيعِ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا إِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ** پس بگو **اللَّهُمَّ رَبَّ هَذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ الْمَيْمُونَةَ وَالْمَلِكِ الَّذِي هَبَطَ بِهَا وَالْوَصِيِّ الَّذِي هُوَ فِيهَا صَلَّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ وَأَنْفَعْنِي بِهَا إِنَّكَ**

عَلِي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

در روایت دیگر فرمود که در وقتیکه تربت را بخوری اول بیوس و بر هر دو دیده بگذار و زیاده از يك نخود مخور که هر که زیاده بخورد چنانست که گوشت و خون ما را خورده است ، در وقتیکه از قبر بر میداری بگو **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَلِكِ الَّذِي قَبَضَهَا وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ النَّبِيِّ الَّذِي خَزَنَهَا وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي حَلَّ فِيهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعَنْ تَجْعَلَهُ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ** پس تربت را در پارچه ببند سوره انانزلناه بر آن بخوان .

در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که تربت را بقصد شفاء خورد چنانستکه گوشت ما را خورده است ، چون بقصد شفا خورد بگوید **بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اللَّهُمَّ رَبَّ هَذِهِ الثَّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ الطَّاهِرَةِ وَرَبَّ النُّورِ الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ وَرَبَّ الْجَسَدِ الَّذِي سَكَنَ فِيهِ وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُؤَكَّلِينَ بِهِ اجْعَلْهُ شِفَاءً مِنْ دَاءٍ كَذَا وَكَذَا** و آن آزار را ذکر کند پس تربت را بخورد، یکجره آب بعد از آن بخورد، و بگوید **اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَسَعَا وَعِلْمًا نَافِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقْمٍ** چون چنین کنی دفع میشود آنچه در خود می یابی از درد و بیماری و غم و اندوه .

در روایت دیگر فرمود که در وقت خوردن ایندعا بخواند، **بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَسَعَا وَعِلْمًا نَافِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ رَبَّ الثَّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ وَرَبَّ الْوَصِيِّ الَّذِي وَارَتْهُ صَلَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ هَذَا الطِّينَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ**.

از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که چون میت را دفن کنند، در رویش مهري از خاک قبر حضرت امام حسین علیه السلام بگذارند.

در حدیث دیگر فرمود که مؤمن میباید از پنج چیز خالی نباشد، مسواک و شانه و جانماز و تسبیحی از تربت که سی و چهار دانه باشد و انگشتر عقیق .

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که تسبیح خاک آنحضرت را بگرداند، بهر استغفاری هفتاد استغفار برای او نوشته شود، اگر تسبیح را در دست نگاه دارد، چیزی نگوید بعد هر دانه هفت استغفار برای او نوشته شود.

در حدیث دیگر فرمود که هر که خاک قبر حضرت امام حسین علیه السلام را بفروشد و بخرد چنانست که که گوشت حضرت امام حسین علیه السلام را فروخته و خریده باشد، بدانکه مشهور میان علماء آنست که که بقدر نخودی میتوان خورد، چون از بعضی احادیث عدس ظاهر میشود بهتر آنست که زیاده از عدس نخورد.

اما خواص ادویه :

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که تب کند و در شب اول بوزن دو درهم یا سه درهم بزرقطونا بخورد، در آنمرض ایمن گردد از سرسام و ذات الجنب .  
در حدیث دیگر فرمود که فضیلت عناب بر سایر میوه ها مانند فضیلت ما است بر سایر مردم .  
از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که عناب تب را زایل میکند.  
در روایتی منقول است که ابن ابی الخضیب گفت که دیده من سفید شده بود، چیزی نمیدیدم شبی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را در خواب دیدم ، فرمود که عناب را بکوب و در دیده بکش چون بیدار شدم ، عناب را به آهسته سائیدم و در دیده کشیدم دیده ام صحیح و بینا شد .  
در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که که مداوا کنید بسنا که اگر چیزی مرگ را رد میکند، آن سنا است .

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چهار چیز است ، که طبیعتها را باعندال میآورد، انار سورانی و خرماي نارس پخته و بنفشه و کاسنی .

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در سیاه دانه شفای همه دردها هست بغیر از مرگ .

در بعضی از روایات وارد شده است که از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم پرسیدند که چگونه استعمال کنیم ، فرمود که بیست و یکدانه اش را در کهنه بکنی و یکشب در آب بخیسانی و چون صبح شود، در بینی راست دو قطره و در بینی چپ یک قطره بچکانی و در روز دوم نیز چنین کنی در روز سیم در بینی راست یکقطره و در بینی چپ دو قطره بچکانی و در هر شب دانه ها را تازه کنی .

در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که شخصی بآن حضرت شکایت کرد که از بسیار آمدن بول آزارمیکشم ، فرمود که سیاه دانه در آخر شب بخور، و فرمود که من آنرا میخورم برای تب و دردسر و آزار چشم و درد شکم و جمیع دردها و خدا مرا بآن شفا میدهد .

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که بر هر يك از برگ و دانه و درخت اسفند ملكي موکل است ، که با آنها هست تا آنکه بیوسد و ریشه اش و شاخش غم و سحر را برطرف میکند، و در دانه اش شفای هفتاد و دو درد هست ، پس مداوا کنید، به اسفند و کندر .  
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که خانه که اسفند در آن باشد شیطان تا هفتاد خانه از آن خانه دوری میکند، و آن شفاست از هفتاد مرض که آسانتر آن خوره است .

در روایت دیگر منقول است که پیغمبري به خدا شکایت کرد از جبن امت خود، وحي بر او نازل شد که مرکن امت خود را که اسفند بخورند، که باعث شجاعت میشود، فرمود که کندر برگزیده پیغمبرانست و هیچ دردي زودتر از درد آن بآسمان بالا نمیرود و آن دور کننده شیاطین و دفع کننده بلاهاست .

از حضرت امام حسین علیه السلام منقول است که اگر مردم بدانند که چه منافع در هلیله زرد است ، هر آینه بوزن آن از طلا بخرند.

از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که بخورید انجیر را که برای دفع قولنج نافع است ، فرمود که گند دهانرا بر طرف میکند، و استخوان را محکم می کند و مو در بدن میرو یابد و دردها را میبرد.

از حضرت رسول صلي الله عليه وآله وسلم منقول است که خوردن انجیر ترو خشک بواسیر را قطع میکند، نقرس و غلبه برودت بر باطن را نفع میدهد.

حضرت صادق علیه السلام فرمود که برگ خرفه عقل را زیاد میکند، و هیچ گیاهي از آن شریفتتر و نافع تر نیست .

از حضرت امام رضا علیه السلام فرمود، که بادروج از ما است و تره تیزك از بني امیه است ، حضرت صادق علیه السلام فرمود که کاهو خون را فرو می نشاند.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که خوراك خضر والیاس کرفس و دمبلان است .

از حضرت رسول صلي الله عليه وآله وسلم مرویستکه هر که سداب بخورد، در شب بخوابد، در آن شب ایمن باشد، از دردهاي اندروني و بیروني و ذات الجنب .

در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت زنیان و سیاه دانه و آبشم را سفوف می کردند بعد از لبنیات و طعامي که بیم ضرري داشت می خوردند، گاهی با نمك سائیده ممزوج ساخته پیش از طعام می خوردند، می فرمودند که چون بامداد اینرا بخورم ، از خوردن هیچ چیزی پروا نمیکنم و تقویت معده می کند، بلغم را میبرد، امان میبخشد از لغوه و فرمود که حق تعالی برکت فرستاده است ، در عسل و در آن شفای از جمیع دردها است ، بر آن هفتاد پیغمبر برکت فرستاده است .

حضرت صادق علیه السلام فرمود که سرکه شراب بن دندان را محکم می کند، کرمهاي شکم را می کشد، و عقل را محکم می کند، فرمود که خوردن اشفان زانوها را سست می کند، و آب پشت را فاسد می کند، دهن را بدبو می کند، فرمود که هر که زنیان و گردکان با هم بخورد، بواسیر را میسوزانند و بادها را دفع می کنند، معده را زیر میکنند، گردها را گرم می کنند،

فرمود که آبشم و نمك با یکدیگر بادهای را دفع میکنند، سدهای را میکشایند و بلغم را میسوزانند، موجب ادرار بول میشوند و دهن را خوشبو میکنند، و معده را نرم میکنند، و لغوه را دفع می کنند، قوت جماع را زیاد میکنند.

در چند حدیث وارد شده است که مالیدن نمك دفع زهر عقرب و گزندگان میکند.

پایان جلد دوم